

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زَن

در اسلام و غرب

نویسنده

دکتر محمد حسن قدیری ابیانه

www.ghadiri.ir

mh.ghadiri@gmail.com

مرداد ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زن در اسلام و غرب

نویسنده

دکتر محمد حسن قدیری ابیانه

www.ghadiri.ir

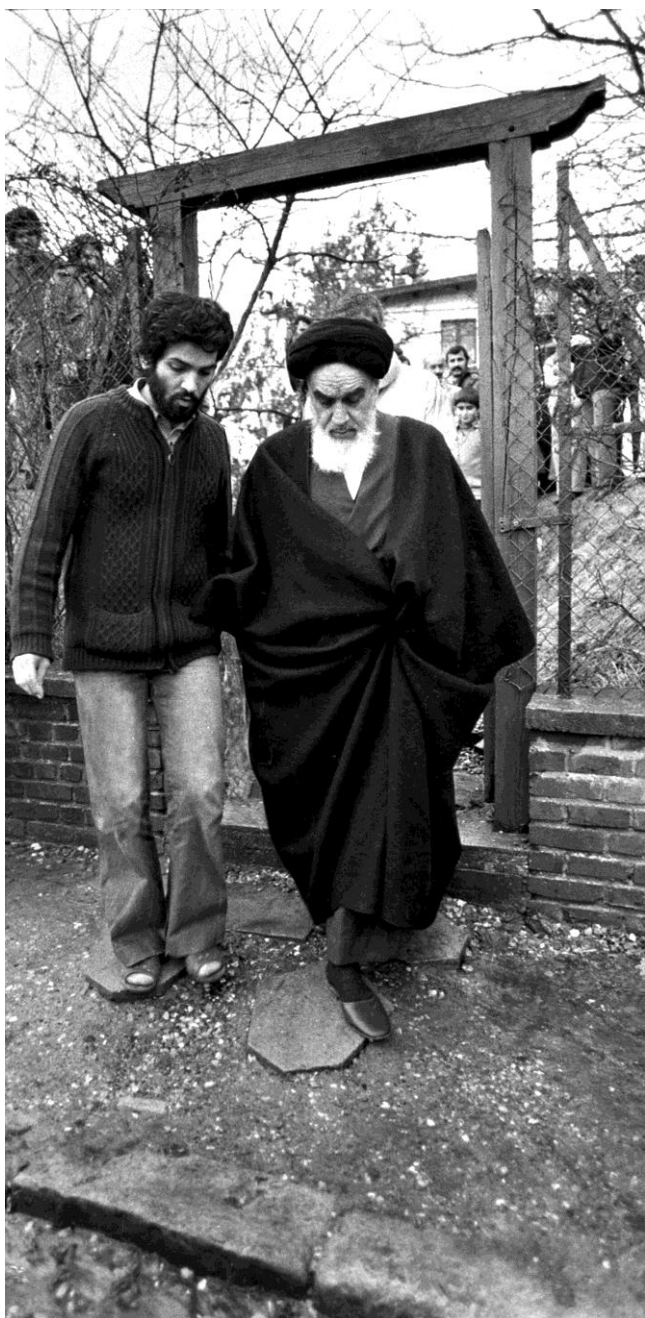
mh.ghadiri@gmail.com

شابک:

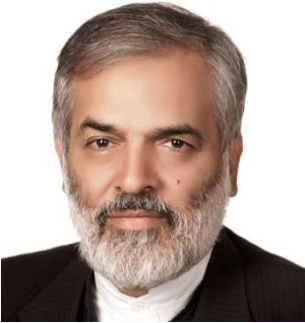
چاپ اول مرداد ۱۳۹۰

انتشارات بنیاد بعثت

رسول خدا (ص) از حضرت جبرئیل (ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می‌خندند) زمانی است که زن بی‌حجابی و بدحجابی می‌میرد، و بستگان او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می‌کرد و به گناه می‌انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می‌پوشانند.



درباره مؤلف



دکتر محمد حسن قدیری ایبانه به سال ۱۳۳۲، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی خود را در سال ۱۳۵۱ در فلورانس ایتالیا در رشته معماری آغاز نمود. در ۱۳۵۳، هنگامی که ۲۰ سال داشت، انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در ایتالیا را پایه گذاری نمود و بر علیه رژیم سلطنتی وقت ایران و در راه پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه کرد.

در اواخر سال ۱۳۵۷، به حضرت امام خمینی (ره) در فرانسه پیوست.

فعالیت دیپلماتیک خود را از آغازین روزهای انقلاب اسلامی در ایران آغاز نمود.

در سال ۱۳۶۱، تحصیلات خود را در رشته معماری، در فلورانس ایتالیا به پایان برده و نیز دارای درجه دکتری در علوم استراتژیک با گرایش مدیریت استراتژیک از تهران می باشد.

سمت سفارت جمهوری اسلامی ایران در استرالیا، بلیس، گوآتمالا و مکزیک را در سابقه دیپلماتیک خود دارد.

به زبانهای: انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی آشنایی دارد. وی اولین دوست ایرانی شهید مهدی ادواردو آنیلی و عامل تشرف او به تشیع بود.

وی کتاب های "اسلام بدون تحریف" را به زبان اسپانیایی و کتاب "این است اسلام" را به زبانهای اسپانیایی و انگلیسی و کتاب "مسیحیت از واقعیت تا تحریف" را به زبان فارسی به رشته تحریر در آورده است.

تا کنون صدها نفر به توسط ایشان در کشورهای مختلف به اسلام گرویده اند.

صفحه	فهرست
۸	دربارهٔ مولف
۱۱	مقدمه
۱۳	فصل اول: زن در اسلام و غرب
۱۵	زن در اسلام
۱۵	عدالت در حقوق
۱۵	لازمه بقاء نسل بشر
۱۶	لذت زناشویی
۱۶	جذابیت جنسی
۱۷	زن در اسلام و غرب
۱۸	فلسفه حجاب و پوشش اسلامی
۱۸	تفاوت زیبایی با جذابیت فیزیکی
۱۹	تبعیض بین زنان
۲۱	تفاوت نقش و حقوق زن و مرد
۲۲	احساسات زنان
۲۲	قضاوت و زنان
۲۲	حق نفقه
۲۳	سن ازدواج
۲۴	حق ازدواج
۲۴	تعدد زوجات
۲۶	صورت مسئله: آمار زنان بیوه و پیر دختران در ایران
۲۷	پاداش ۱۵ هزار دلاری برای ازدواج مجدد در کویت
۲۷	ازدواج موقت
۲۷	طلاق
۳۱	شرایط طلاق و عده
۳۲	نقش زن اول در ازدواج مجدد همسر وی
۳۳	تفاوت ارث دختر و پسر
۳۴	هارمونی قوانین در اسلام
۳۵	فصل دوم: احادیث
۳۷	احادیث به نقل از پیامبر اکرم (ص)
۳۸	احادیث به نقل از حضرت امام علی (ع)
۴۰	احادیث به نقل از حضرت امام صادق (ع)
۴۱	فصل سوم: گزیده مقالات و مصاحبه های دکتر قدیری ابیانه
۴۳	ملکه دانایی یا ملکه زیبایی؟
۴۷	جاذبهٔ جنسی، ارزش یا تبعیض اجتماعی؟!
۵۳	در اسلام جذابیت فیزیکی یک ارزش زناشویی است

۵۶	بدحجابی یا جلوه فروشی!
۶۵	فصل چهارم: مقایسه وضعیت زن در اسلام با مسیحیت و فرهنگ غرب
۶۷	مقایسه اسلام، مسیحیت و یهودیت
۶۷	مقایسه مفهوم خدا
۶۹	مقایسه عیسی (ع) و مریم (س)
۷۱	مقایسه موضوع گناه ذاتی
۷۳	مقایسه: ازدواج
۷۵	مقایسه زن
۷۸	مباحثه با راهبه ارتدکس
۸۵	مصاحبه: اسلام و مسیحیت
۱۰۹	فصل پنجم: فساد در غرب
۱۱۱	فحشا در آلمان شغلی از شغل ها
۱۱۲	وضعیت تکان دهنده فساد در مدارس غرب
۱۱۴	فساد در تمدن غرب
۱۱۵	نتیجه تسلط شهوات بر امور ملتهای غربی
۱۱۵	تاریخ فحشاء
۱۱۶	کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند
۱۱۶	فرار از خانواده ها
۱۱۶	رواج گسترده افسردگی
۱۱۷	سقط جنین فرزندان حرام
۱۱۷	مشاهده تصاویر هزاران قتل
۱۱۷	۵۰۰ هزار نوجوان در کار فحشا در آمریکا
۱۱۷	نا امنی در آمریکا برای زنان
۱۱۸	حاملگی نوجوانان آمریکایی
۱۱۸	نیمی از زنان آمریکا در معرض تجاوز
۱۱۸	نا امنی تنها بیرون رفتن زنان در آمریکا
۱۱۸	تاسیس کلینیک های حاملگی در مدارس انگلیس
۱۲۰	آمار بالای تجاوز به زنان در فرانسه
۱۲۰	بازار "زن فروشی" مدرن در اسرائیل
۱۲۱	۲۰ میلیون زن آمریکایی قربانی تجاوز جنسی و خشونت در یک سال
۱۲۲	تجاوز زنان به مردان در ارتش صهیونیستی !!

مقدمه

باسمه تعالی

یکی از موضوعاتی که غریبها در تبلیغ علیه اسلام و جوامع اسلامی بویژه ایران بر آن تمرکز کرده اند، وضعیت زن و حجاب و موضوع تعدد زوجات در اسلام است. فهم فلسفه قوانین اسلامی برای آنها بسیار مشکل می نماید و این امر دلایلی چند دارد:

- ۱- با فلسفه حجاب آشنایی ندارند.
- ۲- تبلیغات گسترده دروغینی توسط رسانه های گروهی غرب در مورد وضعیت زن و حجاب در اسلام صورت می پذیرد.
- ۳- وضعیت زنان در برخی از کشورهای اسلامی را که حکام آن عمدتا نیز دست نشانده خود آنها هستند را ملاک تبلیغ قرار داده و عملکرد زشت آنها با زنان را به عنوان دیدگاه اسلام معرفی می نمایند.
- ۴- مشکلات زنان در جهان اسلام را بزرگ نمایی نموده و با روش های هنرمندانه به تصویر می کشند.
- ۵- عقب ماندگیهای جوامع اسلامی را که نتیجه اعمال نفوذ و سیاستهای خود آنها بوده و هست به اسلام نسبت می دهند.
- ۶- اجازه طرح دیدگاه های اسلامی را به مسلمان و در حقیقت اجازه شناخت اسلام را به اتباع کشور خود نمی دهند.

همه اینها از موانع گرایش به اسلام و از عواملی است که عموماً مردم غرب تصور می کنند که راه نجات زنان مسلمان از وضعیتی که آنها اسفبار توصیف می نمایند، رهایی از اسلام و کشف حجاب می باشد.

لیکن وقتی حقایق برای آنها بویژه فلسفه حجاب در اسلام و حقوق و وظایف زنان نسبت به مردان، خانواده و جامعه مطرح می شود، به واقعیت پی برده و سریعاً جذب می گردند.

نگارنده بارها پس از شرح دیدگاه های اسلام با این عکس العمل زنان غربی مواجه شده که گفته اند که: "تا بحال می گفتیم بیچاره زنان مسلمان و حال می گوئیم بیچاره ما".

در مدت اقامت‌م در خارج صدها نفر بر اثر طرح دیدگاه اسلام در امور مختلف بویژه حقوق و وضعیت زنان در اسلام به دین مبین اسلام مشرف شده اند که تعداد قابل توجهی از آنها زنان تحصیلکرده، از جمله اساتید دانشگاه، معلمان، فمینیستها و زنان فعال اجتماعی، سیاسیون، خبرنگاران، دانشجویان و دانش آموزان بوده اند.

مقاله حاضر ارزیابی دیدگاه زن در اسلام با نگاهی متفاوت از روش های جاری است که منجر به اثرگذاری در مخاطبان خارجی شده است.

این مباحث همچنین توسط نگارنده در کنفرانس های متعدد در دانشگاه ها و سایر مراکز در ایران مطرح شده و مورد استقبال شدید اساتید و دانشجویان بویژه زنان قرار گرفته است.

توجه شما را به این کتاب جلب نموده و کمال تشکر را از کسانی دارد که نظرات و نقدهای خویش را از طریق ایمیل www.ghadiri@gmail.com ارسال دارند.

ضمناً نسخه دیجیتالی این کتاب را می توان از طریق سایت شخصی نگارنده www.ghadiri.ir دانلود نمود.

محمد حسن قدیری ابیانه

مرداد ۱۳۹۰

فصل اول

زن در اسلام و غرب

زن در اسلام

خداوند زن و مرد را از يك گوهر واحد آفرید. علیرغم شباهت هاي بسيار تفاوت هايي نیز بين آنان وجود دارد.

اسلام این تفاوت ها را به رسمیت می شناسد و به همین دلیل نقش هاي متفاوتي را برای آنان مشخص ساخته است.

عدالت در حقوق

بطور مثال این زن است که ۹ ماه نوزاد را در رحم خود حمل می کند و به همین لحاظ نیز حقوق و نیازهاي متفاوتي را نسبت به مرد می طلبد.

در همین راستا اسلام از برابري حقوق زن و مرد صحبت نمی کند بلکه بر عدالت در حقوق زن و مرد تاکید می نماید. عدالت الزاماً به معني برابري نیست و در مواردی عدالت یعنی تفاوت در حقوق و حتی گاه حقوق بیشتر برای زنان.

زنان بطور عمومي از نظر جسه ظریف تر از مردان و از نظر احساسی قوی تر از آنان هستند، گرچه استثناهایی نیز وجود دارد.

این تفاوت هاي آفرینش نه تنها يك نقص نیست، بلکه لازمه زندگي مشترك و سعادت بیشتر انسان اعم از زن و مرد می باشد.

لازمه بقاء نسل بشر

روابط زناشویی بين زن و مرد لازمه بقاء نسل بشر است و این یکی از اثرات و ضروریات ازدواج بين زن و مرد است. در اسلام ازدواج بين زن و مرد امری ضروري و مثبت، مرحله ای

از رشد انسان و موجب قرب به خداوند است. لذا پیامبر اسلام (ص) از دواج را تضمینی کننده نیمی از دین دانسته و ثواب نماز فرد متاهل را ۷۰ برابر ثواب نماز فرد مجرد قرار داده است.

این در حالی است که مسیحیان ازدواج را امری مضموم و بد اما ضروری برای بقاء نسل بشر می دانند و به همین لحاظ نیز کشیشان و راهبه ها برای قرب به خداوند متعال از این امر پرهیز و از ازدواج خودداری می نمایند.

لذت زناشویی

از آنجا که خداوند متعال رحمن و رحیم است همه موجودات و از جمله انسان را به گونه ای خلق کرده است که تامین نیازهایشان توأم با لذت باشد.

غذا خوردن نیاز همه موجودات زنده است. لذا خدا در خوردن لذت قرار داده است. برای بقاء نسل بشر نیز روابط زناشویی ضروری است و لذا خداوند در آن نیز لذت قرار داده و زن و مرد را با جاذبه متقابل خلق نمود. خداوند عشق را آفرید و زن را به دلیل ضرورت و ویژگی های مادری و همسری با احساسات و عاطفه ای بیش از مرد خلق کرد.

در اسلام تلاش زن و مرد برای لذت آفرینی برای زوج خود امری مثبت و دارای ثواب قلمداد می شود، حال آنکه در فرهنگ مسیحیت رایج، لذت جویی در روابط زناشویی گناه و امری مضموم تلقی می گردد.

جذابیت جنسی

باتوجه به مراتب فوق جذاب و زیبا بودن برای مرد و زن امری مطلوب و نعمتی الهی محسوب می گردد که دارنده آن باید از بابت این نعمت، خدا را شاکر باشد. توصیه های زیادی به تقویت

این جنبه در روابط زناشویی شده است به نحوی خود آرایی زن و مرد برای یکدیگر، برای مقبول تر شدن نزد همسر خویش و تلاش برای لذت آفرینی برای زوج خود دارای ثواب تلقی می گردد.

این امر هر چند با فرهنگ مسیحیت رایج سازگار نیست، لیکن نقطه مشترك با فرهنگ رایج جوامع غربی است.

زن در اسلام و غرب

در حقیقت زیبایی و جذابیت در اسلام يك نعمت و يك ارزش محسوب می شود لیکن تفاوت دیدگاه اسلامی با دیدگاه رایج غربی در این است که در اسلام جذابیت جنسی يك ارزش صرفاً زناشویی است لیکن در غرب علاوه بر يك ارزش زناشویی يك ارزش اجتماعی و حتی تجاری نیز محسوب می گردد.

بدین معنی که هر چه زنان اندام زیباتر و جذابیت جنسی بیشتری داشته باشند دارای ارزش اجتماعی بیشتری نیز می باشد.

در حقیقت ارزش اجتماعی زن در جوامع غربی علاوه بر علم و عمل و توانایی های شغلی، به وزن، قد، رنگ پوست و جذابیت های فیزیکی وی نیز بستگی دارد.

نمایش اندام زنان برای تبلیغات کالاها و در نظر گرفتن جذابیت های فیزیکی به عنوان شرط لازم برای استخدام در برخی مشاغل در غرب يك امر عادی و پذیرفته شده می باشد.

اسلام خواستار تقویت جذابیت های فیزیکی در روابط زناشویی و حذف کامل آن از روابط اجتماعی است.

فلسفه حجاب و پوشش اسلامی

همانطور که ذکر شد اسلام خواستار تقویت جذابیت در روابط زناشویی و حذف کامل آن از روابط اجتماعی است. اما سوال این است که چگونه می توان به این هدف رسید؟

مطالعات گوناگون دانشمندان غربی در مورد چگونگی تاثیرپذیری متقابل زن و مرد از لحاظ زناشویی نشان می دهد که مردان اصولاً از لذت بصري بسیار بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. بدین معنی که با نگاه تحريك می شوند و این تاثیر پذیری بسیار بیشتر از تحريك پذیری زنان از طریق نگاه است.

چون قرار است جذابیت جنسي وارد روابط اجتماعی نشود، پوشش اندام زنان به عنوان یکی از راهکارهای ممانعت از ورود جذابیت فیزیکی به روابط اجتماعی ارائه شده است.

البته پوشش دختران خردسال و یا زنان بسیار پیرو فرتوت به همین لحاظ در اسلام اجباری نیست.

غربی ها در تبلیغات بر علیه جهان اسلام و حجاب زنان، اینگونه وانمود میکنند که زنان در منزل نیز نزد همسر خویش حجاب برتن دارند.

تفاوت زیبایی با جذابیت فیزیکی

هر زیبایی را نمی توان جذابیت جنسی دانست. نمایش زیبایی ای که وارد عرصه تحريك جنسي نشود در اسلام بلامانع است. مثلاً طرح گلدار و زیبای پارچه چادری چون وارد عرصه جذابیت فیزیکی نمی شود بلامانع است.

یا چون خداوند در خلقت بشر جذابیت جنسی را به طور طبیعی بین مرد و زن قرار داده است. حجاب مرسوم بین زن و مرد، در محافل اختصاصاً زنانه نیاز نمی باشد.

تبعیض بین زنان

در جوامع غربی که جذابیت جنسی یک ارزش اجتماعی است این عامل موجب تبعیض بین زنان و تحقیر آنان می شود.

هر چه زن زیباتر و جذاب تر باشد از احترام و موقعیت بالاتری در جوامع غربی برخوردار است و به همین لحاظ هر چه سن بالاتر می رود و از جذابیت های اندام وی کاسته می شود، ارزش و احترام اجتماعی او سیر نزولی پیدا می کند. حال آنکه در جوامع اسلامی که جذابیت فیزیکی یک ارزش اجتماعی نیست، هر چه سن زن بالاتر رود احترام او بیشتر می شود.

در حقیقت در اسلام ارزش اجتماعی زن به وزن، قد، رنگ پوست، مدل بینی و امثالهم نیست، بلکه به ایمان، علم، عمل صالح، نقش مادری و تجربه زندگی وی بستگی دارد.

به همین لحاظ نیز زنان در جوامع غربی عموماً بصورت دائم دچار استرس می باشند، حال آنکه در جوامع اسلامی، جایی که ضوابط اسلامی رعایت می گردد، زنان و به طبع آن جامعه از آرامش بیشتری برخوردارند.

در جوامع غربی بیماری ای بین زنان رایج است که قبلاً در چهل سالگی دچار آن می شدند و اینک به ۳۰ سالگی تقلیل یافته است.

چون ارزش و احترام اجتماعی زنان به طور گسترده ای به جذابیت های فیزیکی آنان بستگی دارد، لذا با از دست دادن جذابیت های فیزیکی دچار بحران روحی می شوند و احساس می کنند که ارزش اجتماعی آنان رو به کاهش است که این بحران قبلاً در حدود ۴۰ سالگی رخ میداد و امروزه همانطور که ذکر شد به حدود ۳۰ سالگی تقلیل یافته است.

در حالی که غربی ها حجاب زنان مسلمانان را نشانه تحقیر او در جامعه تلقی می کنند، مسلمانان استفاده از اندام زنان برای تبلیغ کالاها را توهین به شخصیت وی و شرط نمایش اندام برای استخدام در مشاغل را ظلم و تحقیر وی محسوب می نمایند و

ارزش اجتماعي بودن زيبايي اندام را به ضرر زنان و به زيان روابط سالم اجتماعي مي دانند.

حجاب اسلامي نيز دقيقاً جهت پرهيز از ورود جذابيت جنسي به روابط اجتماعي و رعايت آن نشانه احترام زنان به خویش و اتکاء به نفس آنان است.

در جامعه اي که علم و ايمان و عمل صالح ارزش اجتماعي باشد مسابقه بين اعضاي جامعه براي کسب احترام بيشتري در مسابقه براي علم آموزي و عمل صالح و تقويت ايمان شکل مي گيرد و در جوامعي که جذابيت فيزيکي ملاک ارزش اجتماعي باشد مسابقه بين اعضاي آن در نمايش جذابيت هاي فيزيکي رايج مي گردد.

از اين لحاظ مي توان تفاوت مسابقه بين زن در غرب و در جوامع به واقع اسلامي را اينگونه بيان کرد که در جوامع به واقع اسلامي، مسابقات ملکه دانايي و در جوامع غربي مسابقات ملکه زيبايي رايج مي باشد.

به عبارت ديگر درحالي که در جوامع غربي تصور مي کنند که آزادي زنان در جوامع اسلامي به رفع حجاب از زنان موکول است، در جوامع اسلامي مردان و زنان معتقدند که زنان در غرب اسير ضد ارزش ها و در راس آنان تلقي جذابيت جنسي به عنوان ارزش اجتماعي هستند و آزادي آنان موکول به رهايي از اين بي بند و باري ها و روي آوري به عفاف و حجاب اسلامي است که البته عفاف و حجاب اسلامي مختص جوامع اسلامي نيست و فلسفه حجاب حضرت مريم^(ص) نيز همان فلسفه حجاب اسلامي بوده است.

آنچه در تاريخ از مريم مقدس^(ص) ذکر مي شود همه از خوبي ها و ايمان و عمل صالح وي است و هرگز ذکري از بدن او نمي شود، زيرا وي با حفظ حجاب خویش به کسي اجازه نمي داد که از اين جنبه به وي بنگرند.

تفاوت نقش و حقوق زن و مرد

همانطور که ذکر شد زن و مرد در عین شباهت و خلق شدن از يك گوهر در مواردی متفاوت و در عمل مکمل یکدیگر خلق شده اند.

این تفاوت ها و ضرورت ایفای نقش متفاوت و مکمل یکدیگر موجب شده تا در مواردی، تکالیف و حقوق متفاوتی از یکدیگر داشته باشند.

مثلاً زن به دلیل باردار شدن به حقوق ویژه ای نیاز دارد. در این ارتباط برابری حقوق زن و مرد به زیان او و در حقیقت نادیده گرفتن این ویژگی انحصاری است.

در اسلام، در صورت ضرورت جنگ، این وظیفه بر دوش مردان است و زنان از آن معاف می باشند و به همین لحاظ نیز در کشورهای اسلامی دوره سربازی برای مردان اجباری است. در این زمینه برابری حقوق یعنی برقراری دوره سربازی اجباری برای زنان که به نفع آنان نیست.

معاف بودن زنان از شرکت اجباری در جنگ ها از يك طرف که موجب انحصاراً مرد بودن برای برخی از مشاغل حکومتی مثل رهبریت و ریاست جمهوری و وزیر دفاع که به نوعی وظایف دفاعی را بر عهده دارند شده و از سوی دیگر موجب پیش رفتنی تعداد زنان در ورود به دانشگاههای ایران شده است، زیرا مردان در صورت عدم قبولی در کنکور باید دوره سربازی را طی کرده و این امر وقفه ای در تحصیل آنان ایجاد می نماید، حال آنکه زنان به دلیل اجباری نبودن دوره سربازی برای آنان وقفه ای در علم آموزی ایجاد نشده و لذا در امتحان کنکور موفقیت های بیشتری بدست آورده و عمده ظرفیت های دانشگاه های کشور را به خویش اختصاص داده اند.

احساسات زنان

خداوند در خلقت زن، درصد احساسات و عاطفه بیشتری را بکار برد. این احساسات و عاطفه لازم مادری و همسری است و جزء لاینفکی از ماهیت زنان و جزء امتیازات و ویژگی های آنان است. برخی از مشاغل، هر چند زنان به انجام آن مسلط باشند، با این ویژگی ممتاز زنان تطابق ندارد. به طور مثال ذبح حیوانات هر چند زنان به آن مسلط باشند با روحیه احساسی آنان تطابق ندارد. به همین لحاظ در این گونه امور معمولاً مردان مشغول به کار میباشند. معمولاً روحیه زنانی که به ناچار به ذبح حیوانات مشغول می شوند آسیب می بیند.

قضاوت و زنان

احساسات نباید در قضاوت وارد شود. به همین لحاظ نیز قضاوت مرد نباید بستگان و نزدیکان خود را مورد قضاوت قرار دهند، زیرا وجود احساس نسبت به بستگان می تواند مانع قضاوت صحیح شود و یا در صورتی که حتی به درستی مجازات سخت اما عادلانه ای برای مجرم تعیین نمایند، ذهن آنان همواره مشغول این امر خواهد بود. چون وجود زنان آغشته به احساسات و مملو از آن است، قضاوت، بویژه در مواردی که مجازات های سختی را در پی دارد، از دوش زنان برداشته شده است و این امر، هم به نفع قضاوت صحیح به دور از دخالت احساسات است و هم به نفع زنان که با فرض قضاوت صحیح، احساسات خود آنان آسیب می بیند و صدور احکام سخت هرچند صحیح و عادلانه همواره احساسات آنان را آزار خواهد داد.

حق نفقه

در اسلام مخارج همسر و فرزندان برعهده مرد است و زن هر درآمدی کسب کند متعلق به خود اوست و وظیفه ای برای صرف آن در زندگی مشترک با همسرش ندارد. برابری حقوق به معنی برداشتن بار مسئولیت

مخارج همسر و فرزندان از دوش مردان است و این با منافع و حقوق زنان منطبق نیست.

البته زن می تواند داوطلبانه درآمد خود را صرف خانواده و فرزندان نماید ولی اجباری در آن وجود ندارد.

سن ازدواج

ازدواج یک امر مثبت و مطلوب هم برای زن و هم برای مرد است، لذا در اسلام حداقل سن مجاز برای ازدواج عملاً سن بلوغ برای زن و مرد است.

سن بلوغ جنسی نیز به عوامل متعددی مثل نژاد، محیط جغرافیایی و آب و هوا بستگی دارد.

در برخی نقاط دختران در ۱۲ سالگی و حتی کمتر از آن نیز بالغ می گردند. لیکن بلوغ جنسی یکی از شرایط و معیارهای ازدواج است. لذا اذن پدر، علاوه بر موافقت دختر، در ازدواج اول ضروری است، تا تصمیمی نپخته و مبتنی بر احساسات صرف اتخاذ نگردد. برخی از علمای دین رشیده بودن و از نظر عقلی بلوغ کافی داشتن را برای تصمیم دختران برای ازدواج کافی می دانند.

در صورتیکه دختر باکره مایل به ازدواج بوده و پدرش مخالف آن باشد، دختر می تواند به قاضی مراجعه و با اجازه او ازدواج کند.

در ازدواج های بعدی دختر که معمولاً بعد از طلاق یا فوت همسر اتفاق می افتد، دیگر نیاز به اذن کسی ندارد و تصمیم خود او کفایت می کند، زیرا از تجربه کافی برای تصمیم گیری برخوردار است.

در جوامع غربی حداقل سن ازدواج را ۱۸ سال تعیین کرده اند. حال آنکه تقریباً همیشه بلوغ دختران زودتر از ۱۸ سالگی رخ می دهد.

نادیده گرفتن این واقعیت موجب شده است روابط زناشویی در سنین کمتر واقع شده و در موارد متعددی به حاملگی منجر گردد و از طرف

دیگر مدارس دانش آموزان مختلط و لباس مدرسه دختران کوتاه بوده و در سطح جامعه و رسانه های گروهی تحریکات جنسی زیادی وجود دارد.

در نتیجه برای جلوگیری از بارداری دختران به توزیع وسایل جلوگیری از بارداری روی آورده و در کشوری مثل انگلستان این امر هم کفایت نکرده و دولت مجبور شده است در مدارس کلینیک بارداری را راه اندازی نماید.

حق ازدواج

مطابق با اسلام، ازدواج امری مثبت، نیاز بیولوژیک بدن، مرحله ای از رشد فردی، آرامش بخش، لازمه بقاء نسل بشر و عامل قرب به خدا محسوب می شود. لذا ازدواج علاوه بر یک نیاز و ضرورت، یک حق و بخشی از حقوق بشر محسوب می گردد.

تعدد زوجات

معمولا زنان زودتر از مردان به سن بلوغ می رسند و دیرتر هم می میرند.

در شرایط جنگی نیز این بیشتر مردان هستند که جان خویش را از دست می دهند و در مهاجرت، این بیشتر مردان هستند که ترک وطن کرده و به مهاجرت روی می آورند.

لذا این یک امر طبیعی است که در بسیاری از نقاط جهان و در بسیاری از مقاطع زمانی و شرایط، تعداد زنان در سن بلوغ از مردان در سن بلوغ بیشتر باشد.

در برخی از جوامع مثل مکزیک این تفاوت به حدود هفت میلیون می رسد.

اگر قرار باشد هر مرد فقط بتواند با یک زن ازدواج نماید، تعداد زیادی از زنان عملاً از امکان ازدواج باز می‌مانند.

در جوامع غربی قانون تعدد زوجات وجود ندارد و آنها عملاً صورت مسئله را نادیده می‌گیرند، حال آنکه اسلام راه حل‌هایی برای شرایط گوناگون ارائه داده است و صورت مسئله را نادیده نگرفته است.

تعدد زوجات که در اسلام مختص مردان است، راه حلی برای شرایطی است که مثلاً تعداد زنان در سن ازدواج از تعداد مردان در سن ازدواج بیشتر باشد.

درحقیقت تعدد زوجات راه حلی است برای اینکه زنان امکان ازدواج داشته باشند و بویژه بتوانند از نعمت مادر شدن بهره‌مند گردند.

به عبارت دیگر تعدد زوجات برای مرد را می‌توان جزو حقوق و آزادی‌های زن محسوب نمود، زیرا در نهایت این زن است که تصمیم می‌گیرد تا مرد متاهلی ازدواج نماید یا نه.

او می‌تواند تصمیم بگیرد که مجرد بماند یا با مردی مجرد ازدواج کند و یا به همسری مردی متاهل درآید. معمولاً زنان ترجیح می‌دهند که با مردی مجرد ازدواج کنند. لیکن در شرایطی از جمله در صورت افزایش تعداد زنان نسبت به مردان و عدم امکان ازدواج با مرد مجرد، این زن است که در صورتی که ازدواج با مرد متاهل را از جنبه‌های گوناگون به مصلحت خویش بداند، طبق اسلام این حق و آزادی را دارد که در صورت تمایل، با مرد متاهل ازدواج کند.

عده‌ای ازدواج مجدد مرد را به دلیل هوسرانی او قلمداد می‌کنند، لیکن ازدواج زنان با مردان متاهل را به دلیل نیازشان عنوان می‌دارند. اگر هوس را دلیل ازدواج مجدد مرد بدانند (که همیشه اینگونه نیست)، اگر زن ازدواج با مرد متاهل را به صلاح خویش بداند، چرا باید او را از حق چنین تصمیمی محروم کرد؟

تعدد زوجات درحقیقت راه حلی است برای اینکه همه و بویژه زنان بتوانند ازدواج کرده و از جمله به مقام مادری نایل آیند.

زنان در جوامع غربی از چنین حقوق و آزادی ای محروم هستند، لیکن عملاً می توانند معشوقه مردان متاهل باشند بدون اینکه خود و فرزندان‌شان از حقوقی بهره مند باشند. زنان حتی می توانند به خود فروشی پرداخته و هر ساعت با مردی اعم از متاهل یا مجرد باشند و این اقدام آنان اقدامی مشروع و قانونی محسوب می شود، به شرطی که بهداشت را رعایت کرده و بخشی از درآمد خود فروشی را به عنوان مالیات به دولت بپردازند. در این صورت می توانند حتی به مقامات عالی دولتی و حکومتی نایل آیند و اصولاً دیگر نام خودفروشی و فحشاء را بر آن نمی نهند، بلکه از آن به عنوان "خدمات رسانان جنسی" به عنوان بخشی از تولیدخدمات نام می برند.

نگاه اسلام به تعدد زوجات نگاهی مردانه و یا زنانه نیست، بلکه لحاظ کردن صورت مسئله و ارائه راه حلی مبتنی بر نیازها و حقوق زن و مرد و جامعه می باشد.

چون زنان اجباری به ازدواج ندارند و ازدواج با مرد مجرد را ترجیح می دهند چنانچه آن تعداد اضافی زنان (به نسبت مردان جامعه) با مردان متاهل ازدواج کنند، عملاً جامعه ازدواج نکرده ها (از نظر تعداد مرد و زن) به تعادل رسیده و امکان ازدواج با مرد مجرد برای زنان فراهم شده و حتی در صورت وجود خواستگار متاهل، به دلیل وجود خواستگار مجرد، عملاً تعدد زوجات به وقوع نخواهد پیوست.

لذا تعدد زوجات تعدیل کننده روابط زناشویی در جامعه می باشد.

از آنجا که پدر فرزند از نقش و اهمیت بالایی برخوردار است و این از حقوق مرد، زن و فرزند است که پدر فرزند مشخص باشد و پدر و فرزند نسبت به هم حقوق و تکالیفی دارند، این استدلال به عنوان یکی از دلایل منطقی برای انحصار تعدد زوجات در مردان می باشد.

صورت مسئله: آمار زنان بیوه و پیر دختران در ایران

تعداد دخترانی که از سن ازدواج شان گذشته، چهار و نیم میلیون نفر و آمار زنان بیوه به یک و نیم میلیون نفر رسیده است.

به گزارش ایسنا، آمارها نشان می‌دهند که در کشور ما فاصله بین سن بلوغ تا ازدواج نسبت به گذشته در دختران ۱۵ سال و در پسران حدود ۲۰ سال به تاخیر افتاده است. همچنین تعداد دخترانی که از سن ازدواج شان گذشته، چهار و نیم میلیون نفر و آمار زنان بیوه به یک و نیم میلیون نفر رسیده است.

بنا بر برخی آمارها بیش از یک میلیون پسر دختر اصلا ازدواج نکرده در ایران زندگی می‌کنند که از مرز ۳۵ سالگی گذشته‌اند.

بررسی آمارهای مرکز آمار ایران حاکی از این است که میزان دختران هرگز ازدواج نکرده دارای تحصیلات متوسطه از ۲۶ درصد در سال ۷۵ به ۴۲ درصد در سال ۸۵ رسیده است. وی تصریح کرد: نگاهی به این آمار نشان می‌دهد که بالا رفتن سطح تحصیلات باعث تجرد در زنان کشور شده است و موجب شده تا دختران کمتر به ازدواج تن دهند.

رئیس مجتمع قضائی شماره دو خانواده دی ماه سال ۸۸ در همایشی که در مرکز همایشهای مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد آمار زنان مطلقه را ۶ میلیون نفر اعلام کرد.

طبق آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران از سرشماری سال ۸۵، تعداد زنان بدون همسر در اثر فوت ۶ برابر تعداد مردان بدون همسر در اثر فوت است.

در همین حال پایگاه خبری وابسته به سازمان ملی جوانان مساله ازدواج دختران ۲۵ سال به بالا را یکی از نقاط بحرانی در امر ازدواج عنوان کرده و به نقل از یک کارشناس تصریح کرده بود تعداد دختران مجرد ۲۵ سال به بالا دو برابر پسران مجرد است.

این کارشناس در این باره تصریح کرد: آمار می‌گوید تعداد دختران ازدواج نکرده ۲ برابر پسران است که در عمل با یک مسئله ۳ برابر مواجه خواهیم شد. به عبارتی پسرانی که از سن ۳۱ سال عبور می‌کنند رغبت به ازدواج در آنها کم می‌شود و از سویی عده زیادی هم تمایل به ازدواج با سنین پایین را دارند.

این در حالی است که معاون آمار و اطلاعات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان چندی پیش گفت: اگر سن ازدواج برای دختران را ۱۵ تا ۲۹ سال و برای پسران ۲۰ تا ۳۴ سال در نظر بگیریم، تعداد دختران مجرد ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر و تعداد پسران مجرد ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر خواهد بود، به این ترتیب تعداد دختران مجرد یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از پسران مجرد بیشتر خواهد بود.

پاداش ۱۵ هزار دلاری برای ازدواج مجدد در کویت

آمار موجود در کویت حاکی از آن است که بیش از ۳۰ هزار پیردختر و زن بیوه بالای ۴۰ سال در سراسر کویت وجود دارد و این مسأله به بحرانی واقعی در این کشور تبدیل شده است.

به گزارش پانا در خرداد ۱۳۹۰، "فیصل الدویسان" نماینده پارلمان کویت طی اظهاراتی گفت: ما قصد داریم لایحه ای را به مجلس ارائه دهیم که به موجب آن هر مردی که ازدواج مجدد داشته باشد، ۱۵ هزار دلار از دولت کویت پاداش دریافت کند.

وی در ادامه افزود: هدف از این کار کاهش تعداد دختران مجرد و مبارزه با پیردختری و نیز ساماندهی زنان بیوه است. البته شرط این مسأله این است که همسر دوم بالای ۴۰ سال و بیوه یا پیردختر بوده باشد.

ازدواج موقت

از آنجا که اسلام روابط زناشویی را یک نیاز بیولوژیک و حتی نیاز روحی بشر می داند و از آنجا که همیشه ازدواج دائم برای مرد و زن ممکن نمی باشد، در اسلام (با نگاه شیعی آن که اسلام اصیل است) ازدواج موقت پیش بینی شده است. در این نوع ازدواج، به دلیل اینکه خانواده تشکیل نشده است، حقوق و تکالیف زن و مرد متفاوت از ازدواج معمولی است و البته بهتر است در ازدواج موقت بچه ای بدنیا نیاید. لیکن چنانچه فرزندی بدنیا آمد، آن فرزند مشروع بوده و از همه حقوق، مشابه با حقوق فرزندان ازدواج دائم برخوردار می باشد و پدر بار تمام

مسئولیت مخارج و اداره فرزندان را به عهده دارد. ازواج موقت نیز به عنوان دارویی برای شرایط خاص بوده و جامعه را در شرایط خاص از برخی انحرافات مصون می‌دارد.

در غرب عملاً ازدواج‌هایی رایج شده است که از آن به عنوان "اتحاد آزاد" نام می‌برند. در این نوع ازدواجها، مرد و زن تصمیم می‌گیرند بدون ثبت قانونی و بدون هیچگونه حق متقابلی با یکدیگر زندگی مشترکی را آغاز کنند و هر زمانی که یکی از آن دو اراده کند، بدون هیچ عواقب و مسئولیتی از یکدیگر جدا شوند. این نوع ازدواج (اتحاد آزاد) در برخی کشورها عملاً اکثریت ازدواجها را شکل داده است و عواقب سنگینی به دنبال دارد و زنان و فرزندان بیشتر از مردان قربانی این نوع ازدواج می‌شوند.

معمولاً این نوع ازدواج‌ها چند سالی طول می‌کشد و فرزندان به دنیا می‌آیند. با تولد فرزندان، زنان، زیبایی اندام خویش را نسبتاً از دست می‌دهند و در جوامعی که تعداد زنان بسیار بیشتر از مردان است، این امکان برای مردان وجود دارد که زنی را که با او هستند رها کرده و با زن جوانتری زندگی مشترکی را آغاز نمایند. چون زنان از عاطفه (مادری) قوی برخوردارند، عملاً بار مسئولیت فرزندان را بر عهده می‌گیرند و این معضل بزرگی را به نام (مادران مجرد) در جوامع غربی ایجاد کرده است.

از طرف دیگر چون زنان برای ازدواج به صورت "اتحاد آزاد" با شخص دیگر عده نگه نمی‌دارند، لذا در موارد بسیاری معلوم نمی‌شود که پدر فرزند این زن چه کسی است و در نتیجه تعداد افرادی که پدر خود را نمی‌شناسند در جوامع غربی بسیار زیاد بوده و معمولاً اینگونه فرزندان دچار مشکلات عاطفی و روانی شده به اعتیاد و کارهای خلاف روی می‌آورند. گفته شده در آلمان یک سوم جمعیت پدر خود را نمی‌شناسند.

ازواج موقت در اسلام، ضمن اینکه میتواند پاسخگوی نیازی واقعی باشد، جلوی بسیاری از معضلات را گرفته و حقوق متقابل زوجین نسبت به هم و نسبت به فرزندان را دقیقاً مشخص ساخته است.

طلاق

طلاق مذموم ترین مجاز در اسلام است.

طلاق امر پسندیده ای نیست، لیکن یک حق محسوب می گردد و اگر زن و مرد نتوانند به زندگی مشترک ادامه دهند، اسلام امکان جدایی قانونی و ازدواج مجدد و تشکیل خانواده جدید را فراهم ساخته است.

کلیسا معتقد است ازدواج در آسمانها بسته شده است و لذا طلاق وجود ندارد و فقط شخص پاپ می تواند ازدواج را ملغی نماید که این امر هم بسیار به ندرت انجام می پذیرد. نتیجه ممنوعیت مطلق طلاق در جوامع مسیحی، رواج خیانت همسران به یکدیگر شده بود. زیرا زوجین حتی در صورت تنفر از یکدیگر امکان جدایی نداشته اند و به کرات در جوامع غربی مشاهده می شد که یک زوج در حالی که سالها از هم جدا زندگی می کردند و با فرد دیگری زندگی مشترکی برپا کرده و حتی از یکدیگر فرزند داشتند، لیکن هنوز دو نفر اولیه همسر قانونی محسوب می گردیدند.

این روال معضلات زیادی را بوجود آورد به نحوی که در کشورهای غربی به ناچار قانون طلاق به عنوان یک حق مدنی به تصویب رسید و به دنبال آن ازدواج مدنی نیز رایج شد. زیرا کلیسا طلاق را به رسمیت نشناخته و لذا ازدواج زن و مرد طلاق گرفته را طبق قوانین کلیسا مشروع نداشته و امکان ازدواج مجدد آنها را میسر نمی داند.

در مسیحیت نه طلاق و نه تعدد زوجات وجود ندارد و این امر موجبات بروز مشکلات عدیده شده است.

اما مطابق با اعتقادات کلیسا، ازدواج مجدد فردی که همسرش فوت کرده است مجاز می باشد. همین امر نیز موجب شده بود عده ای برای رهایی از زندگی مشترک با همسر نامطلوب خویش و امکان ازدواج با فرد دیگر، عملاً دست به قتل همسر خویش بزنند.

مطابق با دیدگاه اسلام هرچند ازدواج یک امر مطلوب خداوند است و به آن توصیه شده است، لیکن تصمیم به آن بر عهده زوجین و در مورد ازدواج اول دختر با کسب موافقت پدر دختر (علاوه بر خود دختر) می

باشد و هر چند طلاق نزد خداوند مزموم است لیکن تصمیم به جدایی بر عهده خود زوجین است.

با وجود تصویب قانون طلاق مدنی در جوامع غربی، لیکن تحقق آن مدت زیادی طول می کشد. یعنی در اسلام در صورت وجود شرایط طلاق و تصمیم زوجین به انجام آن، تحقق طلاق با حضور دو شاهد به فوریت قابل اجرا است.

و از نظر قوانین مدنی کافی است زوجین با حضور دو شاهد به دفاتر ثبت طلاق مراجعه نمایند. اخیراً با هدف دفاع از حقوق زنان و یاد آوری حقوق متقابل و آگاهی از عوارض طلاق و تلاش برای جلوگیری از طلاق در ازدواجهای قابل ترمیم، کسب موافقت قضایی نیز در قوانین لحاظ شده است که در صورت توافق و اصرار طرفین به طلاق و آگاهی از حقوق متقابل و عوارض آن، مجوز طلاق به راحتی صادر می گردد.

شرایط طلاق و عده

از شرایطی که در قوانین اسلام لحاظ گردیده است، این است که زنان در هنگام طلاق نباید در حالت عادت ماهانه باشند.

این امر اثبات شده است که زنان در این ایام عصبی تر بوده و لذا ممکن است تصمیم آنان به طلاق تحت تاثیر شرایط جسمانی باشد. لذا این محدودیت، به نفع زنان است و از آنجا که طبق موازین اسلام مهم است که معلوم شود پدر فرزند کیست و این آگاهی حق فرزند، پدر، مادر و جامعه است و حقوقی بر آن مترتب است، مثل حق ارث فرزند از والدین و وظایف پدر نسبت به فرزند، چنانچه زن یائسه نباشد، باید قبل از ازدواج با فرد دیگری عده نگاه دارد.

این عده برای طلاق در ازدواج دائم ۳/۵ ماه و برای جدایی یا پایان زمان ازدواج موقت ۱/۵ ماه (زمان آغاز دومین عادت ماهانه) می باشد.

این مدت برای آگاهی برای باردار نبودن کفایت میکند.

در ازدواج دائم مدت عده ۳/۵ ماه است تا علاوه بر اطلاع از باردار نبودن زن، فرصتی برای بازسازی خانواده ایجاد گردد.

اگر زن طی ۹ ماه از جدایی ازدواج نکند و طرفین به بازگشت به زندگی مشترک رضایت دهند، نیازی به ازدواج مجدد نیست و به طور خودکار طلاق ملغی می شود.

لیکن برای اینکه طلاق به یک امر تکراری و روزمره در زندگی زوجین تبدیل نشود، پس از طلاق سوم، حق ازدواج مجدد ندارند، مگر اینکه زن با مرد دیگری ازدواج کرده و پس از روابط کامل زناشویی از وی طلاق گرفته و پس از رعایت عده می تواند مجدد به ازدواج همسر قبلی درآید.

چنانچه زن باردار باشد، عده وی پس از وضع حمل خواهد بود (و در هر صورت، کمتر از عده مطروحه در ازدواج دائم یا موقت نخواهد بود).

نقش زن اول در ازدواج مجدد همسر وی

از آنجا که هدف اسلام از اجازه تعدد زوجات مرد حل معضلات از جمله ایجاد امکان ازدواج برای همه زنان است، در شرع مقدس اسلام، موافقت همسر اول شرط نیست، مگر اینکه جزو شروط هنگام ازدواج قید گردیده باشد. در اینجا ذکر این نکته ضروریست که زن اول در اسلام حق بیشتری از زن اول در جوامع غیر اسلامی دارد.

در جوامع غیر اسلامی تعدد زوجات مجاز نیست، لیکن طلاق ممکن است. در نتیجه تنها گزینه ای که برای همسر اول باقی میماند (در صورتی که شوهرش بخواهد با زن دیگری ازدواج کند) این است که یا طلاق بگیرد یا طلاق داده شود و حتی در صورت تمایل به همسر اول ماندن و تحمل همسر دیگری برای شوهرش، از چنین حقی برخوردار نمی باشد.

در حالی که همسر اول در اسلام هم حق تقاضای طلاق دارد و هم در صورت صلاحدید و تشخیص خود می تواند خواستار تداوم ازدواج خویش علیرغم ازدواج همسرش با دیگری باشد.

در حقیقت در اسلام، همسر اول از حق انتخاب بیشتری به نسبت زنان جوامع غیر اسلامی و بویژه زنان غربی برخوردار است.

قوانین اسلامی در مورد مردان نیز از انعطاف بیشتری به نسبت غرب برخوردار است.

اگر مردی بخواهد بدون طلاق همسر اولش همسر دیگری را اختیار کند، قانون اسلامی این اجازه را به او میدهد، در حالی که در غرب حتما باید همسر اولش را طلاق دهد تا بتواند با زن دیگری ازدواج کند.

مردانی هستند که به دلیل بیماری همسرشان امکان ارتباط زناشویی با وی را ندارند و هرچند به وی علاقه دارند و مایل به طلاق وی نیستند، لیکن نیاز آنها به روابط زناشویی موجب می شود که راهی جز طلاق همسر اول خوش نداشته باشد و این به شدت به ضرر همسران بیمار می باشد.

تفاوت ارث دختر و پسر

در اسلام پسر دو برابر دختر ارث می برد. این امر در ارتباط با مسئولیت های بیشتری است که بر دوش مردان است. از آنجا که مرد مسئولیت مخارج خانواده را برعهده دارد، بیش از زن نیاز به امکانات مادی دارد. در ادارات نیز حقوق مدیران بیش از کارمندان است و این ناشی از مسئولیتی است که برعهده دارند. بخشی از امکانات برعهده مدیر، حقوق شخصی وی نیست، بلکه برای تامین مخارج حوزه مسئولیت خویش میباشد.

این منطق یکی از دلایل دو برابر بودن ارث مرد نسبت به زن است.

قائل شدن این امکان برای مرد، شرایط را برای تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت همسر و فرزندان فراهمتر می کند. زنان نیز گرچه نصف

مردان ارث می برند، لیکن چون این قانون همگانی است، لذا مردی که به خواستگاری وی می آید نیز از این مزیت برخوردار بوده و امتیاز آن نصیب زن و فرزندان وی می شود. در حقیقت نحوه تقسیم ارث در اسلام به نفع تشکیل خانواده در جامعه اسلامی می باشد که هسته اصلی جامعه بوده و مرد و زن هر یک به نوعی از آن سود می برند. ضمن اینکه شکل گیری هسته خانواده به سلامت اجتماع نیز کمک می کند.

هارمونی قوانین در اسلام

بامشاهده مجموعه قوانین در اسلام، وجود یک هارمونی زیبا، متوازن و سازنده به خوبی احساس می شود. هارمونی که در طبیعت نیز به خوبی محسوس است.

خداوندی که انسان را آفرید به مخلوقات و ویژگی های آن کاملاً واقف و قوانینی که وضع نموده با هدف تعالی بخشیدن به انسان اعم از زن و مرد است.

در کنار هر محصول با ارزشی، دفتر راهنمای چگونگی بکار گیری و استفاده از آن وجود دارد که بهترین راهنمای عمل است.

قرآن نیز کتاب راهنمایی است که خداوند خالق انسان نازل فرموده است و عمل به آن به نفع بشر و تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی ابناء بشر می باشد.

فصل دوم

احادیث

احادیث

ذیلا به برخی احادیث اشاره می گردد.

احادیث به نقل از پیامبر اکرم (ص):

رسول خدا (ص) از حضرت جبرئیل (ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی که جوان بود و دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشانند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند.

- أبو هریره روایت میکند که رسول الله فرمودند: ((صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سیاط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاریات ممیلات مائلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا یدخلن الجنة ولا یجدن ریحها، وإن ریحها لیوجد من مسیره کذا وكذا))

دو صنف از اهل آتش اند که آنها را ندیده ام، مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو، با آن به مردم میزنند، و زنانی هستند برهنه و عریان که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه بر تن میکنند، و از طاعت و فرمان خدا منحرف اند، و زنان دیگر را بطرف خود کشانده فاسد میکنند، و (موی) سرشان مانند سنام و کوهان شتر است که به اینطرف و آنطرف میرود، اینها به بهشت داخل نمیشوند، و بوی بهشت هم به مشامشان نمیرسد، در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین و چنان به مشام میرسد.

- در حدیث قدسی آمده است: به بندگانم بگوئید به لباس دشمنانم در نیابند و خود را شبیه دشمنان من نکنند که در این صورت آنها هم دشمنان من خواهند بود.

- «بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بیوشاند.
- هر مردی زحمت بکشد و بر عیالش انفاق کند خداوند متعال به عوض هر درهم، هفتصد برابر به او مرحمت فرماید. (مکارم اخلاق طبرسی به نقل از رساله امام سجاد علیه السلام، شرح نراقی)
- هر مردی که به صورت همسرش سیلی بزند. خدا به فرشته مامور دوزخ (مالک) دستور می دهد که در دوزخ هفتاد سیلی بر صورتش بزند و هر مردی که دستش را بر موهای زن مسلمانی بگذارد (برای اذیت موی سرش را بگیرد) در دوزخ دستش با میخ های آتشین کوبیده می شود. (مستدرک جلد ۲ ص ۵۵۰)
- این سخن مرد که به همسرش می گوید: واقعا ترا دوست دارم، هرگز از قلبش خارج نخواهد شد. (شافی جلد ۲ ص ۱۳۸)
- هر چه ایمان انسان کامل تر باشد به همسرش بیشتر اظهار محبت می نماید. (بحار جلد ۱۰۳ ص ۲۲۸)

احادیث به نقل امام علی (ع)

- صیانه المرأة أنعم لجالها و أدوم لجمالها» ؛ (غررالحکم، فصل ۴۴، حرف صاد، حدیث ۱۰)
- «پوشیدگی زن (باتوجه به موقعیت روحی و جسمی اش) برای او بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد.»
- آنها (زنان) نزد شما امانت های خدا هستند، آزارشان نرسانید و بر آنها سخت نگیرید. (مستدرک جلد ۲ ص ۵۵۱)
- حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما در منزل وارد شد.
- فاطمه علیها السلام نزدیک دیگ غذا نشسته بود و من هم برایش عدس تمیز می کردم. آن حضرت مرا با لقب ابالحسن می خواندند، عرض کردم: بفرمایید. اظهار داشتند

بشنو از من آنچه را که به دستور پروردگارم می گویم ! هیچ مردی نیست که در کارهای منزل به همسرش کمک کند، مگر اینکه پاداش او به هر تار مویی که بر بدنش روییده باشد، ثواب یک سال عبادتی است که تمام روزهایش را روزه گرفته و تمام شب هایش را به عبادت ایستاده، شب زنده داری کرده باشد و خداوند به او ثوابی می بخشد که به انبیای صابر خود مثل حضرت داوود و یعقوب و عیسی علیهم السلام بخشیده باشد.

ای علی! کسی که در کارهای خانه به همسر خود بدون سرکشی و دلتنگی و تکبر خدمت نماید، پروردگار اسمش را در دفتر شهدا ثبت می کند و برایش به هر روز و شبی ثواب هزار شهید و به هر قدمی که بر می دارد به آن مرد ثواب حج و عمره می دهد و به هر قطره ای که از بدنش عرق بیاید یک خانه در بهشت برایش منظور می نماید.

ای علی! یک ساعت خدمت کردن به همسر در کارهای خانه بهتر از عبادت هزار سال و هزار حج و هزار عمره و بهتر از آزادی هزار بنده در راه خدا و هزار جنگ در راه دین و عیادت از هزار مریض و هزار نماز جمعه و هزار تشییع جنازه و هزار گرسنه ای که برای رضای خداوند رحمان سیر گردد و هزار برهنه را پوشاند و هزار اسب در راه پروردگار دادن و برایش بهتر از هزار دینار به مستمندان صدقه دادن و بهتر از تلاوت تورات و انجیل و زبور و قرآن است و بهتر از آزاد کردن هزار اسیر و بخشیدن هزار شتر به فقراست و چنین مرد خدمتکار به همسر، از دنیا بیرون نمی رود مگر این که جایگاه خوب خود را در بهشت ببیند .

ای علی! کسی که روگردانی و تکبر نکند در خدمت به همسرش، بدون حساب وارد بهشت می شود

ای علی! خدمت به همسر کفاره (پاک کننده) گناهان کبیره است و خاموش کننده آتش خشم پروردگار جبار و صدق از دواج با حورالعین و این خدمت موجب زیادی خوبی ها و علو مقام است.

ای علی! خدمتکار همسر نمی شود مگر شخص صدیق و درستکار و یا شهید و یا مردی که خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را برایش خواسته باشد. (بحار ج ۱۳ ص ۱۳۳ چاپ ایران و جامع الاخبار ص ۱۰۲)

- بهترین لباس ؛ لباسی است که تو را از خدا به خود مشغول نسازد.

احادیث به نقل از حضرت امام صادق (ع):

- یکی از اخلاق پیغمبران اینست که نسبت به همسرانشان محبت دارند. (بحار جلد ۱۰۳ ص ۲۳۶)
- هر کس از دوستان ما باشد به همسرش بیشتر اظهار محبت می کند. (بحار جلد ۱۰۳ ص ۲۲۳)
- حجاب زن برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر می باشد. (المستدرک، ج ۵)
- حضرت صادق علیه السلام از پدرش نقل کرده که فرمود:
هر کس زن گرفت، باید او را گرمی و محترم بشمارد. (بحار جلد ۱۰۳ ص ۲۲۴)

فصل سوم

گزیده مقالات و مصاحبه های

دکتر قدیری ابیانه

ملکه دانایی یا ملکه زیبایی؟

آنچه در پی می‌آید متن سخنرانی «دکتر محمد حسن قدیری ایبانه» سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک در اولین کنگره بین المللی آموزش راهنمایی و متوسطه در شهر مکزیکوسیتی است.

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

خانم‌ها و آقایان!

خیلی متشکرم که در این اجلاس فرصتی را در اختیار اینجانب قرار دادید تا پیرامون موضوعی که نام آن را “ملکه دانایی یا ملکه زیبایی” قرار داده ام با شما صحبت کنم.

حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام فرموده اند که یک ساعت تفکر از ۷۰ سال عبادت بالاتر است. گرچه شما همگی اهل فکر کردن هستید و به این منظور در اینجا گرد هم آمده اید، لیکن امیدوارم صحبت های اینجانب شما را به تفکر بیشتر و لااقل شناخت بیشتر در مورد اعتقادات ما ترغیب کند.

حضرت امام خمینی (ره) شغل معلمی را شغل پیامبران نامیده اند و اسلام، تحصیل و تدریس علم را اگر با هدف صحیح انجام گیرد عبادت خدا می داند.

قبل از ورود به بحث اصلی که پیرامون موضوع آموزش است لازم می دانم دیدگاه اسلام را در مورد زن و روابط زناشویی بیان کنم. کاتولیک ها روابط جنسی را یک امر بدی می دانند که برای بقای نسل بشر ضروری است و به همین دلیل هم کشیشها و راهبه ها برای نزدیکی بیشتر با خدا از ازدواج پرهیز می کنند. در فرهنگ رایج غربی این روابط را امری خوب تلقی کرده، جذابیت جنسی نه تنها یک ارزش زناشویی، بلکه به یک ارزش اجتماعی و حتی تجاری تبدیل شده است. اسلام حد میانه ای بین این دو تلقی را می پذیرد.

در اسلام روابط زناشویی یک امر خوب ضروری تلقی می گردد به نحوی که پیامبر گرامی اسلام (ص) ازدواج را نیمی از ایمان دانسته و افراد مذهبی معمولاً زودتر از دیگران ازدواج می کنند.

بنابراین زیبا بودن و از نظر جنسی جذاب بودن یک نعمت الهی و یک ارزش محسوب می گردد. لیکن در اسلام یک ارزش زناشویی است و نباید به ارزش اجتماعی و یا تجاری و تبلیغاتی تبدیل گردد.

به همین لحاظ نیز زنان و مردان مسلمان چنانچه خود را برای همسر خود در خلوت بیاریند و جذاب تر کنند ثواب می برند، لیکن جذابیت جنسی نباید وارد روابط اجتماعی شود. در اسلام ارزش اجتماعی زن یا مرد به اندازه قد، دور کمر، رنگ و نژاد او نیست، بلکه به ایمان، آگاهی، سواد و اعمال نیک انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امثالهم بستگی دارد. لذا زنان مسلمان وقتی از خانه خود خارج می شوند بدن خود را می پوشانند تا به عنوان یک عنصر جذاب جنسی وارد روابط اجتماعی نشوند همانگونه که حضرت مریم (ص) چنین لباس می پوشید.

تاریخ از ترکیب بدنی آن حضرت چیزی ننوشته است، زیرا با نوع پوشش خود به کسی اجازه نمیداد که او را از این بابت مورد قضاوت قرار دهند و هرچه در تاریخ درباره آن حضرت به رشته تحریر در آمده است در مورد معنویت، انسان دوستی و کارهای خیر و کلام نافذ وی و نقش مهم مادری است که در مورد عیسی مسیح (ع) ایفا کرده است.

بنابراین زنان مسلمان حجاب اسلامی خویش را پرچم آزادی خود و احترام به شخصیت خود می دانند و به آن افتخار می کنند.

حال این سؤال مطرح است که چه روشی برای زنان یک جامعه و از جمله برای دانش آموزان و دانشجویان بهتر است. آیا اینکه جذابیت جنسی یک ارزش زناشویی باقی بماند بهتر است؟ و یا اینکه ارزش اجتماعی و اقتصادی نیز باشد به نفع زنان است؟

واقعیت این است که ما مسلمانان استفاده از بدن زنان برای فروش کالاها و تقلیل مقام زن به یک عنصر تبلیغاتی جنسی را توهین به شخصیت زن تلقی می‌کنیم.

ما دعوت از زنان برای حضور نیمه‌عریان و جذاب و جنسی در مهمانی‌ها، هتل‌ها، فروشگاه‌ها و غیره را تحقیر زنان تلقی می‌کنیم. تحقیری که در غرب به عنوان یک ارزش اجتماعی و حتی شغلی محسوب می‌شود و متأسفانه تعداد قابل توجهی از زنان به آن تن داده‌اند.

اینک وارد بحث آموزش و پرورش و ترتیب جوانان و به ویژه دختران می‌شویم. مسابقه‌ای در فرهنگ کشورهای لائیک وجود دارد که به دختر شایسته یا زیبا و جذاب معروف است. در بازدید از یکی از شهرها به وجود مسابقه‌ای پی بردم که در آن هر ساله زیباترین دختر شهر انتخاب می‌شود و در طول سال وی پرچمدار شهر در مراسم مختلف است. حال این سوال مطرح است که آیا باید زیباترین دختر افتخار پرچمداری یک شهر را برعهده گیرد و یا با سوادترین آنها.

آیا بهتر نیست که مسابقه بین دختران برای عرضه اندام و جذابیت خویش به مسابقه داناترین و با سوادترین اعم از پسر و دختر تبدیل شود. آیا بهتر نیست از کسانی تجلیل گردد که آنچه را که دارند خود به دست آورده باشند و نتیجه تلاش خود آنها باشد؟

آیا بهتر نیست از ارزشی تجلیل گردد که حاصل آن به نفع همه جامعه است؟

آیا نمایش جذابیت های جنسی جز تحریک جنسی در جامعه نتیجه‌ای دارد که در موارد بسیاری منشاء تجاوزها و فسادها است. به همین لحاظ نیز مسابقه دختر زیبا که در قبل از انقلاب اسلامی در ایران توسط رژیم دیکتاتوری شاه رواج داده می‌شد تعطیل گردید و امروزه در ایران اسلامی جذابیت جنسی یک ارزش اجتماعی و تجاری نیست، بلکه دانش، اختراع، فعالیت های اجتماعی و انسان دوستانه و ایمان به خدا ارزش است.

مایه تأسف است که در کشوری مثل فرانسه دختران مسلمان نوجوان دانش آموز که مایل نیستند اندام و زیبایی های خود را به نمایش بگذارند قانوناً از تحصیل محروم می گردند و از حق تحصیل هم جنس گرایان صحبت می شود و مدارس خاص نیز برای آنها تدارک می گردد تا در جمع دیگر دانش آموزان احساس تحقیر نکنند.

در فرانسه یکی از وزرای فرهنگ این کشور درحالی که به همجنس گرایی خود اعتراف و افتخار می کرد که اگر امروز حضرت مریم^(ص) حضور می داشت به خاطر حجابش حق تحصیل و اشتغال نداشت.

آمارهایی را برخی کشورهای اروپایی بدون ذکر نام آنها ذکر می کنم:

- در یکی از این کشورها از هر سه زن به یکی تجاوز شده است.

- از هر ۴ زن یک زن تجربه اول خویش را با برادر خود داشته است.

- هر مردی که ۳ فرزند دارد یکی از آن او نیست و خود نمی داند.

- تحقیقات دانشمندان یک دانشگاه آمریکایی نشان می دهد که زنانی که در حضور اجتماعی خود نگران ظاهر خویش هستند بخشی از توان ذهنی خویش را از دست می دهند.

خانم ها و آقایان !

در اسلام همانطور که در ابتدا ذکر شد روابط جنسی یک نیاز بیولوژیک بدن و یک امر مطلوب محسوب می گردد. لیکن این امر باید در چارچوب روابط زناشویی انجام پذیرد.

چون امری پسندیده است یکی از ملاک های ازدواج در اسلام رسیدن به سن بلوغ جنسی است. در غرب ازدواج زیر ۱۸ سال را برای دختران ممنوع می کنند و این بدین معنی است که درچند ساله اول بلوغ و اوج خواسته های جنسی از یک طرف آن را ممنوع می کنند و از سوی دیگر در اوج سن بلوغ در مدارس مختلط به سر می برند و این درحالی است

که از در و دیوار شهر تحریک جنسی آنها را احاطه کرده است و نتیجه آنکه راه حل برای جلوگیری از حاملگی دختران دانش آموزها را اهدا وسایل پیش گیرنده می یابند که نمونه آن در این اجلاس به نمایش درآمد و البته این امر نیز کفایت نمی کند.

در ایران مدارس دختران و پسران - بویژه درس بلوغ - جداگانه بوده و این امر در تمرکز تحصیلی دانش آموزان بسیار موثر است.

به هر حال از آنجا که در پیشرفت همه جانبه یک کشور آگاهی و دانایی بیشترین تاثیر را دارد و از آنجا که به عقیده ما مسلمانان جذابیت جنسی نباید یک ارزش اجتماعی و تجاری باشد، برای اینکه علم آموزی مورد تشویق قرار گیرد به همه ملت های جهان پیشنهاد می کنم که انتخاب دختر باهوش را جایگزین دختر زیبا کنند و یا بهتر آنکه مسابقه باهوش تر و باسوادتر بودن را ملاک قرار دهند که هم دختران و هم پسران بتوانند در این رقابت ها شرکت نمایند و برندگان این مسابقات علمی حمل کننده پرچم شهر خویش و سمبل جوان و دانش آموز موفق معرفی گردند.

اجازه می خواهم صحبت خود را با آماری از تحصیلات دانشگاهی ایران به پایان برم و آن اینکه بیش از ۶۴ درصد ۴ میلیون دانشجوی دانشگاههای ایران را دختران تشکیل می دهند. حدود ۳۵ درصد کادر علمی دانشگاه ها و ۶۰ درصد پزشکان کشور نیز زن هستند. مقام بهترین مخترع جوان جهان را طی دو سال پیاپی یک دختر مسلمان ایرانی به خود اختصاص داد.

از توجهتان متشکرم. خدا نگهدارت

جاذبه جنسی، ارزش یا تبعیض اجتماعی؟!

این متن سخنرانی مکتوب شده دکتر محمد حسن قدیری ابیانه سفیر سابق کشورمان در همایش بین المللی " زن و تبعیض" است که در کشور مکزیک برگزار گردید .

از دیدگاه اسلام، خداوند، نه زن است و نه مرد، نه پدر است و نه مادر .
* خالق همهٔ جهانیان است. خداوندی است که آدم و حوا را آفرید و ما همه فرزندان آنها هستیم.

زن در ایران

اجازه بدهید در ابتدا، در مورد زنان ایران سخن بگویم %۶۴ . از جمعیت چهار میلیون دانشجویان ما را، %۶۰ پزشکان، %۳۵ اساتید دانشگاه، %۸۰ از معلمان و %۳۰ از کارمندان دولت را زنان تشکیل می‌دهند. رقم ۶۴ درصدی دانشجویان دختر، خبر از آن می‌دهد که ایشان از موقعیتهای اجتماعی بیشتری در آینده برخوردار خواهند بود. سخنرانی من، متمایز، منتقدانه و از دیدگاه یک مسلمان می‌باشد.

برای صحبت از زن، میبایستی از رابطهٔ میان زن و مرد نیز سخن گفت.

در اسلام، رابطهٔ زناشویی يك عرف قبیح لیکن ضروری برای بقای نسل به حساب نمی‌آید**، بلکه امری مثبت و نیاز بیولوژیک انسان و موهبتی ضروری محسوب می‌گردد. از اینرو پیامبر اسلام (ص) فرموده است " ازدواج، نیمی از ایمان است." بنابراین جذابیت فیزیکی يك موهبت الهی محسوب می‌شود. جاذبهٔ جنسی اگرچه در اسلام يك ارزش است اما از آن بعنوان ارزشی زناشویی یاد میشود که نمیبایست به ارزشی اجتماعی یا تجاری مبدل شود.

از اینرو، زنان مسلمان در خانه، خود را نمی‌پوشانند و هنگامیکه زنان و مردان در خلوت زناشویی با همسران خویش بسر می‌برند، به مطلوب ترین وجه نزد همسر خود حضور می‌یابند. اما هنگامیکه از منزل خارج می‌شوند، از آنرو که نباید در پی جذبۀ فیزیکی و جنسی باشند، خود را

می پوشانند. نه مردان و نه زنان، در اسلام، حق ورود جاذبه فیزیکی به روابط اجتماعی را ندارند.

از دیدگاه اسلام، ارزش اجتماعی زن ربطی به اندازه دور کمر، بلندی قد، وزن، رنگ پوست و یا نژاد وی ندارد. بلکه ارزش اجتماعی وی بستگی به دانایی، ایمان، عملکرد انسانی، اجتماعی، سیاسی و توانایی های کاری او دارد.

ما، استفاده از بدن زن برای فروش محصولات را، توهینی به مقام زن می شماریم. توسل به جاذبه فیزیکی زن، برای کار در فروشگاه را توهین، ظلم و تحقیر در حق وی تلقی می کنیم.

نگاه به جاذبه جنسی به چشم يك ارزش اجتماعی و تجاری، سر منشأ تبعیض خواهد بود، زیرا کسی که از این جذابیتها برخوردار نیست، محکوم به از دست دادن بسیاری از موقعیتها بوده و همچنین از احترام کمتری نیز بهره مند خواهد شد.

عدالت در حقوق

وجود تفاوت میان مرد و زن، به تبع از نوع آفرینش ایشان را به رسمیت می شناسیم. نمیتوان منکر این تفاوت شد. این زن است که میتواند مادر شود و بالطبع دارای تفاوتهاي خاص با مرد می باشد. زنان و مردان در بسیاری از موارد به هم شباهت دارند و در بعضی موارد، متفاوتند. مرد و زن مکمل یکدیگرند.

از اینرو، ما با در نظر گرفتن تفاوت میان زن و مرد، نه از برابری حقوق، بلکه از برقراری عدالت در حقوق سخن می گوئیم.

با نادیده گرفتن این تفاوتها و تنها، صحبت کردن از تساوی به این باور منجر خواهد شد که مرد نباید مسئول هزینه های خانواده باشد، آنچه که با بحث تساوی تقارن دارد. در اسلام، امر شرکت در جنگ در صورت لزوم بر عهده مرد است. بنابراین انجام خدمت نظام وظیفه در ایران برای زنان اجباری نبوده و برای مردان اجباری است. هیچکس نمیتواند

آنان را مجبور به این کار نماید. معذک، به رسمیت نشناختن این تفاوتها و در نظر نگرفتن حقوق خاص و متفاوت برای زنان و تنها سخن گفتن از برقراری مساوات، از نظر ما به نفع زن نخواهد بود. البته که همواره میبایست این اختلافات را در نظر داشت .

پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

"یک ساعت (برقراری) عدالت بهتر از شصت سال عبادت است." این عدالت میبایست در حق همگان و بخصوص در حق زنان و کودکان به اجرا در آید. ایشان می فرمایند "زنان مانند گل هستند، با آنها به خشونت رفتار نکنید."

کودکان

در این کنفرانس، از کودکان دختر و پسر سخن گفته شده است. قبل از اسلام، کودکان دختر خود را زنده به گور می کردند، چرا که داشتن فرزند دختر، مایه سرافکندگی خانواده به شمار می آمد. پیامبر ما (ص) فرموده است: "فرزند پسر نشانه نعمت الهی و فرزند دختر نشانه رحمت الهی است." هنگامی که خداوند می خواهد خانواده ای را از نعمت برخوردار نماید به وی فرزند پسر و هنگامیکه خواهد آنرا از رحمت خویش برخوردار کند به وی فرزند دختر عطا می کند.

ظلم مضایف

ظلم در حق زن تنها ظلم به زنان نیست بلکه مردی که در حق زن ظلم روا می دارد بنوعی خویشتن را نیز مورد ظلم قرار می دهد. چه مرد و چه زن، باید زندگی سالمی داشته باشند و با ظلم روا داشتن در حق دیگری و به تبع آن ظلم به خویشتن، حق زندگی سالم از انسان سلب خواهد شد. حضرت علی (ع)، مرد شماره دوی اسلام می فرماید: "کسی که ظلم را می پذیرد، همدست و شریک ظالم است." فرد مسلمان، نه تنها حق ندارد به کسی ظلم کند، بلکه نباید ظلم را نیز بپذیرد.

از دیدگاه ما، زنانی که حضور در اجتماع و بهره گیری از جذابیت جنسی خود در روابط اجتماعی و تجاری را می پذیرند، بنوعی شریک

جرم افراڊي هستند که به چشم ابزار به آنها مي-نگرند. در اسلام، لذت جنسي تنها محدود به رابطه زناشويي بوده و هرگز نبايد به ابزاري در روابط تجاري و اجتماعي بدل شود. چرا که اين امر به تحريك هيچانات جنسي منجر شده که بدنبال آن خشونت و تعدي را بهمراه خواهد آورد. به اين دليل، نمايش تصاوير برهنه و مستهجن از هر نوع آن، در اسلام حرام و ممنوع شمرده مي شود.

در ايران، اگر در شهري با يك ميليون جمعيت، يك مورد تجاوز در طول يك سال بر عليه زني صورت پذيرد، از آن به منزله يك فاجعه عظيم ياد خواهد شد. در مقابل، در برخي از كشورهاي غربي که در آنها جاذبه جنسي يك ارزش اجتماعي و تجاري محسوب مي شود، اين رقم بسيار بالاست.

حق به نمايش گذاردن جاذبه فيزيكي

در بسياري از كشورهايي که در آنها به زنان اجازه داده مي شود تا با هر نوع پوشش دلخواه وارد اجتماع شوند و در آنها، همجنس بازان از آزادي عمل برخوردارند، اگر زني نخواهد بدن خود را در معرض ديد عموم قرار دهد، با تبويض و وازدگي مواجه خواهد شد. بطور مثال در فرانسه، دانش آموزان دختر مسلماني که بخواهند از پوشش اسلامي استفاده کنند، اجازه تحصيل و يا کار نداشته و مورد تبويض واقع مي شوند. اگر حضرت مريم^(س) در اين دوران و در فرانسه زندگي مي کرد، حق برخورداري از اين حقوق اساسي، از او سلب مي شد

معدلك هيچگاه شاهد اعتراض سازمانهاي مدعي حمايت از حقوق زنان در رابطه با تبويض روا داشته شده بر عليه زنان مسلماني که مي خواهند از پوشش اسلامي استفاده کنند، نبوده ايم. اعتراضي که بايد انجام مي شد و هرگز صورت نگرفت.

همجنس گرایی و زنای با محارم

در این کنفرانس در رابطه با حقوق همجنس بازی بسیار سخن گفته شده و برای توجیه آن، از حق و اراده دو شخص بالغ صحبت به میان آورده شده است. بر این مبنا، حتی می توان زنای میان والدین و فرزندان و یا در بین خواهران و برادران را مورد توجیه قرار داد. باین ترتیب، در آینده ای نه چندان دور شاهد همایشهایی با نام: "روابط فارغ از تبعیض"، در دفاع از حق زنای میان محارم خواهیم بود.

برخی، از مادر طبیعت یا مادر زمین حرف می زنند***. ما رابطه میان دو مخلوق هم جنس را در طبیعت مشاهده نمی کنیم و این روابط نامشروع را طبیعی نمی دانیم. از نگاه اسلام، همجنس گرایی يك انحراف و يك گناه به شمار می آید.

مطالعات انجام گرفته در ایالات متحده نشان از آن دارد که افراد همجنس باز، بطور متوسط، ۲۵ سال کمتر از افراد عادی عمر می کنند.

ملاحظات:

*در مسیحیت خدا سه تا است. خدای پدر، خدای پسر و روح القدس. بنابراین حداقل خدای پدر و پسر مرد هستند و روح القدس را نیز در تصاویر به صورت کیوتر نشان میدهند.

** در مسیحیت روابط زناشویی یک امر بد اما ضروری برای بقای نسل بشر محسوب می گردد. لذا کشیشان و راهبه ها ازداج نمی کنند تا به خدا نزدیک تر باشند.

*** بومیان مکزیک از عبارت مادر زمین استفاده می کنند.

<http://ghadiri۱۴۰۴.blogfa.com/post-۳۴.aspx>

در اسلام جذابیت فیزیکی یک ارزش زناشویی است

در دیدار دکتر قدیری ابیانه سفیر ایران با انجمن حمایت از مخترعان و مبتکران مکزیك مطرح شد:

نخبگان مکزیك خواستار استفاده از تجربیات ایران شدند.

در حالی که در بسیاری از کشورهای غربی ارزش اجتماعی زنان به طول قد و اندازه کمر آنها بستگی دارد و به برگزاری مسابقات دختر شایسته که به انتخاب زیباترین زنان می‌پردازند، در اسلام جذابیت فیزیکی یک ارزش زناشویی است.

آفتاب: رئیس و اعضای شورای مرکزی انجمن حمایت از مخترعان و مبتکران مکزیك که یک سازمان غیر دولتی است با سفیر ایران در مکزیك دیدار کردند.

به گزارش سرویس سیاست خارجی آفتاب در این دیدار که در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، اعضای این انجمن با ابراز شگفتی از پیشرفت‌های شگرف جمهوری اسلامی ایران علیرغم تحریم‌ها و تهدیدات غرب، این پیشرفت‌ها را موجب امیدواری سایر ملت‌ها دانسته و خواستار اطلاع از تجربیات ایران در این رابطه شدند.

دکتر محمد حسن قدیری ابیانه سفیر کشورمان در مکزیك در این دیدار با اشاره به توطئه‌های استعماری در ایران و سایر کشورها گفت: «استعمارگران قدرت خود را در ضعف دیگران جستجو می‌کنند و بدین لحاظ همواره سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که موجب عقب ماندگی کشورها و زمینه ساز ادامه تسلط بیگانگان شود.»

وی به طور نمونه به القاء فرهنگ اعتقاد به شانس به عنوان عامل موفقیت و تضعیف فرهنگ کار در کشورها از یک طرف و ترویج مصرف‌گرایی با هدف اتلاف سرمایه‌های کشورها و ممانعت از سرمایه‌گذاری این داری‌ها در طرح‌های زیربنایی اشاره کرد.

قدیری ایبانه خود باوری را موجب پیشرفت کشورها دانست و اظهار داشت: «تقویت این باور در بین مردم و بویژه جوانان در انقلاب اسلامی عامل بسیار مهمی در پیشرفت سریع ایران است.»

وی تاکید کرد: «بر اساس قرآن انسان اشرف مخلوقات است. اسلام به نژاد پرستی اعتقادی ندارد و لذا جوانان ایران این زمینه را در خود یافته‌اند که می‌توانند به قله‌های علم و پیشرفت دست یابند و این شعار حضرت امام (ره) را که فرمودند «اگر خواهیم می‌توانیم» باور کردند و با عمل خود آن را به اثبات رساندند به نحوی که نه تنها دانشمندان ایرانی به فکر اختراع و اکتشاف هستند بلکه دانش آموزان دبیرستانی ایران نیز در این راه تلاش می‌کنند.»

سفیر ایران به کسب رتبه اول اختراع و اکتشاف توسط جوانان ایرانی در اجلاس اخیر کشور چین اشاره کرد و گفت: «انتخاب زن جوان و محجبه مسلمان ایرانی در دو سال متوالی به عنوان برترین مخترع جهان را نشانه این خود باوری است و نگاه اسلام به جایگاه زن مسلمان موجب پیشرفت سریع زنان و حضور فعال آنان در عرصه‌های گوناگون شده است.»

وی گفت: «در حالی که در بسیاری از کشورهای غربی ارزش اجتماعی زنان به طول قد و اندازه کمر آنها بستگی دارد و به برگزاری مسابقات دختر شایسته که به انتخاب زیباترین زنان می‌پردازند، در اسلام جذابیت فیزیکی یک ارزش زناشویی است و ارزش اجتماعی زنان به فکر، سواد، شعور، ایمان، عمل صالح و فعالیت‌های مفید اجتماعی آنان است و این امر در پیشرفت زنان تاثیر به سزایی داشته است.»

قدیری ایبانه ادامه داد: «تصور ایجاد شده در غرب در مورد حجاب زنان، اسارت و تحقیر زنان در جوامع اسلامی است، حال آنکه مسلمانان استفاده از جذابیت‌های بدنی زنان در روابط اجتماعی و تجاری و تبلیغاتی را اسارت زنان و توهین به شخصیت آنان می‌دانند و آزادی زنان در غرب از این اسارت را آرزو می‌کنند.»

سفیر ایران جدایی مدارس دخترانه و پسرانه در ایران به ویژه در دوران بلوغ را موجب تمرکز و توجه به تحصیل علم و دوری از فساد عنوان

کرد و گفت: «مفاسد موجود در مدارس غربی به گونه‌ای است که نباید انتظار داشت که علم و ادب در این نوع مدارس پیشرفت چشمگیری داشته باش.»

قدیری ابیانه افزود: «در اسلام تحصیل علم با هدف خدمت به مردم عبادت محسوب می‌گردد و بر حسب فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص) «جوهر قلم عالم از خون شهید برتر است» و به همین لحاظ نیز در جامعه‌ای که چنین باورهایی وجود دارد تحریم اثری نداشته و پیشرفت سریع حاصل می‌گردد.»

در پایان این دیدار مسئولان سازمان غیر دولتی مذکور از سفیر کشورمان دعوت کردند تا به طرح نظرات خویش در جمع اخترعین و مبتکرین جوان مکزیک پرداخته و دیدگاههای خویش و راههای پیشرفت ایران را برایشان تشریح نماید . <http://www.aftabnews.ir/vdcjmoeo.uqeyozsffu.html>

بدحجابی یا جلوه فروشی!

زن در اسلام و غرب

گزیده ای از سخنرانی دکتر محمد حسن قدیری ابیانه

زنجان ۱۴ آبان ۱۳۸۹ در سازمان ملی جوانان

شناخت رازهای خلقت می تواند ما را در ارائه راه حلی صحیح برای مسائل بشری یاری دهد. انسان با ویژگی هایی خاص آفریده شده است. از مهمترین خصوصیات و ویژگیهای خلقت انسان - که با عشق، صمیمیت، محبت و لذت همراه است- نیاز به ازدواج و ارتباط جنسی زن و مرد برای بقای نسل بشر است. ارزش بودن جذابیت متقابل جنسی و نعمت بزرگ الهی دانستن آن از نقاط مشترک دیدگاه های اسلام و غرب محسوب می شود. اما تفاوت در نگاه اسلام و غرب در این ارتباط است که اسلام جذابیت جنسی را تنها یک ارزش زناشویی می داند ولی غرب آن را به عنوان ارزشی اجتماعی نیز قلمداد می کند. این مسأله یکی از مهمترین تفاوت های دیدگاه اسلام و غرب در این زمینه می باشد.

اسلام علاوه بر ارزش دانستن جذابیت جنسی در روابط زناشویی - و تأکید بر مطلوب بودن این رابطه، مانع تبدیل آن به یک ارزش اجتماعی می شود. سهولت ازدواج در اسلام گواه دیگری بر این مدعی است. اما در فرهنگ غربی جذابیت جنسی را ارزشی اجتماعی در کنار ارزش های دیگر می شناسند.

تا کنون در ارتباط با جذابیت جنسی چندین تحقیق علمی در غرب انجام شده است. موضوع آزمایش این بوده که "عدد جنسی مرد و زن چگونه تحریک می شوند و به عبارتی مرد و زن چگونه تحت تاثیر جنس مقابل قرار می گیرند". آزمایش کنندگان دستگاه هایی را به قلب، مغز و قسمت های مختلف بدن افراد متصل کردند و پس از انجام آزمایشات مختلف دریافتند که تأثیر پذیری جنسی در مردان از طریق نگاه (چشم) بسیار

بیشتر از تاثیر پذیری زنان از طریق نگاه است که آن را لذت بصری می نامند. البته این موضوع را باید از نعمت های خداوند و در دایره ی تدابیر و الطاف الهی به شمار آورد که در صورت استفاده صحیح موجب سالم شدن روابط زناشویی و محیط های اجتماعی می گردد.

توصیه های اسلام، راه حل مناسبی است تا ضمن وجود این ارزش در روابط زناشویی و تأکید بر آن، از ورود جذابیت جنسی به حوزه های اجتماعی جلوگیری شود. حجاب زنان از مهمترین راه حل هایی است که برای روابط اجتماعی مطرح شده است. البته حدود حجاب برای زن و مرد متفاوت است و دلیل آن هم خصوصیات و ویژگی های متفاوتشان است. اگر زن نیز مانند مرد از طریق نگاه تحت تأثیر جنسی قرار می گرفت، بایستی مردان هم برای خود پوشش کامل تری را انتخاب می کردند. عدم ورود این ارزش به حیطه ی امور اجتماعی اثرات بسزایی در سعادت مندی هر ملتی دارد. از دیدگاه اسلام ارزش اجتماعی يك زن به مدل ابرو، چانه، بینی، رنگ پوست، قد، وزن و دیگر خصوصیات اندامی اش نیست، زیرا در این صورت افرادی که از جذابیت ظاهری کم بهره اند مورد ملامت قرار گرفته و ارزش اجتماعی آنان خدشه دار می شود. در واقع اسلام ارزش اجتماعی زن را در علم، وقار، حیا، شجاعت، ایثار و پرهیزگاری، مهر مادری و ... او می داند. می توان نتیجه گرفت حجاب راه حلی زیبا و مبتنی بر ویژگیهای خلقت بشر برای سعادت مندی جوامع انسانی است. حجاب یعنی آزادی روابط اجتماعی از تحت تأثیر قرار گرفتن جذابیت های جنسی. حجاب در حقیقت پوشش زیبایی ها و جذابیت های جنسی از غیر محارم است.

رعایت حجاب یعنی پرهیز از برانگیختن شهوت شیطانی نامحرمان. حجاب یعنی مصونیت از نگاه شهوت آلود و شیطانی دیگران.

از آنجا که شهوت مردان مطابق با مطالعات علمی فوق الذکر از طریق نگاه برانگیخته می شود، زنی که حجاب و عفاف را رعایت نمی کند چه بخواهد و چه نخواهد، موجب تحریک شهوت هزاران مردی که چشمشان به وی افتاده است می شوند و مردی که در طول روز از منزل بیرون می رود، به ازای هر زنی که حجاب را رعایت نکرده و او آنها را می بیند شهوتش تحریک می شود.

قطعا اکثریت غریب به اتفاق زنانی که بدون رعایت حجاب از منزل خارج می شوند قصد برانگیختن شهوت دیگران را ندارند و آن را دون شان خود می دانند. شاید می خواهند در چشم همسر و یا نامزد خود زیبا جلوه کنند، لیکن متوجه آثار شوم رفتار خود نیستند. در جامعه یافت می شوند مردانی که در مقابل این تحریکات شهوانی تاب مقاومت ندارند و به فساد کشیده شده و به فواحش و یا تجاوز به نوامیس روی می آورند و گاه زنانی قربانی این تجاوزات می شوند که خود در به وجود آوردن آن نقشی نداشته اند.

وقتی جذابیت جنسی به یک ارزش اجتماعی تبدیل شد، زنانی که به دلایل گوناگون توان رقابت در این عرصه را از دست می دهند، ارزش آنان کم محسوب می شود. زنان شوهردار نیز در رقابت با زنان جوان تر و زیباتر احساس ناکامی می کنند. بنابراین عدم رعایت حجاب در اجتماع، یکی از دلایل از دست رفتن شیرینی زندگی خانوادگی و از دلایل افزایش طلاق می باشد.

در این میان برخی زنان متاهل که احساس می کنند که در چشم همسران خود آن مطلوبیت قبلی را ندارند و احساس امنیت خود را در زندگی خانوادگی از دست داده و برای اینکه در این عرصه سخت رقابتی در چشم همسر خویش کم نیاورند، به آرایش خود در بیرون منزل روی می آورند، بویژه در بیرون از منزل و در همراهی با همسرشان، تا آن احساس کمبود را در چشم همسر خویش جبران کنند.

زنانی که دارای اتکاء به نفس هستند و احساس کمبود در ارزش اجتماعی ندارند و برای خود شان بالا و احترام قائلند، نیازی به نمایش اندام و زیبایی های خود نزد نامحرمان ندارند. به عبارتی دیگر آرایش و نمایش اندام در روابط اجتماعی، نشانه ای از احساس کمبود شخصیت است و اقدامی برای سرپوش نهادن بر این واقعیت و جبران این احساس کمبود محسوب می گردد.

در جامعه ای که رعایت حجاب و عفاف شود زنان از آرامش و امنیت بیشتری برخوردارند.

زمانی که بنده این منطق را در جوامع غربی مطرح می‌کردم که ارزش اجتماعی زن نباید به جذابیت‌های فیزیکی آنها بستگی داشته باشد مورد پسند آنان قرار می‌گرفت.

زنانی که خود را فمینیست (مدافع حقوق و ارزش زنان) معرفی می‌کنند، لیکن خود را آرایش کرده و در روابط اجتماعی به نمایش اندام خود می‌پردازند، نشان می‌دهند که چه مقدار برای قضاوت مردان در مورد خود اهمیت قائلند و خود را تا یک عنصر جنسی و یک محرک شیطانی عمومی تنزل می‌دهند، لذا برخی از شاخه‌های فمینیستی از آرایش خود و نمایش عمومی اندام خود پرهیز می‌کنند.

در غرب زنان از ارزش اجتماعی تلقی شدن جذابیت جنسی به شدت رنج می‌برند و اگر فلسفه حجاب خوب شناسانده شود، زمینه برای جذب آنان به اسلام فراهم می‌گردد.

در سخنرانی‌های خود در مجامع غربی، گاهی به حجاب حضرت مریم^(س) اشاره می‌کردم، اینکه در تصاویر نصب شده در کلیساهای غرب و مجسمه‌هایی که از ایشان طراحی کرده‌اند، او را با پوششی کامل - مانند چادری که مسلمانان استفاده می‌کنند - نشان می‌دهند.

شاید این ذهنیت به وجود بیاید که حجاب حضرت مریم (س)، پوششی عرفی در زمان آن حضرت بوده است! مدت‌ها پیش در موزه لوور فرانسه نقاشی‌ای قدیمی را دیدم که در آن حضرت مریم^(س) همراه عده‌ای از حواریون با حجاب کامل در محیطی باز و عمومی نشان داده شده‌اند و در اطراف ایشان زنانی بدون حجاب در حال صحبت با یکدیگر مشاهده می‌شدند. می‌توان از این تصویر نتیجه گرفت که حجاب آن حضرت، از دید نقاش، پوشش عرفی آن دوران نبوده، زیرا در غیر اینصورت همه باید محجبه می‌بودند. لذا حجاب آن حضرت جزو امور اعتقادی ایشان بوده است. در انجیل هم بر رعایت حجاب زنان تأکید شده است.

آنچه از حضرت مریم^(س) در تاریخ مطرح شده است همگی از معنویت، اخلاق و ایمانشان است نه قیافه و ظاهر ایشان. حجابی که امروزه

خواهران روحانی مسیحی دارا هستند، اقتباس از همان پوشش حضرت مریم^(س) است. فلسفه حجاب اسلامی در اسلام نیز همان فلسفه حجاب حضرت مریم^(س) می باشد.

خاطره ای ذکر می کنم از دختری که بعد از ملزم شدن خانم ها برای رعایت حجاب در ایران به ایتالیا مهاجرت کرده بود. در رابطه با علت سفرش به ایتالیا گفته بود نمی تواند زیر بار اجباری به نام حجاب برود. پس از مدتی مشاهده شد که ایشان روسری سر می کند و در محیط های اجتماعی با حجاب وارد می شود. وی در باره علت این تغییر رفتار گفته بود: زمانی که به ایتالیا آمده انتهای راه رعایت نکردن حجاب را دیده و به نتیجه فاجعه بر انگیز آن پی برده است.

همانطور که ذکر شد در جامعه ای که ارزش های اسلامی حاکم نباشد و جذابیت جنسی به عنوان ارزشی اجتماعی مطرح گردد، به جهت مورد توجه و احترام قرار گرفتن در جامعه، افراد تمام تلاش خود را برای نزدیک شدن به این ارزش می کنند. از طرفی مشاهده می شود سینما، تلویزیون و نشریات مختلف از بین زنان زیبا و جذاب افرادی را انتخاب کرده و به عنوان یک الگو به جامعه خویش معرفی می کنند. همه ما می دانیم، با استفاده از فنون تصویر برداری و گریم، تصویر ارائه شده از این زنان، زیباتر از واقعیت آنان است. در چنین شرایطی اکثر جامعه نمی توانند خود را به این الگوها نزدیک کنند و درصد کوچکی هم که خود را در این عرصه موفق احساس می کنند، بعد از سپری شدن ایام جوانی دچار احساس حقارت می شوند. در چنین جوامعی، زنانی که در میان سالی قرار دارند و شیب از دست دادن زیبایی آنان زیاد است به همان نسبت احترام اجتماعی آنان کاهش می یابد و دچار بحران روانی می گردند. سن بروز این بحران روحی قبلا چهل سالگی و اخیرا در جوامع غربی به سی سالگی کاهش یافته است. در مقابل مشاهده می کنیم در جوامع اسلامی جایی که ارزشهای اسلامی و حجاب و عفاف رعایت می گردد، با افزایش سن زنان، احترام آنان در جامعه بیشتر می شود.

عده ای نیز بدون توجه به ارزشهای دیگر جوامع غربی مانند مطالعه و کار، گمان می کنند پیشرفت های آنان به خاطر وجود آزادی در نمایش جذابیت های جنسی است؛ اگر این گونه بود در فصول سرد سال که اکثر

افراد خود را به طور کامل می پوشانند نباید پیشرفتی صورت می گرفت! در حقیقت بسیاری از افرادی که جذابیت های فیزیکی خود را در جامعه عرضه می کنند موجب تحريك دیگران می شوند، زمینه های بروز مفاسد اجتماعي و سست شدن بنیان خانواده ها را پایه گزارى می کنند. در مقابل، زنان محجبه اجازه نمی دهند دیگران با نگاه هوسرانی به آنها بنگرند و حرمت و وقار خود را حفظ می کنند. این چنین است اگر در جامعه ای با ارزشهای اسلامی مرد نامحرمی از زیبایی جنسی زنی تعریف کند و بگوید شما چه اندام زیبایی دارید، او بر افروخته شده و این گفته را يك توهین به خود تلقی می کند؛ اما در جوامع دیگر هنگام مواجهه زنی با تعریف دیگران از اندام خود مشاهده می شود که او از این گفته خوشنود شده و تشکر می کند. البته عده ای تحت عنوان نهضت های فمینیستی در غرب اعتراضاتی به این مسائل دارند و مخالف استفاده تولیدکنندگان و بازرگانان از زنان نیمه برهنه برای تبلیغ کالاهایشان هستند. می گویند زنان نمایشگاه متحرك و بازیچه مردان نیستند که آرایش کرده و زیبایی های جنسی خود را به دیگران عرضه کنند! این موج مخالفت بدانجا کشید که قانونی در پارلمان اروپا مطرح شد مبنی بر عدم استفاده از جذابیت های جنسی زنان در تبلیغات و فروش کالا که البته با مخالفت صاحبان سرمایه مواجه گردید.

بنده خاطره ای به یاد دارم از "ادواردو آنیلی" فرزند یکی از ثروتمند ترین سرمایه داران ایتالیا، او از ارزشهای رایج در جامعه اش دور شده بود و برای ما می گفت که بسیاری از ارزشهای اجتماعي غرب را قبول ندارد. مثالی از تبلیغات کمپانی پدرش برای فروش نوع جدیدی از اتومبیل زد که در آن جوانی همراه نامزد خود پشت چراغ قرمز می ایستد و در کنار آنها جوانی دیگر با اتومبیل مورد نظر (جهت تبلیغ در این آگهی) توقف می کند. دختری که در اتومبیل اول نشسته بود با مشاهده اتومبیل دوم، از ماشین پیاده شده و سوار ماشین دوم می شود. این نشان دهنده آن است که در جوامع غربی روابط زناشویی به راحتی در برابر يك کالا فدا می گردد.

اگر در جامعه ای ارزشهای دینی حاکم نباشد، حتی انحصار ازدواج بین زن و مرد را هم از بین می برند. مانند کشورهای هلند، کانادا و آمریکا که انسان را به یاد قوم لوط می اندازد. امروزه در غرب خود

فروشی زن و خود فروشی مرد يك شغل محسوب می شود، تنها لازم است بهداشت را رعایت کنند و مالیات کار خود را به دولت بپردازند! تا جایی که از آنها با عنوان خدمات رسانان سکس یاد می کنند و در اقتصاد آن را جزو تولید خدمت محسوب می نمایند. آنها حتی می توانند کاندیدای مجلس و ریاست جمهوری شوند! آنها در خیلی از کمیسیونهای پارلمانی و کمیسیون حقوق بشر حضور فعال دارند.

اخیرا وزیر خارجه آلمان که یک مرد است با مرد دیگری ازدواج کرد و خانم مرکل صدر اعظم آلمان و خانم کلینتون وزیر خارجه آمریکا هم در جشن ازدواج آندو شرکت کرد.

طبق آمارهای ارائه شده، از هر سه زن در ایتالیا به یکی از آنان تجاوز شده و از هر چهار دختر یکی از آنها اولین ارتباط جنسی اش با محارم خود بوده است. در انگلستان هر مردی که سه فرزند دارد یکی از آنها فرزند خود او نیست و از آن اطلاع ندارد. این موارد به علت عدم حاکم شدن قوانین و ارزشهای دینی در جامعه است.

آینده چنین جوامعی آزادی زنا با محارم است هر چند کم و بیش در این جوامع زمینه بروز آن مشاهده می شود.

اگر ما بتوانیم اسلام و حجاب را آنگونه که هست تشریح کنیم خیلی از ذهنیت ها در جهان تغییر می کند. وقتی برای زنان، نگاه اسلام به زن و حجاب مطرح گردد، بسیاری از آنان به این دین آسمانی گرایش می یابند. به علت وجود این واقعیت هاست که غرب برای جلوگیری از نفوذ اسلام در بین جوامع خود به تحریف در باره عقائد اسلام روی آورده است. اگر اصل اسلام موجب گریز این جوامع از اسلام می شد نیازی به تحریف نمی دیدند.

غربی که همه نوع فساد و فحشا در آن آزاد است نمی تواند رعایت حجاب توسط زنان و دختران مسلمان را تحمل کند و تا آنجا پیش می رود که دختران نوجوان را به دلیل رعایت حجاب از تحصیل محروم می کنند.

ما باید از بابت اسلام و ایمانمان، خدا را شکر کنیم و به حجاب زنانمان بباییم. همه باید بدانند در صورتی يك زندگي سالم و آرامتري خواهند داشت که جذابیت جنسي تنها يك ارزش زناشویی شناخته شود و از بروز آن در روابط اجتماعي پرهیز گردد.

توصیه بنده به خانمهایی که عامدا اندام خود را در جامعه به نمایش می گذارند این است که احساس کمبود شخصیتی خود را با افزایش علم و عمل صالح جبران کنند که ارزشی ماندگار خواهد بود، نه با نمایش اندام که بر فرض کسب احساس کاذب، امری گذرا است و آسیب های اجتماعي بسیاری را به دنبال دارد.

در جامعه ایران از عبارت بدحجابی به نحو صحیحی استفاده نمی شود.

بد حجاب در حقیقت باید به کسی گفته شود که اندام خود را آنطور که شایسته است نمی پوشانند. مثلا حساسیتی به پیدا شدن موی خود ندارند هر چند قصد نمایش و خودنمایی و تحریک دیگران را نداشته باشد.

زنانی که خود را آرایش می نمایند و زیباتر از آنچه هستند به نمایش می گذارند شایسته عبارت دیگری هستند. شاید عبارتی مشابه "جلوه فروشان" برای آنها مناسب تر باشد.

تفاوت جلوه فروشان با خود فروشان این است که جلوه فروشان عملا خواسته یا ناخواسته به تحریک شهوات شیطانی می پردازند بدون اینکه شهوت برانگیخته را ارضاء نمایند، در حالی که خودفروشان به ارضاء شهوت مشتریان خود روی می آورند. در حقیقت می توان جلوه فروشان را بازار یابانی برای خودفروشان محسوب نمود.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که زیبایی اگر وارد عرصه تحریک جنسی در روابط اجتماعي نشود مذموم نیست. بطور مثال برخی ها چادرهای گلدار را بر می گزینند یا در محافل زنانه به آرایش خود می پردازند. چون در بین زنان جذابیت جنسی و تحریک پذیری به صورت طبیعی وجود ندارد، لذا معنی برای آن گذاشته نشده است. بنابراین آنچه

در اسلام منع شده است با هدف جلوگیری از تحریک شهوات جنسی در روابط اجتماعی و نامشروع است.

طرح شعارهای زیر در جوامع غربی می تواند هدف اسلام از طرح موضوع حجاب را تا حدودی روشن نماید.

- با رعایت حجاب از تحریک شهوت مردان پرهیز نمایید.
- به نمایش گذاشتن جذابیت های جنسی نشانه احساس کمبود شخصیت است.
- رعایت حجاب نشانه احساس شخصیت است.
- در اسلام زن یک ابزار تبلیغاتی نیست.
- در اسلام زن یک کالای تجاری نیست.
- در اسلام جذابیت فیزیکی نباید به یک ارزش اجتماعی تبدیل شود.
- زنی که اندام خویش را به نمایش عمومی می گذارد، از قدر و منزلت خویش غافل است.
- رقابت در عرضه اندام در عرصه اجتماعی، بنیان خانواده را سست می کند.
- ارزش زن بیش از این است که به رقابت در نمایش عمومی اندام خود برای جلب نظر مردان بپردازد.
- مسابقه نمایش اندام زنان در جامعه بیشترین آسیب را به زنان می زند.
- کسب احترام اجتماعی را از طریق افزودن بر علم و عمل صالح دنبال کنید و نه از طریق شرکت در مسابقات نمایش جذابیت های فیزیکی.
- انتخاب ملکه دانایی را جایگزین مسابقه ملکه زیبایی نمایید.

فصل چهارم

مقایسه وضعیت زن در اسلام با
مسیحیت و فرهنگ غرب

مقایسه اسلام، مسیحیت و یهودیت

مقایسه مفهوم خدا

■ اسلام: خدا، قادر متعال است، در همه جا حاضر است و واقف بر همه چیز.

کاتولیسیسم: خدا، سه گانه است (پدر، پسر و روح القدس).

■ اسلام: خدا، خالق است. "پدر" نامیدن خداوند، به معنای پایین آوردن مقام وی و گنجاندن آن در قالب انسانی است. در واقع، پدر بودن، آسانتر از مادر بودن است. از نگاه اسلام، پدر ما، آدم (ع) است که پدر همه بشریت محسوب می شود.

کاتولیسیسم: خداوند، پدر و خالق است.

■ اسلام: خداوند، فاقد جنسیت بوده و نه زن است و نه مرد.

کاتولیسیسم: خدا، مرد است.

■ اسلام: خدا، فاقد تصویر است.

کاتولیسیسم: خدا، با نقشی متشکل از دو مرد و یک کبوتر، تصویر می شود. (پدر، پسر، روح القدس)

■ اسلام: خدا، نه پدر و نه مادر دارد و فرزندی نیز ندارد.

کاتولیسیسم: خداوند پدر، یک پسر دارد. خداوند پسر، دارای یک پدر (خدا پدر) و یک مادر است. او، همچنین، علاوه بر دارا بودن برادران، پدر و مادر بزرگ، نوه پدر و مادر مریم نیز محسوب می شود. با نگاه به خداوند از این دریچه، همچنین می توان گفت که "خدا پدر" دارای قوم و خویش است و داماد پدر و مادر مریم به حساب می آید. و به همین منوال، مریم، دو همسر داشت، خدای پدر و یوسف نجار.

■ اسلام: خدا، قادر متعال و فناپذیر است.

کاتولیسیسم: خدای پسر، فناپذیر بود و به صلیب کشیده شد.

■ اسلام: خدا خوردنی نیست.

کاتولیسیم: مسیحیان که خدا را سه تا در یکی (پدر، پسر و روح القدس) می دانند و مسیح^(ع) را خدای پسر می نامند مراسمی دارند که در آن مسیح^(ع) را می خورند و به این مراسم عشاء ربانی می گویند.

در این مراسم نان را که سمبل گوشت مسیح^(ع) و شراب را سمبل خون مسیح^(ع) معرفی نموده و آن را در این مراسم می خورند. با توجه به اینکه مسیح^(ع) را بخشی از خدا می دانند، می توان مراسم عشاء ربانی را مراسم "خداخوری" نامید.

در انجیل یوهنا باب ششم آیات ۵۲ تا ۵۸ آمده است:

پس جدالی سخت در میان یهودیان در گرفت که «این مرد چگونه می تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟» عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می گویم، که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاویدان دارد، و من در روز بازپسین او را برخواهم خیزانید زیرا بدن من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است. کسی که بدن مرا می خورد و خون مرا می نوشد، در من ساکن می شود و من در او. همانگونه که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده ام، آن که مرا می خورد نیز به من زنده خواهد بود. این است نانی که از آسمان نازل شد؛ نه مانند آنچه پدران شما خوردند، و با اینحال مردند؛ بلکه هر کس از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند.»

■ اسلام: روح القدس، همان جبرئیل است که کلام خدا را به انبیای بزرگ ابلاغ نمود.

کاتولیسیم: روح القدس، خدا، به صورت سومین قسم از اقسام تثلیث است. خداوند و دهنده زندگی است. او، با پیامبران^(ع) سخن گفت.

مقایسه عیسی (ع) و مریم (س)

■ اسلام: عیسی (ع) از نوع بشر به حساب آمده و پیامبر بزرگ خداست.

کاتولیسیم: از عیسی، بعنوان "پسر خدا" یاد می شود و دومین ثلث از تثلیث می باشد.

■ اسلام: تولد عیسی (ع) بدون وجود پدری از نوع بشر، معجزه ای بود که به اراده خدا بوقوع پیوست، اما وی، بی تردید، از ابناء بشر بوده و پیامبر بزرگ خداست.

کاتولیسیم: پدر عیسی، همان خداوند پدر است.

■ اسلام: عصمت و بکارت مریم (س) را به رسمیت می شناسد و معتقد است که عیسی، بدون وجود پدر و به اراده خداوند متولد شد.

کاتولیسیم: عیسی، در وجود مریم باکره (س) تجسم یافت، اما فرزند خدا محسوب می شود.

■ اسلام: مریم (س)، هرگز ازدواج نکرد.

کاتولیسیم: مریم (س)، پس از تولد فرزندش عیسی (ع)، از همسرش یوسف نجار داران فرزندان میباشد. یوسف، تولد عیسی را در عین باکرگی مریم (س)، مورد سوء ظن قرار داد. اما روح القدس او را به قبول این مطلب متقاعد نمود (که همسر او، مانند وسیله ای برای حمل پسر خداوند، مورد استفاده قرار گرفته است).

■ اسلام: سوره ای از قرآن، "مریم" نام دارد که به حکایت بخشی از سرگذشت او می پردازد. سوره دیگری از قرآن به نام "مائده" به وصف "شام آخر" می پردازد.

کاتولیسیم: هیچ فصلی از انجیل، با عنوان "مریم" و یا "شام آخر" نامگذاری نشده است.

■ اسلام: اسلام، معجزاتی را همچون دریافت میوه های بهشتی فرستاده شده از سوی خدا، به حضرت مریم نسبت می دهد.

کاتولیسسیسم: انجیل، چنین معجزاتی را برای مریم (س)، بر نمی شمارد.

■ **اسلام:** قرآن، در مقایسه با انجیل، معجزات بیشتری را به حضرت عیسی (ع) نسبت می دهد. از آنجمله است، زبان به سخن گشودن، درباره ماموریت پیامبری خود، تنها چند روزی پس از تولد. قرآن تصریح می کند که معجزات پیامبران، به اذن الهی صورت می پذیرفته اند.

کاتولیسسیسم: انجیل نیز، تعدادی از معجزات عیسی (ع) را بر می شمرد، که از تعداد معجزات ذکر شده در قرآن، کمتر می باشند.

■ **اسلام:** اسلام، عروج عیسی (ع) را بازمی شناسد، بدون آنکه به صلیب کشیده شده باشد.

کاتولیسسیسم: عروج عیسی (ع) را، پس از مرگ، بر صلیب، و زنده شدن مجدد بازمی شناسد.

■ **اسلام:** بر اساس دیدگاه اسلام، عیسی (ع)، بوسیله معجزه ای از مصلوب شدن رهایی یافته و به سوی خدا، عروج نمود. این، یهودای خائن بود که به چشم دشمنان، شبیه به عیسی به نظر رسید و به جای او به صلیب کشیده شد. قرآن این مطلب را مورد تایید قرار می دهد که:

... وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ...

... و به یقین او را نکشته اند. بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد...

(قرآن کریم- آیات ۱۵۸-۱۵۷)

کاتولیسسیسم: به صلیب کشیده شد، زجر کشید و به خاک سپرده شد. سپس در روز سوم، جان دوباره گرفت و در این موقع بود که عروج وی به آسمانها بوقوع پیوست.

■ **اسلام:** عیسی (ع)، مانند دیگر پیامبران بزرگ، خدانشناس بود، بنابراین هیچگاه فکر نکرد که خداوند وی را ترک کرده باشد.

کاتولیسسیسم: بنابر روایت انجیل، هنگامی که عیسی (ع) بر روی صلیب در حال زجر کشیدن بود، گفت: " پسر، چرا مرا ترک کرده ای؟" که در

چنین صورتی، او از حضور خداوند غفلت ورزیده (و حضور همیشگی خداوند را مورد سوء ظن قرار داده بود).

■ **اسلام:** عیسی (ع) هیچ ترسی از مرگ به دل راه نمی داد، زیرا می دانست که مرگ برای وی، همچون دری است به روی بهشت و قرب الهی باز می شود.

■ **کاتولیسیسم:** عیسی (ع)، از مرگ می ترسید. پیش از مرگ، در جنسیمانی احساس اندوه نموده و به خاطر شکنجه ای که متقبل شد، اندوهگین گشت.

مقایسه موضوع گناه ذاتی

■ **اسلام:** آدم و حوّا، توسط خداوند و بدون وجود پدر و مادر خلق شدند و پدر و مادر همه ابناء بشر می باشند.

■ **کاتولیسیسم:** آدم و حوّا توسط خداوند و بدون وجود پدر و مادر خلق شدند و همچنین، نخستین نسل خدای پسر به حساب می آیند.

■ **اسلام:** آدم و حوّا، به خاطر گناهانشان بخشوده شدند.

■ **کاتولیسیسم:** آدم و حوّا، بخاطر سرپیچی از فرمان خداوند تنبیه شده و از بهشت اخراج شدند. زندگی سختی را تجربه کردند و بر روی زمین، به سختی کار کردند.

■ **اسلام:** زندگی، با بیگناهی آغاز می شود. همه کودکان، معصوم و بی گناه متولد می شوند و اگر کودکی، پیش از رسیدن به سن بلوغ از دنیا برود، وارد بهشت می شود. نه منطبق و نه عدالت اقتضا نمی کنند که کودکی بار گناه دیگران را، علی الخصوص بار گناه آدم و حوّا (ع) را هزاران سال پیش مرتکب شده اند را به دوش بکشد. گناهی که بنا بر اعتقاد اسلام، مورد عفو قرار گرفته است.

■ **کاتولیسیسم:** زندگی با گناه آغاز می شود. همه کودکان، به خاطر گناه آدم و حوّا، با "گناه ذاتی" متولد می شوند. در نتیجه، حتی اگر کودکی،

شاید در حالت جنینی، پیش از غسل تعمید از میان برود، وارد بهشت نشده بلکه، در برزخ باقی می ماند. پس از ادعای واتیکان، در طی قرون پیش، مبنی بر وجود برزخی ویژه کودکانی که غسل تعمید نشده اند، اخیراً پاپ، وجود برزخ را نفی نمود، بدون تعیین اینکه، کودکانی که پیش از غسل تعمید از دنیا می روند و لذا نمی توانند وارد بهشت شوند به کجا خواهند رفت.

یهودیت: "هر که گناه کند او خواهد مرد. پسر، متحمل گناه پدرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود." (انجیل - عهد عتیق - حزقیال نبی - فصل ۱۸ - آیه ۲۰)

■ **اسلام:** هر فرد، از زمانی که "عقل رس" شده یا به عبارتی، بالغ می شود، مسئول اعمال خویش است. در روز قیامت، پاسخگویی اعمال خویش است و نه دیگران. بر اساس اسلام، هر فرد، تنها، پاسخگویی اعمال خویش بوده و مسئولیت اعمال دیگران را بر عهده ندارد.

کاتولیسیسم: هر فرد، بار گناه آدم و حوٰی را به دوش می کشد.

■ **اسلام:** عیسی (ع) و پیامبران دیگر، به ابلاغ پیام خداوند پرداخته و دیگران را به پیروی از الگویی خویش فراخواندند. هر يك از ما، مسئول اعمال خویش هستیم.

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آنچه را آشکار یا کتمان می کنید می داند. (قرآن کریم - آیه ۹۹ از سوره مائده)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمِيلًا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

هیچ فردی بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد، و اگر سنگین باری برای حمل بارش، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند، چیزی از بارش حمل نشود (و کسی به او رحم نکند). تو تنها کسانی را که در نهان از پروردگارشان می ترسند و نماز به پا می دارند هشدار می دهی، و هر کس

(از گناه) پاک شود، پس این پاکی به نفع خود اوست و بازگشت (همه) تنها به سوی خداوند است. (قرآن کریم- آیه ۱۸ از سوره فاطر)

کاتولیسیسم: عیسی (ع)، بیش از دو هزار سال پیش، بواسطه ریخته شدن خون خویش، موجب شد گناهان ما بخشوده و "ما را از آنان رهانید".

■ **اسلام:** از آنرو که مسئولیت اعمال و کردار ما، بر عهده خودمان است، می بایستی هوشیاری خود را نسبت به خویش حفظ نماییم. بنابراین، هر آنچه که به هوشیاری ما خدشه ای وارد نماید ممنوع تلقی می گردد، همان دلیلی که سبب حرام بودن شراب در اسلام شده است.

کاتولیسیسم: مصرف الکل مجاز بوده و در مراسم مذهبی همچون، عشای ربانی و مراسم عبادی، شراب نوشیده و آن را سمبل خون خدای پسر محسوب می کنند. آنها معتقدند که حضرت مریم (ص) برای میهمانان مشروب سرو می کرد و وقتی مشروب تمام می شود با معجزه حضرت مسیح (ع) آب به شراب تبدیل شده و کمبود مشروب میهمانی آن روز بر طرف می گردد.

یهودیت: شراب استهزا می کند و مسکرات عربده می آورد، و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست. (انجیل- امثال سلیمان نبی- فصل ۲۱- آیه ۱)

مقایسه: ازدواج

■ **اسلام:** روابط زناشویی، لازم بوده و به گفته حضرت محمد (ص): "ازدواج، نصف دین است."

کاتولیسیسم: روابط زناشویی، به عنوان عملی برای تولد فرزندان برقرار گردیده و در مورد کشیشان و راهبان زن و مرد، عزب ماندن، موجب قرب به خدا محسوب می شود.

■ **اسلام:** ازدواج، بر مجرد ارجحیت دارد و ازدواج کردن، بهتر از باکره یا عزب ماندن می باشد.

کاتولیسیسم: عدم ازدواج راهبان زن ارجح بوده و بدین ترتیب، ایشان می بایستی باکره باقی بمانند.

■ **اسلام:** روحانیون در اسلام، ازدواج می کنند. بر اساس اندیشه اسلامی، "ازدواج، زن و مرد را به خدا نزدیکتر می کند."

کاتولیسیسم: روحانیون کاتولیک، مانند راهبان یا کشیشان، (با مجرد) از قرب بیشتری به خدا برخوردارند، می بایستی عذب بمانند.

■ **اسلام:** طلاق، یک "بد مجاز" بوده و می تواند به عنوان راه حلی برای یک ازدواج شکست خورده به کار آید. ازدواجی که در آن، زوج دیگر نمی خواهد به زندگی در کنار هم، ادامه دهد.

کاتولیسیسم: طلاق (اگرچه امروزه در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است)، اکیداً ممنوع می باشد و تنها پاپ، مجاز به لغو یک ازدواج می باشد.

■ **اسلام:** تعدد زوجات مجاز می باشد زیرا آنرا به چشم راه حلی مشروع، به هنگام بروز عدم تعادل جمعیتی، می نگرد. یعنی زمانی که تعداد زنان، نسبت به مردان بیشتر است. (همچنین، بنابر مقتضیات، می تواند راه حلی برای دیگر ضرورتها باشد). حضرت ابراهیم (ع)، بالنفسه، دو همسر بود.

کاتولیسیسم: تعدد زوجات را بدون احتساب شرایط جمعیتی، غیر مجاز می داند با وجود اینکه در بسیاری از کشورها، جمعیت زنان بسیار بیشتر از جمعیت مردان است.

مسیحیان ازدواج حضرت ابراهیم (ع) با هاجر (س) و فرزندشان اسماعیل (ع) را گناه دانسته و حضرت اسماعیل (ع) را فرزند نامشروع این ارتباط گناه آلود می دانند!!

■ **اسلام:** ترتیباتی در اسلام وجود دارد که بنابر احکام مکتب شیعه، ازدواج موقت را مجاز می شمارد.

کاتولیسیسم: ازدواج موقت را جایز نمی داند.

■ **اسلام:** تفاوتی میان فرزندان متولد شده، در انواع و اقسام ازدواج مشروع وجود ندارد. همه آنها مشروع شناخته شده و از حقوق مشابه از جمله در ارث برخوردارند و پدر، همواره مسئول نگهداری و هزینه های زندگی آنان است.

کاتولیسیسم: تعدد زوجات را نپذیرفته و در مورد فرزندان متولد شده در روابط خارج از ازدواج، تبعیض قایل است. (آنان را نامشروع می داند)

■ **اسلام:** در اسلام، نیازی به فرد روحانی، به عنوان واسطه ای برای انجام مراسم ازدواج نمی باشد. زوج های مسلمان، با توافق بر سر مسائل و بر زبان جاری ساختن توافق کلامی به عقد یکدیگر درمی آیند. اگرچه به منظور رعایت قانون مدنی، آنرا در دفترخانه ای به ثبت خواهند رسانید.

کاتولیسیسم: حضور فرد روحانی برای اجرای مراسم ازدواج و امضای اسناد، لازم می باشد.

مقایسه: زن

■ **اسلام:** ارضای جنسی در اسلام، به روابط زناشویی محدود می شود و تحریک جنسی در محیط اجتماع، جایز شمرده نمی شود.

فرهنگ اروپایی یا غربی: تحریک جنسی در روابط اجتماعی و حرفه ای، امری پسندیده محسوب می شود.

■ **اسلام:** جاذبه جنسی (و لذت) از ارزش های خلوت زناشویی است و هرگز نباید به ارزش های اجتماعی، تجاری و حرفه ای مبدل شوند.

فرهنگ اروپایی یا غربی: جاذبه جنسی در ازدواج و محیط های اجتماعی، تجاری یا حرفه ای به عنوان یک ارزش معتبر می باشد.

■ **اسلام:** زن مسلمان، به هنگام خروج از خانه خود را می پوشاند تا همچنانکه شیوه مریم (ع) بود، از جلب توجه یا جاذبه محرك اجتناب ورزد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: بسیاری از زنان، (اگرچه نه همه آنها)، بوسیله نوع لباس و پیروی از مد، عادت به تهییج جاذبه جنسی در محیط اجتماع دارند.

■ اسلام: بهره گیری از سکس، در اجتماع، بعنوان يك محصول تجاري، توهینی به اصالت زن به حساب آمده و از همین رو، ممنوع می باشد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: استفاده ابزاری از جنس مؤنث حتی ترغیب به آن، برای تبلیغ محصولات بازرگانی، امری عادی و بلکه ضروری بوده و به آزادی قابل انجام است.

■ اسلام: زن مسلمان، در روابط اجتماعی، به دنبال ایجاد تحریک، از طریق جاذبه فیزیکی خود نبوده و جذابیت جنسی زنانه خویش را در خدمت اهداف تجاری قرار نمی دهد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: جاذبه فیزیکی، نقش يك ارزش را در عرصه اجتماع و تجارت بازی می کند.

■ اسلام: زن مسلمان، آرایش و لذت زناشویی را در روابط با همسر خود تجربه می کند، اما، به هنگام خروج از خانه، آرایش را از خود می زداید.

فرهنگ اروپایی یا غربی: بسیاری از زنان غربی، (اگرچه، نه همه آنان)، آرایش کرده و در خارج از خانه، رفتاری تحریک کننده و شهوانی در پیش می گیرند.

■ اسلام: فحشا در اسلام، حرام شمرده می شود.

فرهنگ اروپایی یا غربی: فحشا، قابل قبول بوده و حرفه ای مجاز به حساب می آید. کافی است که مانند سایر مشاغل بهداشت را رعایت کرده و مالیات درآمد حاصله را بپردازند. در غرب دیگر از کلمه فاحشه استفاده نمی کنند و از عبارت خدمات رسانان سکس استفاده می کنند.

■ اسلام: همجنس بازی، چه از نوع مذکر و چه از نوع مؤنث آن، در اسلام حرام و خلاف قانون طبیعت محسوب می شود. فردی که به اثر

نقص در تولد دوجنسی متولد می‌شود، از حق انجام عمل جراحی، پس از رسیدن به سن بلوغ، برای تبدیل به زن یا مرد برخوردار می‌باشد.

فرهنگ اروپایی یا غربی: همجنس‌بازی از هر دو نوع مذکر و مؤنث آن، مورد قبول بوده و جزئی از حقوق بشر و قانونی شمرده می‌شود. در برخی از کشورها، زوج‌های همجنس‌باز، از حق ازدواج برخوردار بوده و حتی می‌توانند کودکان بی‌سرپرست را به فرزندی بپذیرند.

اگر فرهنگ غرب، تحت عنوان "تمایل آزادانه افراد بالغ"، همجنس‌بازی را می‌پذیرد، زنانی با محارم را نیز نمی‌توان از این حیطه خارج دانسته و این امر هم می‌تواند مورد پذیرش قرار گرفته و در چارچوب حقوق افراد بالغی قرار گیرد که به میل خود با این عمل موافق هستند. در آینده زنانی با محارم نیز بخشی از حقوق بشر محسوب خواهد گردید.

مباحثه با راهبه ارتدکس

در ملاقات دکتر قدیری ابیانه با مادر دیونسیا

در تاریخ چهارم تیر ماه ۱۳۸۶ مادر دیونسیا، راهبه مرکز مسیحیان ارتدکس مکزیك به دعوت دکتر قدیری ابیانه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیك، در محل سفارت با ایشان دیدار نمود.

در این دیدار در مورد موضوعات مشترك و نیز تفاوت‌های دین مبین اسلام و مسیحیت به ویژه ارتدکس نظیر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله ازدواج، فلسفه خلقت انسان، فلسفه حجاب، و سایر موارد مرتبط گفت‌وگو و تبادل نظر گردید که مشروح آن به شرح ذیل است:

قدیری: ما معتقدیم که خداوند برای هدایت بشر پیامبران متعددی را مامور کرده است. ما، پیامبران الهی در مقاطع تاریخی مختلف را مثل معلمین مقاطع مختلف تحصیلی می‌دانیم. معلم مقطع دانشگاه آموخته‌های معلمین مقطع دبیرستان را تکذیب نمی‌کنند بلکه آن را تکمیل می‌نمایند. معلمین مقطع دبیرستان هم آموخته‌های دوران دبستان را تکمیل می‌نمایند.

ما معتقدیم که حضرت عیسی مسیح^(ع) پیامبر بزرگ الهی است و حضرت مریم را فردی مقدس و باکره می‌دانیم. ما هدایت‌های حضرت مسیح را مکمل هدایت‌های حضرت موسی^(ع) می‌دانیم و معتقدیم که پیامبر اسلام^(ص) نیز هدایت‌های ادیان الهی قبلی را تکمیل کرده است.

معتقدیم که کلام خدا بر تمامی پیامبران نازل شده است. به عبارتی نمی‌توان مسلمان بود و حضرت عیسی مسیح و یا حضرت موسی را مقدس ندانست. به عبارتی دیگر ما نیز مسیحی هستیم، منتهی حضرت عیسی را فرزند خدا نمی‌دانیم بلکه او را پیامبری بزرگ محسوب می‌کنیم. هر چند که می‌دانیم که او پدر نداشت و حضرت مریم باکره بود. به معجزات متعدد حضرت مسیح نیز اعتقاد داریم و در قرآن ذکر شده است. سوره‌ای در قرآن به نام مریم وجود دارد. معتقدیم که آن پیامبری که حضرت مسیح وعده ظهور آن را دادند همان پیامبر اسلام است.

پیامبر اسلام مانند سایر پیامبران الهی سواد خواندن و نوشتن نداشت تا کسی نتواند کلام آنها را آموخته‌ها از آموزگاران نسبت دهد.

حدود يك هزار و چهارصد سال قبل پیامبر بزرگوار اسلام فرموده است: «شکستن شاخه درخت مانند شکستن بال فرشتگان است.» و یا فرمودند: «اگر کسی فردي را به خاطر فقرش تحقیر و یا به خاطر ثروتش ستایش کند به جنگ با خدا پرداخته است.»

اکنون شاهدیم که احزاب بسیاری در حمایت از محیط زیست فعال و قوی هستند و حتی نامشان را نظیر «حزب سبز» از آن گرفته‌اند. کدام حزب سبز یا طرفدار محیط زیست تا کنون شعاری با این استحکام در مورد حفظ محیط زیست داده است؟ این عبارات نمی‌توانند کلام بشر باشند. اینها کلام خدا است.

زن در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. اکثریت زنان ایران مانند شما - راهبه‌ها - لباس می‌پوشند.

فلسفه حجاب در اسلام را خدمتتان توضیح می‌دهم. خدا انسان را با ویژگی‌های متفاوت آفرید. انسان برای زنده ماندن باید انرژی کسب کند و کسب انرژی از طریق خوردن است. اگر غذاها تلخ و بد مزه و بد بو می‌بود؛ انسان چاره‌ای جز خوردن نداشت تا بتواند زنده بماند، همانگونه که داروهای تلخ را برای زنده ماندن مصرف می‌کند؛ اما چون خدا ارحم الراحمین است خواسته است که تامین نیاز بشر توأم با لذت باشد. لذا قدرت چشایی را در دهان ما قرار داد و این همه محصولات متنوع را خلق کرد. به نحوی که زمان صرف غذا زمان مطلوب و لذت بخشی برای ما محسوب می‌گردد. بقا نسل بشر نیز بر پایه رابطه زن و مرد استوار است. خدا خواست این ارتباط نیز مطلوب باشد و بنابراین جذابیت جنسی متقابل مرد و زن را در آفرینش انسان مقرر داشت که این جذابیت از نظر اسلام نعمتی الهی و ارزشی مطلوب است. این نقطه مشترک اسلام با فرهنگ رایج غربی است.

در اسلام جذابیت جنسی یک ارزش زناشویی است ولی در غرب علاوه بر ارزش زناشویی، ارزشی اجتماعی نیز محسوب می‌گردد؛ به این معنا

که اگر زنی در غرب جذاب باشد بیشتر مورد احترام است و راحتتر شغل پیدا می‌کند. البته من از فرهنگ غرب صحبت می‌کنم و نه از مسیحیت.

اسلام برای اینکه جذابیت جنسی در روابط زناشویی وجود داشته باشد ولی از روابط اجتماعی حذف گردد راه‌های مختلفی ارائه می‌کند که یکی از آنها حجاب است. در این صورت وقتی زنی محجبه وارد جامعه می‌شود زیبایی و جذابیت جنسی او حذف و توانمندیهای فکری او بروز می‌کند. هفتاد درصد از ظرفیت دانشگاه‌های ایران در اختیار زنان است و آنها حتی در المپیاد رشته‌های مختلف علمی موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند.

نه مرد و نه زن نباید به عنوان عنصر جذاب از نظر فیزیکی وارد جامعه شوند. علت تفاوت در نوع پوشش به دلیل تفاوت زن و مرد در نوع خلقت است. دانشمندان غربی در زمینه تحریک پذیری مرد و زن آزمایشاتی انجام داده‌اند که نتیجه آن نشان می‌دهد تحریک پذیری جنسی مرد از طریق نگاه بیشتر از تاثیرپذیری زن از طریق نگاه است. بر همین اساس زن بایستی پوشیده‌تر باشد.

معتقدیم که حضرت مریم^(س) محجبه بوده‌اند. هیچگاه وصف اندام او را نشنیده و نخوانده‌ایم زیرا با حجاب خود اجازه نداده‌اند که از این جنبه مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرند. در موزه لوور پاریس تابلوی نقاشی‌ای از حضرت مریم^(س) در محیطی باز با زنان و سایر افراد هم‌عصرش به نمایش گذاشته شده است. البته نقاشی به عصر دیگری تعلق داشته ولی در این نقاشی تصور نقاش از آن زمان متجلی شده است. در این نقاشی حضرت مریم^(س) با تعدادی از زنان با حجاب کامل و تعدادی زن بی حجاب در محیطی باز دیده می‌شوند که در مقابل یکدیگر به گفتگو مشغولند. این تصویر نشان می‌دهد که (حداقل در تصور نقاش) حجاب حضرت مریم^(س) لباسی سنتی نبوده است زیرا دیگر زنان در محیط عمومی بدون حجاب بودند.

در اسلام فلسفه حجاب، آزادی روابط اجتماعی از تاثیرپذیری جذابیت‌های جنسی است. در جوامع اسلامی هر چه سن زنان بالاتر رود محترم‌تر می‌باشند. اما در غرب پرسیدن سن زنان مسن یک سوال نامطلوب

محسوب می‌شود، زیرا آنها از بیان سن خود پرهیز می‌کنند و از آنجایی که مسن بودن به معنی از دست دادن زیبایی‌های فیزیکی است از نظر اجتماعی نامطلوب محسوب می‌گردد.

دختران محجبه که مایل نیستند اندام خود را نمایش دهند در فرانسه از ادامه تحصیل محروم می‌شوند. زنان محجبه در بعضی مشاغل منع شده‌اند و این در حالی است که فحشا و همجنس‌گرایی در فرانسه و سایر کشورهای غربی ترویج می‌گردد.

مادر روحانی: از اینکه شما در بیان اعتقادات خود آزادانه رفتار می‌کنید خوشحال هستم و به شما احترام می‌گذارم. چهره شما نورانی است مانند کسی است که راهش را یافته است. شما مانند کسانی هستید که به انسانها نزدیک می‌شوید و می‌خواهید با آنها تبادل نظر کنید و از بیان اعتقادات خود هراسی ندارید. شنیدن صحبت‌های شما جالب است. من مسیحی ارتدکس هستم. بر این باورم که مسیح خدای واقعی است و مادرش مادر خداست و به تثلیث - خدا، پسر و روح القدس - ایمان دارم. در انجیل در مورد زن و رابطه زن و شوهر مطالبی آمده است. از نظر ما پوشش در مسیحیت ارتباطی با زن ندارد. برای اینکه زندگی راهبه زندگی خاصی است. بنابراین تمامی راهبه‌ها یکنواخت لباس می‌پوشند و تفاوت ما در پوشیدن مقنعه است. زنی که به عنوان راهبه وارد کلیسا می‌شود خود و زندگی‌اش را به خدا اختصاص می‌دهد و سرش را می‌پوشاند. معتقدیم که زن پوشیده وارد کلیسا شود. در گذشته سرشان را می‌پوشانیدند.

این لباس - اشاره به لباسش - پوشش مختص حضرت مریم^(س) در آن زمان نبود و تمامی زنان اینگونه می‌پوشیدند. جهان به سمت گناه پیش می‌رود و تدریجا از تعالیم کتاب مقدس فاصله می‌گیریم. یک راهبه زندگی خدایی را ادامه می‌دهد. زنی که برای راهبه شدن وارد کلیسا می‌شود خودش تصمیم می‌گیرد. راهبان - مردها - نیز از آنجایی که زن در زندگی شان نیست، خود و زندگی‌شان را وقف خدا کرده‌اند، ریش و موهایشان را بلند می‌کنند. رنگ سیاه پوشش راهبه‌ها و راهبان در مسیحیت مفهوم خاصی دارد و نشانه مرگ در جهان است. به همین خاطر من شنا و رقص نمی‌کنم و برای خدمت به خدا و کمک به نیازمندان آماده‌ام. فلسفه

ما آمادگی برای مرگ است. بر اساس کتاب مقدس حضرت مسیح باز خواهد گشت.

دست ندادن ما با مردان نیز به دلیل این است که ما خود را به خاطر گناه حضرت حوا گناهکار دانسته و خود را شایسته دست دادن با مردان نمی‌دانیم.

قدیری: ما شیعیان به عروج حضرت عیسی^(ع) معتقدیم و بر این باوریم که شخصی مشابه ایشان به صلیب کشیده شده است. ضمناً معتقدیم که حضرت مسیح^(ع) با حضرت مهدی^(عج) امام دوازدهم شیعیان ظهور خواهند کرد و جزو یاران ولی عصر^(عج) خواهند بود.

معتقدیم که او هرگز ادعا نکرد که فرزند خدا است و معتقدیم دیگران از فرط علاقه به او چون پدر نداشت او را فرزند خدا نامیدند. حال آنکه حضرت آدم و حوا نه پدر داشتند و نه مادر و کسی ادعا ندارد که آنها فرزند خدا هستند بلکه همگی آنها را مخلوق خدا می‌دانیم.

همچنین ما معتقدیم که هر کس مسئول اعمال خود می‌باشد و زنان نیاید به خاطر خطای حضرت حوا احساس گناه کنند و پاسخگویی اشتباه او باشند. ضمناً معتقدیم که خداوند حضرت آدم و حوا را بخشیده است و جایگاه آنها بهشت است. ضمناً ما حضرت مریم^(س) را نیز معصوم می‌دانیم. فلسفه دست ندادن زنان در اسلام نیز برای رعایت مقام زن و احترام به او است.

مرگ حق است و دنیای دیگری وجود دارد. حضرت علی^(ع) امام اول شیعیان در این رابطه می‌فرمایند: دنیا مزرعه آخرت است. ما مسلمانان خدا را یکی می‌دانیم. ما معتقدیم که همه انسانها شایسته ورود به بهشت هستند و این آنها هستند که با اعمال خود راهی بهشت می‌شوند و یا خود را از آن محروم می‌سازند.

ما معتقدیم که اگر کسی فردی را نجات دهد مثل این است که تمامی بشریت را نجات داده است. پوشش سیاه در جوامع اسلامی به علامت مرگ نیست بلکه به دلیل جلوگیری از بازتاب نور و ممانعت از نمایان

شدن اندام بدن می‌باشد. از سوی دیگر پوشیدن لباسهای رنگی به شرط رعایت حجاب و نمایان نشدن بدن بلامانع است.

نقاط مشترك بين ادیان اسلام و مسیحیت نیز زیاد است. می‌توانیم به عنوان پیروان دو مذهب مهم الهی با اهداف مشترك علیه پورونوگرافی، فساد، بی‌عدالتی و حمایت از ستمدیدگان و خیلی امور دیگر همکاری کنیم.

انتظارم از شما خواهر مذهبی این است که مثلاً زمانی که زنان مسلمان محجبه در فرانسه از تحصیل محروم می‌شوند اعتراض کنید. اگر حضرت مریم امروز حضور داشت در فرانسه و برخی کشورها برای او حق تحصیل و کار قائل نبودند.

مادر روحانی: یکی از مادران مقدس در فرانسه در رشته حقوق تحصیل می‌کرد. به او گفتند که به خاطر حجاب نمی‌توانی تحصیل کنی. او گفت این عادلانه نیست و اگر به من فشار بیاورید مساله را به مطبوعات می‌کشانم. این مادر مقدس در آنجا انقلابی به پا کرد و نهایتاً مسئولان مجبور شدند که حجاب او را بپذیرند.

قدیری: در مورد اقلیتهای مذهبی در ایران باید بگویم که آنها از احترام ویژه‌ای نزد مردم برخوردار هستند. از آنجایی که تعداد آنها کم است و در تمامی مناطق پراکنده‌اند نمی‌توانند در انتخابات منطقه‌ای موفق شوند. ما برای حضور اقلیتهای دینی در مجلس، شرایطی را فراهم کردیم که انتخابات برای آنها سراسری باشد. در حال حاضر جامعه مسیحیان دو نماینده و یهودیان یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند.

این را هم بگویم که به اعتقاد ما بین صهیونیستها و یهودیها فرق است هر چند يك صهیونیست می‌گوید که یهودی است. مثلاً طالبان در افغانستان نماینده اسلام محسوب نمی‌شوند. همانطور که فاشیسم و نازیسم علی‌رغم ادعای مسیحی بودنشان برابر با مسیحیت نیستند و همینطور صهیونیست با یهودیت هم‌تراز نیست. ما صهیونیسم را مثل فاشیسم و نازیسم حزب و جریان جنایتکار می‌دانیم در حالی که یهودیت و مسیحیت را ادیان الهی می‌شناسیم و برای پیروان واقعی آنها احترام زیادی قائل هستیم.

ما از حق خواهران روحانی برای تحصیل در ایران حمایت می‌کنیم و توقع داریم شما نیز از حقوق زنان مسلمان در جوامع مسیحی حمایت کنید. در یونان فیلمی اهانت آمیز علیه حضرت عیسی مسیح^(ع) به نمایش گذاشته شد که ما در ایران به اکران این فیلم اعتراض کردیم. در ایران توهین به پیامبران و به ویژه حضرت عیسی^(ع) و حضرت مریم^(ص) جرم و توهین به اسلام محسوب می‌شود. این باور ما است.

مادر روحانی: موضع شما از مواضع بسیاری از مسیحیان و حتی ارتدکس‌های یونان بهتر بود زیرا اغلب ارتدکس‌ها متوجه این بی‌حرمتی نشدند؛ از این جهت شما يك مسیحی واقعی هستید. حتی یکی از هنرپیشه‌های این فیلم نیز ارتدکس بود. من از ملاقات و گفتگو با شما خوشحال شدم و از جنابعالی برای بازدید و گفتگو به کلیسای ارتدکس دعوت می‌کنم.

در پایان، دکتر قدیری يك جلد قرآن و يك لوح فشرده حاوی فیلم مریم مقدس اهدا نمود که مورد استقبال راهبه ارتدکس مذکور قرار گرفت.

مصاحبه: اسلام و مسیحیت

سرویس صفحات سبز خبرگاری ابنا:

«کتر محمدحسن قدیری ابیانه» از سن هیجده سالگی برای تحصیل عازم ایتالیا شد و در سن ۲۰ سالگی، ۵ سال پیش از انقلاب اولین انجمن اسلامی دانشجویی را بنیانگذاری کرد. دکتر قدیری از همان زمان تا بعد از انقلاب که به استخدام وزارت امور خارجه درآمد همواره با اتباع غیرمسلمان - بخصوص مسیحیان - در ارتباط بوده و از این طریق، شناختی درست و دقیق از تفکرات مخاطبین غربی و مسیحی به دست آورده است.

وی مدتی سفیر جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا و استرالیا بود و اکنون نیز مسئولیت سفارت ایران در مکزیک را بر عهده دارد. ایشان علاوه بر این دارای دکترای علوم دفاعی استراتژیک با گرایش مدیریت استراتژیک، دکترای معماری و شهرسازی، معمار پایه یک و عضو نظام مهندسی است.

آنچه می‌خوانید متن سخنرانی ایشان در "اولین نشست موج سوم شکوفایی شیعی در جهان" است که به همت خبرگزاری ابنا (وابسته به مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام) و پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم) برگزار شد:

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم خدمت حضار عزیز و تشکر می‌کنم از حضورتان. همچنین تشکر می‌کنم از دعوتی که صورت گرفت تا در جمع شما عزیزان به بیان تجربیات خود بپردازم.

نحوه برخورد با منتقدان صادق

در طول مدتی که من در اروپا و آمریکا با مسیحیان روبرو بوده‌ام ظاهر امر این بود که آنها نسبت به اسلام، خصومت - یا حداقل اعتراض و انتقاد شدید - دارند. این ناشی از تبلیغات غرب بود؛ چرا که غرب، حقایق اسلام را تحریف می‌کند. اما وقتی با افراد صحبت می‌کردم و مثلاً درباره

فلسفه حجاب و یا سایر مسائل اسلامی توضیح می‌دادم، آمادگی خوبی در آنها برای پذیرش اسلام می‌دیدم تا جایی که دیدگاه آنها کاملاً تغییر می‌کرد.

بنابراین می‌توان گفت حتی زمانی که افراد خصومت دارند - البته خصومت صادقانه - وقتی حقایق به آنها گفته شود جزو طرفداران سرسخت اسلام می‌شوند؛ چون آنها واقعاً تصور می‌کنند که ما راهمان اشتباه است. منتهی ما باید بلد باشیم اسلام را چگونه عرضه کنیم.

مثلاً در تجربیات اخیرم در کشورهای آمریکای لاتین، گاهی سؤال می‌کنند: «چرا شما در حق زنان اجحاف و ظلم می‌کنید؟ چرا از تروریسم حمایت می‌کنید؟ چرا به خشونت متوسل می‌شوید؟ چرا صلح جهانی را به خطر می‌اندازید؟ و...» اما وقتی جواب آنها را می‌دهم، کاملاً زیر و رو می‌شوند. موارد متعددی بوده که در جلسه ۲ تا ۳ ساعته، افراد مسلمان شده‌اند. یعنی با اعتراض و انتقاد می‌آیند و با شهادتین می‌روند!

برای خود من خیلی جالب بود که مردم این قدر سریع در مابِل اسلام خاضع می‌شوند؛ به خصوص در آمریکای لاتین.

مسیحیت در آمریکای لاتین؛ هم‌زاد استعمار

اغلب مردم آمریکای لاتین مسیحی‌اند. ولی مسیحیت با استعمار وارد این کشورها شده است و لذا وقتی نقاشی‌های تاریخی که در کلیسا یا در کاخ ریاست جمهوری وجود دارد را می‌بینید، روحانیون مسیحی را با چهره‌های خشن در کنار شکنجه‌گران نشان می‌دهند. این کشیش‌ها حتی گاهی خودشان هم در کنار نظامیان استعمارگر و در کنار سرمایه‌داران در شکنجه مشارکت می‌کردند! بنابراین می‌بینید انقلابی که در مکزیک به پا شد یک انقلاب ضد دینی بود، چون مردم همیشه کلیسا را در کنار زورگویان دیده‌اند. باصطلاح مسیحیت با استعمار وارد آمریکای لاتین شد. سفیر یکی از کشورهای آمریکای جنوبی در مکزیک به من می‌گفت: «مسیحیت با نژادپرست‌ها وارد آمریکا شد، نژادپرست‌های سفید پوست بودند که آنها را به بردگی می‌گرفتند و باعث گسترش مسیحیت می‌شدند». از طرف دیگر آمریکای لاتین تحت تأثیر شدید تبلیغات و

فرهنگ فاسد آمریکایی است. لذا این کارها یک مقدار تعصب دینی را که مدت‌ها وجود داشت، تضعیف کرده و این تضعیف تعصب دینی، باعث شده که بدون تعصب به اسلام نگاه کنند، البته اگر اسلام را به آنها عرضه کنند.

از سوی سوم، تاریخ آمریکای لاتین پر است از جنایت و تجاوز. کودتاهای زیادی با دسایس آمریکا در آمریکای لاتین صورت گرفته است. ۸۰ درصد سرزمین‌های خود مکزیک از سوی آمریکایی‌ها اشغال شده است و الان جزو اسالات آمریکا به شمار می‌رود. بنابراین از نظر تاریخی یک حس بدبینی شدید نسبت به آمریکایی‌ها در آمریکای لاتین وجود دارد. این حس، اکنون هم به دلیل بدرقتاری آمریکایی‌ها در ایالات متحده با مهاجرین آمریکای لاتین تشدید هم می‌شود.

اطلاعات غلط درباره اسلام

اما اطلاعات آنها در ارتباط با ایران و اسلام، اطلاعاتی است که از طریق رسانه‌های آمریکایی دریافت می‌کنند، لذا در مرحله اول که با آنها راجع به اسلام صحبت می‌کنید، می‌بینید که برداشت آنها از اسلام، برداشتی است که آنها القا می‌کنند؛ یعنی یک دین خشن، تروریست، و عقب‌افتاده که حجاب را به زن‌ها تحمیل می‌کند!

البته سیاست‌های ضد استعماری ایران در طول انقلاب و به خصوص در ایام اخیر به دلیل ضدیت ذاتی مردم آمریکای لاتین با آمریکا تا حدی مورد پسند آنهاست، اگر چه در مورد مواضع ایران هم تحریف‌هایی صورت می‌گیرد ولی با این وجود همین قدر که ایران در مقابل آمریکا ایستاده آن را تمجید می‌کنند.

حالا بحث ما در این ۲ - ۳ ساعت چه بوده که کسانی که با سؤال و انتقاد وارد بحث می‌شدند، بعد هم شهادتین را می‌گفتند و می‌رفتند، این روش را می‌خواهم برای شما مطرح کنم.

در این دوسه ساعت از تمام اقشار زن مرد استاد دانشگاه قاضی و غیره بوده اند که به اسلام گرویده‌اند.

جایگاه مسیحیت و ادیان الهی در اسلام

ابتدا بحث را از جایگاه مسیحیت در اسلام و ادیان الهی در اسلام شروع می‌کنم البته بستگی به موقعیت و شخص نیز دارد. یک نقدی به اسلام می‌زند که شما چرا می‌خواهید بمب هسته‌ای درست کنید؟ شما خطرناک هستید؟ خوب جواب شما چیست؟

من معمولاً این گونه وارد می‌شوم که ما چون مسلمانیم این تبلیغات دروغ است.

می‌گویند چه ربطی دارد؟

اشاره می‌کنم به آیات سوره مائده که می‌فرماید اگر کسی، فردی را به قتل برساند انگار همه بشریت را به قتل رسانده است، داده است. بمب هسته‌ای بین بی‌گناه و گناهکار نمی‌تواند تفکیک کند، چون کشتن یک بی‌گناه مساوی است با کشتن بشریت، با این مخالفیم و از نظر دینی نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم، وقتی نمی‌توانیم استفاده کنیم چرا تولید کنیم. این داستان شیرین را هم چندین بار گفته‌ام که زنی می‌خواست اسب خود را به اسطبل ببرد، اما اسب امتناع می‌کرده و به اسطبل نمی‌رفته، این زن مقداری علف در دامن خود می‌ریزد و اسب را به دنبال خودش به اسطبل می‌کشاند و وارد اسطبل می‌کند، بعد هم در اسطبل را می‌بندد و علف را به اسب نمی‌دهد، پیامبر گرامی اسلام (ص) که این صحنه را مشاهده می‌کردند، به آن زن می‌گویند وعده دادی، عمل کن. از روایت چنین نتیجه می‌گیرم؛ ما وعده‌ای که به یک حیوان بدهیم وظیفه داریم عمل کنیم، بنابراین وقتی که معاهده ان. پی. تی سازمان انرژی هسته‌ای را امضا می‌کنیم پای امضای خود نیز متعهدیم.

به این بهانه حدیثی، روایتی، آیه‌ای را هم می‌خوانم. اما چون مخاطب ما مسیحی است دیدگاه اسلام درباره حضرت مسیح و حضرت مریم (ع) را بین می‌کنم و این طور من شروع می‌کنم. در یک مدرسه معمولاً یک امتحان پایان سال گرفته می‌شود، اگر معلم در این امتحان سؤالاتی مطرح کند که قبلاً آموزش نداده و بخواهد این دانشجو یا دانش آموز را رد کند، دانش آموز و دانشجو اعتراض می‌کند و می‌گوید این عادلانه نیست، درسی که نداده‌ای چرا امتحانی می‌گیری؟ شما باید سؤالات

امتحانیت از درس‌هایی باشد که قبلاً تدریس کرده‌ای و گر نه این امتحان عادلانه نیست و بابت درسی که ن داده‌ای حق نداری مرا رد کنی. در جهان هستی نیز خداوند بهشت و جهنم را آفرید. روز قیامت هست، جهنم با آن وضعیتش، بهشت با آن وضعیتش. خوب خدا بیاید روز جزا بگوید چون این کار خوب را نکردی، یا این کار بد را انجام دادی می‌فرستمت جهنم. با آن وضعیت اگر بپرسند خدایا به ما درس دادید که می‌خواهید از ما امتحان بگیرید؟ کی گفتید که چه چیز خوب است و چه چیز بد است؟ دعوت کردید به حق؟ اطلاع دادید که روز جزایی هست؟ گفتید جهنم چگونه است؟ گفتید بهشت چگونه است؟ که حالا ما را می‌خواهید روانه جهنم کنید. اگر آن تعلیم و تدریس نباشد، ارسال به جهنم و بهشت عادلانه نخواهد بود، لذا اعزام پیامبران الهی بخشی از عدالت الهی است. خداوند پیامبران الهی را مأمور کردند در بین مردم بروند و حقایق را مطرح کنند، خوب و بد را به مردم تعلیم بدهند، یادآوری کنند که روز جزایی هست، روز امتحانی هست و اگر کسی امتحان قبول نشود جایش کجاست و اگر کسی قبول بشود جایش کجاست. بنابراین اعزام پیامبران الهی بخشی از عدالت الهی است. ما همه پیامبران الهی را قبول داریم، پیامبران الهی مثل معلمان از مدرسه تا بالاترین درجات علمی هستند، هر معلمی آنچه در سال قبل تدریس شده را تأیید می‌کند و کامل می‌کند، حضرت مسیح (ع) آموزه‌های حضرت موسی (ع) را تأیید و کامل کرد، حضرت موسی آموزه‌های حضرت ابراهیم را تأیید و تکمیل کرد.

حال چرا در دبستان کلاس اول ریاضیات دوره دبیرستان را یاد نمی‌دهند؟ چون کشش وجود ندارد، در دبستان یاد می‌دهند یک به اضافه یک مساوی دو. لگاریتمی که بعداً در دبیرستان درس می‌دهند در تضاد با یک به اضافه یک نیست، بلکه مکمل و ادامه آن است. همه معلمین در یک مسیرند، همه پیامبران الهی هم در یک مسیرند.

ما همه پیامبران الهی را قبول داریم. ما حضرت مسیح را قبول داریم. ما حضرت موسی را قبول داریم. ما حضرت موسی را قبول داریم. پیامبر گرامی اسلام (ص) وقتی از عیسی، موسی، یعقوب و سایر پیامبران نام می‌بردند می‌گفتند برادرم مسیح، برادرم موسی، برادرم ابراهیم، اصلاً عیسی، مریم، موسی، ابراهیم، یعقوب، یوسف، اسماعیل و اسحاق،

اسامی اسلامی هستند؛ توهین به هر یک از اینها توهین به اسلام محسوب می‌شود.

اینها را که می‌گوییم، می‌گویند ما نمی‌دانستیم، چنین چیزهایی را اصلاً در قرآن سوره‌ای است به نام مریم، یک پیرمرد ۷۵ ساله می‌گفت: من خیلی عصبانی‌ام، تا حالا نمی‌دانستم که مسلمان‌ها یک چنین جایگاهی برای مسیحیت قائل هستند، به ما نگفته‌اند، سعی کرده‌اند دشمنی با مسلمان‌ها را در دل ما بپرورانند. معجزاتی در قرآن ذکر شده که مسیحی‌ها برای حضرت مسیح، و برای حضرت مریم قائل نیستند. مثل میوه‌های بهشتی که برای حضرت مریم ارسال می‌شد، در انجیل از آن خبری نیست. مثلاً از سخن گفتن حضرت مسیح در کودکی در انجیل نیست.

آن‌ها می‌گویند مسیح به صلیب کشیده شد ما می‌گوییم این توهم است، حضرت مسیح به صلیب کشیده نشده، بلکه عروج پیدا کرده به آسمان. این هم معجزه دیگری است که ما می‌گوییم و آنها قبول ندارند. منتهی ما معتقدیم که حضرت مسیح پدر نداشت، مسیحی‌ها هم معتقدند، معتقدیم حضرت مریم باکره بود و همسر نداشت و تولد مسیح معجزه بود، اما به این دلیل حضرت مسیح را پسر خدا نمی‌دانیم، بلکه او را انسان و یک پیامبر بزرگ الهی با معجزات فراوان می‌دانیم. اگر هم می‌گوییم دلیل داریم.

بنده به عنوان سفیر با خبرنگارانی که دوره خبرنگاری دیده‌اند، مصاحبه می‌کنم. دوربین‌های تلویزیون هست، ضبط صوت هست، فردا می‌بینم خبر را يك جور دیگر نقل کردند، یا تحریف کرده‌اند، حالا انجیل که حدوداً بعد از سیصد سال نوشته شده و نه ضبطی بوده، نه تلویزیونی، نه ویدئویی؛ لذا معتقدیم تحریف صورت گرفته. حضرت مسیح را پیامبر بزرگ الهی می‌دانیم اما معتقدیم آنچه در انجیل هست در آن تحریف صورت گرفته، این با آن مسیحیت اصلی متفاوت است. هرگز حضرت مسیح بنا بر قول اسلام ادعای فرزندى خدا نکرده است، قرآن هم به این ادعا پاسخ داده که تولد حضرت مسیح مثل تولد حضرت آدم است؛ خدا گفت باش! شد. آدم و حوا نه پدر داشتند و نه مادر در حالی که حضرت مسیح فقط پدر نداشت اما انسان است و ما او را پیامبر بزرگ الهی می‌دانیم، اما انسان. وقتی که گفتند حضرت مسیح پسر خداست، یعنی پدر

نداشت، چون پدر نداشت، پدرش می شود خدا و خود او می شود پسر خدا، بعد هم روح القدس را می گویند، که این سه تا، پسر، پدر و روح القدس سه تا هستند. در یک امثال می گویند: تصویر یک انسان را اگر در سه آینه ببینیم این سه تا یکی است، پدر، پسر و روح القدس هم یکی هستند، خدا هم یکی است اما سه تا است.

برای اینکه برایشان بهتر مفهوم بشود به مقایسه بین کاتولیسیسم، حالا آن جایی که کاتولیک هستند، مثل ایتالیا، مثل مکزیک که عمدتاً کاتولیک اند می پردازیم، می گویند چون شما مذهب کاتولیک را می شناسید، مقایسه بین اسلام و مذهب کاتولیک می تواند کمک کند به فهم بهتر اسلام.

اصول دین مسیحیت

مسیحیت بر چهار ستون استوار است: مسیح، خدا سه تا است، انجیل و کلیسا. می رویم سراغ پسر خدا بودن مسیح، چون مسیح پسر خداست، چون یکی از سه خداست، سه خد در یکی، سه تا در یکی، لذا می گویند حضرت مریم مادر خداست، در کلیساها هم می نویسند: مریم مادر خدا. می گوئیم خوب شما مسیح را پسر خدا می دانید؟ می گویند: بله. مریم را هم مادر خدا می دانید؟ می گویند: بله. بعد به آنها می گوئیم خوب اگر خدا مادر دارد، چون حضرت مریم پدر و مادر دارد، پس خدا پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز دارد. - چیزی که هرگز فکرش را نکرده بودند - پس جد و جده هم دارد، دایی و خاله هم دارد، پسر خاله و پسر دایی هم دارد. عجب فامیل بزرگی است. نسلش می رسد به حضرت آدم، چون حضرت مریم از نسل آدم و حوا است؛ پس خدا هم از نسل آدم و حوا است؟ بله؟ چطور می شود آدم و حوا پدر و مادر خدا باشند در حالی که آفریده خدا هستند؟ می گویند: این یک تضاد است. یک تضاد پیچیده که نمی شود راجع به آن فکر کرد. می گوئیم: چرا نمی شود راجع به آن فکر کرد؟ خیلی ساده است، نمی شود، شما می توانید پدر پدرت باشی؟ نمی توانید، چگونه آدم و حوا می توانند پدر و مادر خدا باشند، در حالی که آفریده خدا هستند، این بحث خیلی ساده است، چیزهای پیچیده را مطرح نمی کنیم، می گوید: در آن تضاد هست، می گوئیم خیلی خوب.

صحبت از شام آخر می شود، حضرت مسیح غذا می خورد؟ می نوشید؟

بله.

- مگر نمی‌گوییم خدا قادر متعال است؟

چرا.

خوردن و نوشیدن علامت نیاز است، نه علامت قادر متعال بودن، چطور می‌شود خدا نیازمند باشد؟

بله علامت نیاز است.

خوب حالا کسی که غذا می‌خورد و می‌نوشد، می‌خورد و دستشویی می‌رود را می‌شود گفت خداست؟ مثلاً ممکن است پیش آمده باشد که بگویند خدا کجاست؟ و جواب بشنوند که خدا رفته دستشویی! این جا مشکل پیدا می‌کند.

مسیحیان در انجیل دارند که وقتی حضرت مسیح را می‌برند به صلیب بکشند. حضرت مسیح گفت خدایا (پدر) چرا مرا رها کردی؟ یا چرا مرا فراموش کردی؟ می‌گوییم خوب، شما قبول دارید خدا قادر متعال است. همه جا حی و حاضر است و عالم به همه چیز است؟ می‌گویند بله، می‌گوییم خوب، خدا اگر عالم به همه چیز است چگونه می‌شود؟ خدایی که سه تا است، پدر، پسر، روح القدس، یک قسمتش، و بخش دیگر خودش را فراموش کند؟ که يك بخش خدا یعنی خدای پسر فکر کند که خدای پدر او را فراموش کند، جور در نمی‌آید، قرار بود خدا به همه چیز آگاه باشد، حالا اینگونه که شما می‌گویید به خودش نیز آگاه نیست. می‌گویند بله تضاد دارد.

فرق اساسی اسلام با مسیحیت

منتهی پاسخ کلیسا به این تضادها چیست؟ پاسخ کلیسا این است که این دگم مذهبی است. باید پذیرفت، این بحث، بحث ایمان است، باید قبول کرد. اینجا جای منطق و جای فکر کردن نیست، می‌گوییم این جا یکی از نقاط تفاوت اسلام با مسیحیت است. شما می‌گویید جای فکر کردن نیست ما می‌گوییم: یکی از تفاوت‌های انسان و حیوان این است که انسان قدرت تعقل دارد، چرا هنگامی که حرف دین می‌شود، می‌گویید تعطیلش کن.

قرآن و کلام معصومین ما پر است از دعوت به تعقل تفکر، به نحوی که پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت بهتر است؛ این از آن احادیثی است که به آنها که می‌گوییم انگار برق آنها را می‌گیرد. اصلاً دین باید بر پایه تعقل باشد، نمی‌توان همین‌طور پذیرفت. باید بر اساس عقل و منطق باشد آنجا می‌گویند کاری با عقل و تعقل نداریم.

می‌گوییم برویم هند که مذاهب مختلفی دارد، از بت‌پرست می‌پرسیم این بت را تو ساختی، پس چرا آن را می‌پرستی؟ بت منطقاً نمی‌تواند خدای تو باشد. بت‌پرست می‌گوید حرف شما درست است ولی این دگم مذهبی است که همان جواب کلیساست. بنظر شما چیست؟ حق با اوست؟ یا به گاو پرست می‌گوییم گاو که نمی‌تواند خدا باشد و نمی‌تواند مقدس باشد، می‌گوید بله حرف شما درست، ولی این دگم مذهبی است، اینجا مسأله ایمان است، اگر ایمان با تعقل در تضاد بود چه ایمانی است؟ این فرق اساسی اسلام با مسیحیتی است که آنها معرفی می‌کنند. هر کسی کمی فکر کند می‌بیند حق با اسلام است. می‌گوییم اگر شما مسیح را انسان فرض کنید اگرچه پدر نداشت مثل آدم و حوا، که پدر و مادر نداشتند ولی پسر و دختر خدا نیستند. نه پدر داشتند نه مادر، در حالی که حضرت مسیح مادر داشت و فقط پدر نداشت. معجزه آفرینش آدم و حوا بالاتر از معجزه آفرینش مسیح است ولی آدم و حوا انسان بودند. درست است؟

چه شد که خدا در زمان حضرت مسیح سه تا شد؟ آیا کامل بود ناقص شد؟ آیا ناقص بود کامل شد؟ ظاهراً کامل بود و ناقص شد. نعوذ بالله. یعنی یکی بود تبدیل شد به سه تا. سه تایی که ممکن است این یکی آن را فراموش کند، اصلاً خدای قادر متعال را به صلیب می‌کشند و او را می‌کشند؟ چه قادر متعالی است که می‌گویند خودش را فنا کرد، تا گناهان امروز ما بخشیده شود؟

اولاً خودش را فنا نکرد، بلکه او را فنا کردند، چون وقتی می‌خواستند او را به صلیب بکشند، گفت خدایا چرا من را رها کردی؟ دلگیر بوده که چرا من را رها کردی، نمی‌خواسته کشته شود، پس او را کشتند، فداکاری نکرد طبق فلسفه شما. اما ما معتقدیم که او را نکشتند، امر مثبتی شده است. صلیب شده، سمبل کلیسا اگر مسیح با تفنگ کشته می‌شد، احتمالاً تفنگ آویزان می‌کردید به گردنشان. صلیب وسیله قتل

است، وسیله قتل نباید سنبل باشد. یکی از تازه مسلمان‌ها می‌گفت: مثلاً شمشیر یزید را سنبل کنیم بگوییم چون با آن امام حسین (ع) را به شهادت رساندند، یا شمشیر شمر را سنبل کنیم. به هر حال با این جملات تصورات کاتولیک از هم می‌پاشد، چیزهایی که قبلاً فکر آن را نمی‌کردند. می‌گویند ما هیچ وقت فکر نکردیم که اگر می‌گوییم: مریم مادر خدا پس حتماً مادر بزرگ و پدر بزرگ نیز دارد. به همین راحتی.

می‌گوییم خوب برویم سراغ جنبه‌های دیگر. خدا قادر متعال حی و حاضر است و به همه چیز علم دارد، پس خدا می‌تواند هر حرفی که می‌زنیم را بفهمد، پس چه احتیاجی است که بین ما و خدا واسطه وجود داشته باشد؟ لذا عبادت در اسلام مستقیم است و در کاتولیسیسم، آنها خودشان را واسطه می‌دانند. ارتباط مستقیم یا قائل نیستند یا در کنار ارتباط مستقیم کلیسا واسطه است، آنها دعوت می‌کنند افرادشان را برای این‌که بیایند به گناهانشان اعتراف کنند، پول بپردازند و کشش می‌گویند تو را بخشیدم. تو چه کاره هستی که ببخشی. ما در اسلام می‌گوییم خدا ستار العیوب است. خدا عیب ما را می‌پوشاند. ما زیاد داشتیم افرادی را که می‌خواستند بروند نزد بزرگان به گناه خود اعتراف کنند، اما دعوت شدند که اعتراف به گناه نکنند و بروند نزد خدا توبه کنند. حتی لازم به اعتراف هم نیست چون خدا می‌داند. برو توبه کن. اینجا را هم خیلی می‌پسندند. می‌گوییم کلیسا که می‌گوید توبه کن یا پول بده تا گناهت را ببخشم، هم کسب درآمد می‌کند، هم یک ابزار کنترل جامعه است، ما می‌گوییم ارتباط با خدا مستقیم است. این روی آنها اثر مثبت می‌گذارد. مالک روز جزا خداست اینها چه کسی هستند؟ در آنجا اسقف‌ها فسادشان گوش فلک را کر کرده است، آقای پاپ هر جا که می‌رود، بابت کارهای اسقف و کلیسا معذرت خواهی می‌کند. آمریکا رفته بود، معذرت خواهی کرده بود. استرالیا رفته بود، عذر خواهی کرده بود. روزی نیست که خبر تجاوز کشیشی به بچه‌های کوچک دختر و پسر پخش نشود. می‌گوییم شما تصور کن که این کشیش شب این گناه را مرتکب شود و صبح بیاید ببیند یک صف طویل منتظرند، تا او گناه آنها را ببخشد. بعد به او پول می‌دهند و او می‌گوید بخشیدم و آنها خوشحال بر می‌گردند.

این کشیش که شب این گناه را کرده نگاه او به این انسان‌ها چگونه است که اینها صف بسته‌اند تا او آنها را ببخشد. کدام یک منطقی‌تر است. دین

اسلام که می‌گوید ارتباط با خدا مستقیم است روحانیت خود را مربی، راهنما، و مشاور و هدایت‌گر می‌داند نه واسطه. در حالی که کلیسا خود را واسطه می‌داند. می‌گویند این منطقی‌تر است.

غسل تعمید چیست؟

مراسمی دارند به اسم غسل تعمید. غسل تعمید چیست؟

افرادی می‌آیند، این کشیش یک آبی را روی سر آنها می‌پاشد و اینها گناه اولیشان بخشیده می‌شود و به اصطلاح دم شیطانی آنها بریده می‌شود. گناه اولیه چیست؟ می‌گویند گناه آدم و حوا، گناهی که آدم و حوا مرتکب شده‌اند، هر کس متولد می‌شود این گناه را دارد و گناهِش نمی‌تواند بخشیده شود مگر با غسل تعمید. حال این کشیش این گناه را مرتکب شده، صبح می‌آید در بهشت را بر روی آقایان باز کند، به این آقایان و خانم‌ها می‌گوییم یکی از تفاوت‌های اسلام با کاتولیسیسم همین است.

اینها معتقدند هر بچه‌ای به دنیا بیاید گناه کار به دنیا می‌آید، ما در اسلام معتقدیم هر بچه‌ای به دنیا بیاید، بی‌گناه به دنیا می‌آید چه گناهی کرده؟ در گناه آدم و حوا چه مشارکتی داشته که حالا بخواد شریک آن باشد؟ از هر مادری، از هر پدری بپرسید که آقا این بچه شما چه شراکتی داشته؟ اصلاً می‌داند آدم کیست؟ می‌داند حوا کیست؟ اصلاً خدا عادل خواهد بود اگر این بچه را شریک آن گناه آدم و حوا بکند؟ هیچ مادری نیست بگوید بچه من گناهکار به دنیا آمده است. می‌گوید: آقا من کاتولیکم اما این را قبول ندارم. بچه من بی‌گناه است. چه گناهی داشته؟ چه شراکتی داشته؟ می‌گوییم: حضرت آدم و حوا یک گناهی کردند، توبه کردند، خدا بخشید. جایشان را هم در بهشت ضمانت کرد. اسلام می‌گوید هر کس مسؤول اعمال خودش است. نه اینکه دو هزار سال پیش مسیح گناهان امروز او را بخشیده است. از زمانی که بالغ شد مسؤول اعمال خودش می‌باشد. بچه سه، چهار ساله مسؤول اعمال خودش نیست.

کدام منطقی‌تر است؟ دیدگاه اسلام که می‌گوید هر کس مسؤول اعمال خودش هست یا دیدگاه آنها که می‌گویند هر کسی گناهکار به دنیا می‌آید. اصلاً انسان به دنیا آمده برای اینکه برود بهشت، مگر این که خودش راهش را کج کند. بعد این حدیث پیامبر گرامی اسلام (ص) را ذکر می‌کنم

که ارزش تو بهشت است خودت را به کمتر از بهشت نفروش. از این جملاتی است که می‌گویند تکرار کن بنویسیم. ارزش تو بهشت است خودت را به کمتر از بهشت نفروش. این چیزهایی که برای ما رایج است، مثل طفل معصوم، طفل معصوم یعنی چه؟ طبق مکتب آنها، طفل گناهکار. با گناه اولیه به دنیا آمده. چرا گناهکار؟ اگر به این طفل بگوییم گناهکار است و شریک گناه دیگری، باید در عدالت خدا شک کنیم.

چرا شراب حرام است؟

چون هر کسی مسؤول اعمال خودش است باید همیشه هوشیار باشد. تا مسؤول اعمالش باشد. حق ندارد به هیچ وجه این هوشیاری‌اش را از بین ببرد. یکی از دلایلی که مشروب در اسلام حرام است، این است که این هوشیاری را از بین می‌برد، بنابراین حرام است. یکی از دلایل! می‌گویند: پس برای این است که مشروب در اسلام حرام است، چه زیبا! قبلاً این را که افراد نمی‌توانند مشروب بخورند را جزو نقض آزادی‌ها می‌دانستند. در ایران با افتخار و سربلندی می‌گویم هم تولید آن، هم توزیع آن و هم مصرفش ممنوع است. در همین مکزیک روزی هشتاد نفر بابت تصادفاتی که ناشی از مصرف الکل است، کشته و زخمی می‌شوند. حالا غیر از بقیه تصادفات، چقدر تجاوزات صورت می‌گیرد، در حال مستی. چقدر مردها زنهای خود را کتک می‌زنند و به طلاق منجر می‌شود به خاطر اینکه هوشیار نبوده و آنها را زده‌اند. می‌گوییم ما در ایران این چیزها را نداریم و ممنوع است. چقدر خوب! خوش به حالتان!

چیزی که در وهله اول آن را به عنوان یک امر منفی می‌دانستند و می‌گفتند آقا چرا اینقدر به زن‌ها ظلم می‌کنید؟ چه ظلمی می‌کنیم؟ این حجابی که دارند، این چه تحقیری است که علیه زن‌ها وجود دارد؟ تعدد زوجات را هم می‌گویند.

ازدواج در اسلام و مسیحیت

می‌گوییم یکی از تفاوت‌های مسیحیت و اسلام راجع به روابط زناشویی است. در مسیحیت روابط زن و شوهر را یک بد ضروری می‌دانند،

یعنی بد هست اما به خاطر بقای نسل ضرورت است؛ اینجا اسلام می‌گوید یک خوب ضروری است. آنجا چون یک بد ضروری است. برای اینکه آنها به خدا نزدیک‌تر باشند، نباید ازدواج بکنند. می‌گوییم که در اسلام کسانی که مذهبی‌ترند، زودتر ازدواج می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند که ازدواج نیمی از ایمان است. نیمی از ایمان است، تشویق است. چون یک خوب ضروری است، یک نیاز بیولوژیک یک بدن است. زیبا بودن و جذاب بودن یک نعمت الهی محسوب می‌شود که جای شکر دارد، یک ارزش است، زنی که اگر زیبا بود، اگر جذاب بود، مردی اگر زیبا و جذاب بود یک ارزش است. منتهی فرق این است که در اسلام یک ارزش زناشویی است و نه یک ارزش اجتماعی یا تجاری. لذا اسلام توصیه می‌کند به زن که خودش را برای شوهرش تا می‌تواند بیاراید و زیبا کند، به مرد هم همین توصیه شده است، منتهی آن آرایش زنانه و این آرایش مردانه. اگر این کار را کردند ثواب می‌برند. می‌گویند عجب!

تبلیغات طوری است که این سفیر رومانی می‌گفت که شما زن‌ها را خیلی استثمار می‌کنید. من اصلاً قضیه حجاب را قبول ندارم، گفت یک خبر خواندم که یک زن بعد از ۳۵ سال ازدواج می‌خواست صورتش را به شوهرش نشان بدهد، مرد موافقت نکرد. اینها فکر می‌کنند زن‌ها بیرون حجاب سر می‌کنند، درون خانه هم که می‌آیند همین‌گونه است. خوب یک عده هم می‌نشینند و خبرسازی می‌کنند که حجاب را غیر منطقی جلوه بدهند، وقتی می‌گوییم نه زن می‌باید درون خانه تا می‌تواند زیبا باشد ولی بیرون که می‌آید اینگونه نیست، زیبایی ارزش اجتماعی نباید باشد، نه برای زن و نه برای مرد، ارزش اجتماعی یک زن به ظاهرش نیست، ارزش اجتماعی او فکرش است، ایمانش است، عمل صالحش است، لذا زن مسلمان وقتی از خانه خارج می‌شود حجاب سر می‌کند، بدنش را می‌پوشاند برای اینکه ویژگی بدن او در روابط اجتماعی هیچ اثری نداشته باشد. در اروپا اگر یک مردی به یک زنی بگوید مثلاً در کنار شوهرش هم بگوید: عجب زن زیبا و جذابی داری هم زن تشکر می‌کند و هم مرد. گفتم آگه در ایران یک مردی به یک زنی همچنین حرفی بزند، توهین است چون او حق اجازه‌ی ظاهر نظر در این باره را ندارد.

چرا حجاب خانم‌ها و آقایان متفاوت است؟

حالا یک بحثی تحت عنوان اینکه حالا چرا حجاب خانم‌ها و آقایان متفاوت است، این دانشمندان غربی مطالعاتی کردند، راجع به تحریک پذیری متقابل زن و مرد، به این نتیجه رسیدند که مرد از لذت بصری بیشتری برخوردار است و با نگاه کردن بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. حجاب زن کاملتر است، لذا در قرآن به مرد می‌گوید نگاهت را حفظ کن و به زن می‌گوید خودت را بپوشان، اگر قرار بود زن هم مثل مرد لذت بصری در آن حد داشته باشد، آن وقت حکم حجاب هم برای مردها می‌توانست صادر بشود. هدف این است که جذابیت جنسی ارزش اجتماعی نباشد، حالا چرا صورتشان را می‌پوشانند؟ می‌گوییم حالا این در اسلام نیامده که صورتشان را بپوشانند، اما یک چیزی آمده و آن اینکه این صورت را هم حق نداند رویش کار بکنند، بروند زیبایش بکنند و وقتی می‌آیند بیرون، نمایش بدهند. اما اگر برای شوهرشان آرایش بکنند ثواب دارد، بیرون اگر بخواهند آرایش کرده بیایند گناه دارد، بیرون باید بدون آرایش بیایند، حالا مثلاً زن می‌خواهد ده دقیقه برود سر چهار راه خرید کند و برگردد، به جای اینکه پاک کند، بهتر است که رویش را ببندد. می‌گویند پس برای راحتی زن است. می‌گوییم بله برای راحتی زن است، می‌گویند یک چیز منطقی است، بعد مثال می‌زنم، می‌گویم حالا مکزیکی که دزدی زیاد است، ناامنی هم زیاد است، می‌گویم من اگر ۵ هزار دلار پول داشته باشم بخواهم بروم بانک بگذارم، نظر شما چیست؟ دست بگیرم ببرم؟ یا آن را پنهان کنم؟ می‌گویند خوب باید پولت را پنهان کنی، اگر آن را دست بگیري می‌دزدند، می‌گویم ما زیبایی را یک ثروتی می‌دانیم که نباید به نمایش گذاشت. اخیراً کلیسای مکزیکی اطلاعیه‌ای داده و از خانم‌ها دعوت کرده که پوشیده‌تر در مکان‌های عمومی ظاهر بشوند تا امنیتشان بیشتر برقرار باشد. روزی نیست که به چندین نفر تجاوز نشود، یک خانمی اوایل انقلاب که حجاب اجباری شده بود، آمده بود، ایتالیا پرسیده بودند که تو برای چه آمدی ایتالیا؟ گفته بود که چون در ایران حجاب اجباری شد، نمی‌خواستم زیر بار حجاب بروم از ایران آدمم بیرون. بعد از مدتی آنجا محجبه شده بود، گفتند که تو از حجاب در رفته بودی، اینجا که مجبور نیستی چرا روسری سر کردی، گفت من که در ایران بودم آخر خط را نمی‌دانستم چیست، اینجا که آدمم، آخر خط را دیدم، چیزی که من می‌خواستم این نیست، آخر خط خیلی چیز بدی است.

در ایتالیا آمار گرفته بودند از هر سه زن به یکی از آنها تجاوز شده بود و این غیر از آن چیزی است که فرد با میل خودش رفته و روابط نامشروع برقرار کرده، از هر سه زن یکی؛ خیلی آمار بالایی است، در انگلستان یک آماری گرفته بودند می‌گفتند هر مردی که سه بچه دارد، یکی از این بچه‌ها مال خودش نیست و خودش هم نمی‌داند که بچه خودش نیست. تو ایتالیا آمار گرفته بودند هر دختری اولین رابطه‌اش را با یکی از محارمش داشته است. خیلی است از هر چهار تا یکی. وزیر کشور ایتالیا پارسال یک سخنرانی کرده بود و گفته بود زن در ایتالیا یا خوشگل است یا هیچ چیزی نیست. اینها واقعیت جوامع غرب است. یا زیباست یا هیچ چیز نیست. یک بیماری است به نام بیماری ۴۰ ساله‌ها در غرب می‌گویند زن وقتی به سن ۴۰ سالگی می‌رسد، دچار بحران روحی می‌شود، چرا؟ چون زیبایی که یک ارزش اجتماعی است، در ۴۰ سالگی می‌افتد در سراسیابی، همراه با رفتن زیبایی، ارزش اجتماعی‌اش هم دچار خدشه می‌شود. می‌گوییم در جامعه ما زن هر چی سنش بالاتر می‌رود احترامش بیشتر می‌شود. حسرت این پاکی زنان ما را می‌خورند. لذت زندگی در جوامع اسلامی خیلی نسبت به آنجا بیشتر است. زندگی زناشویی نیز همچنین. کسی که می‌رود بیرون، در خیابان هر روز هزاران دختر و زن زیبا و برهنه را می‌بینند، وقتی می‌آید، خانه بالاخره اگر زنش پا به سن گذاشته باشد که قابل مقایسه با آنها نیست، لذا خانواده‌ها همه سست هستند، در جامعه اسلامی اگر مرد کسی را می‌بیند، فقط زن خودش است. لذا این جامعه خیلی مستحکم‌تر است.

تعدد زوجات؛ حق انتخاب برای زن

می‌رسیم به بخش تعدد زوجات، می‌گوییم در اسلام جذابیت و زیبایی همراه با روابط زناشویی یک خوب ضروری است، ما داشتن این روابط را برای زن و مرد قبول داریم، ما قبول داریم زن اگر خواست مادر بشود، حق اوست. حالا در مکزیکی جمعیت چه طوری است؟ به دلیل مهاجرت‌هایی که به کشورهای دیگر به خصوص به آمریکا می‌شود و آنها که می‌روند آمریکا عمدتاً مرد هستند و مردها معمولاً در همانجا هم ازدواج می‌کنند، تعداد زن‌ها هفت میلیون از مردها بیشتر است.

در بعضی از مناطق شهرهای مرزی نسبت زن‌ها به مردها، هفت به یک است. می‌گوییم خوب، طبق مذهب شما کاتولیک‌ها که نه طلاق وجود

دارد و نه تعدد زوجات، این هفت میلیون نفر هرگز نباید مادر شوند. طبق قانون مدنی آنها تعدد زوجات وجود ندارد، اما طلاق و ازدواج مجدد هست، که یکی زنش را طلاق بدهد و با دیگری ازدواج کند، بنابراین این هفت میلیون زن موقعی می‌توانند مادر بشوند طبق قانون که هفت میلیون مرد، زن‌های خود را طلاق بدهند و بیایند با این هفت میلیون زن ازدواج بکنند که آن وقت آن هفت میلیون زنی که از شوهرشانشان جدا شده‌اند چه می‌شوند؟ آماری که توسط مکزیکی‌ها به من گفته شده این است که ۷۵ درصد مادران مکزیکی، مادران مجرد هستند که یا شوهرشان آنها را طلاق داده و یا آنها را ول کرده و رفته و یا اصلاً شوهر نداشته‌اند. مشکل را که لمس کردند، می‌گویم خوب اسلام گفته تعدد زوجات موقعی که تعادل اجتماعی به هم بخورد- مثل مکزیکی - یک مرد می‌تواند بیش از یک زن داشته باشند، اما زن که مجبور نیست بگوید بله، انتخاب با خودش است می‌تواند بگوید بله، طبیعتاً زن یک مرد مجرد را ترجیح می‌دهد، اما اگر مثل مکزیکی مرد مجرد نبود چه؟ او هم می‌تواند به مرد متأهل بگوید بله بدون اینکه مجبور باشد. زمانی می‌گوید بله که احساس کند این ازدواج به نفعش است و از وضع موجودش بهتر خواهد بود. پس یک حق انتخاب برای زن‌ها است، چون یکی از تبلیغات سنگینی که می‌شود در رابطه با حجاب زن‌هاست و یک تبلیغات سنگینی که می‌شود در رابطه با تعدد زوجات است که آنها نمی‌توانند بپذیرند. ضمناً در انجیل آمده که حضرت ابراهیم دو تا زن داشت و فرزند زن دومش یعنی هاجر پیغمبر شد. اگر حرام بود، پس چرا حضرت ابراهیم این کار را کرد؟ پس تعدد زوجات یک امکان هست برای مرد که زن بیشتری داشته باشد و امکان هست که برای زن که اگر به نفع خودش دید با مرد زن‌دار هم ازدواج کند.

گاهی هم این مثال را می‌زنیم، می‌گوییم هیچ کس ماشین دسته دوم را به ماشین نو و دسته اول ترجیح نمی‌دهد، اما داشتن ماشین دسته دوم بهتر از نداشتن آن است. حالا شاید قانع کردن خانمها ایرانی راجع به این موضوع سخت باشد، اما آن جا زود متقاعد می‌شوند.

خانم‌هایی که فعال اجتماعی در سازمان‌های زنان بودند، اعلام کردند تعدد زوجات اگر در مکزیکی اجرا بشود، به نفع زن‌هاست. چرا؟ چون تعدد زوجات علناً وجود دارد، چرا؟ چون کمتر مردی پیدا می‌شود که با

زن دیگری رابطه نداشته باشد و حتی از او بچه نداشته باشد. منتهی آنجا به آن می‌گویند «کازاچیکا» یعنی خانه کوچک زن دوم و سوم، می‌گویم در اسلام خانه کوچک نیست، باید عدالت را بین خانم‌ها رعایت بکند.

این آزادی نیست، اسارت است

در بحث زن هم این را اضافه کنم، گفتم ما این را توهین به زن می‌دانیم که وقتی می‌خواهند موبایل بفروشند، ماشین بفروشند، یا کالایی را تبلیغ کنند، یک زنی را برهنه کنند و یک موبایل بدهند دستش و عکس آن را چاپ کنند. این افتخاری برای زن نیست، این آزادی نیست، اسارت است. اینجا هم همه با ما موافقت می‌کنند. اینها می‌گویند ما فلسفه‌اش را نمی‌دانستیم چه زیبا. چون آنجا آمده‌اند یک قوانینی گذاشته‌اند، حالا آنها چیزی که می‌گویند راجع به تعدد زوجات است که فرق آن با جامعه غربی این است که این جا منافقانه است، در اسلام صادقانه است. اینجا عملاً هست به رسمیت شناخته نمی‌شود و هیچ حمایتی از زن و بچه زن دوم نمی‌شود، اما در قانون اسلام در تعدد زوجات، هم حمایت از زن دوم لحاظ شده است و هم بچه زن دوم به رسمیت شناخته می‌شود. چقدر بچه آنجا هست که پدر بالای سرش نیست، یا اصلاً نمی‌داند پدرش کیست. قوانینی که در حمایت از زنان گذاشته‌اند یکی این هست که اگر طلاق صورت گرفت نصف دارایی مرد به زن برسد. در این قانون خیلی کلاه برداری می‌شود. زن می‌رود خودش را به مرد نزدیک می‌کند به قصد ثروت، بعد طلاق می‌گیرد. مردها از ترس این قضیه ترجیح می‌دهند ازدواج نکنند.

صیغه در اسلام

یک چیزی رایج شده که به آن می‌گویند «اونینیو لیبرا»، «اتحاد آزاد» که زن و مرد با هم هستند بدون اینکه ازدواج بکنند، با هم هستند، بچه هم دارند، هر موقع هم دلشان خواست، هر کدام که دلش خواست از دیگری جدا می‌شود. ما اینجا صیغه در اسلام را مطرح می‌کنیم، «ازدواج موقت» چون ما یک همچین چیزی داریم. چرا؟ چون اسلام گفته ازدواج خوب ضروری است، ممکن است دو نفر نتوانند با هم ازدواج دائم کنند و این امکان برایشان نباشد، آنها می‌توانند با هم ازدواج موقت بکنند، منتهی همه چیز باید از قبل تعریف شده باشد، زمانش مشخص شود ضمن اینکه

این زمان قابل تمدید است و حتی قابل تبدیل به ازدواج دائم هم می‌باشد. اگر بچه‌ای هم به دنیا آمد، بچه است، رسمی است و دارای همان حقوقی است که فرزند در ازدواج دائم دارد. چیزی که آنجا همچنین چیزی برایشان نیست. می‌گویند چه خوب! چه انقلابی! عجب مذهب انقلابی‌ای!

می‌گوییم در صدر اسلام زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) این ازدواج موقت بوده، بعد در زمان جناب عمر آن را منع کرده‌اند. آنها که در آن جامعه مکزیک هستند، می‌گویند چه کار بدی کرده، چرا این کار را کرد؟ می‌گوییم ما هم همین اعتراض را داریم.

ازدواج موقت، آنجا یکی از دلایلی می‌شود که به اهل سنت مکزیکی بگویند شیعه منطقی‌تر است. به هر حال این بحث زن.

آداب و رسوم کلیسا

در آنجا همچنین بحث غسل تعمید را مطرح می‌کنم، می‌گویم شما می‌گویید که اگر کسی غسل تعمید نکرده باشد وارد بهشت نمی‌شود، حال اگر کودکی را که تازه متولد شده می‌خواهید به کلیسا ببرید تا غسل تعمید داده شود، در راه تصادف کند و بمیرد و غسل تعمید نکرده باشد، وارد بهشت نخواهد شد؟ می‌گویند نه. می‌گویم غسل تعمید مال قبل از مسیح است یا بعد از مسیح؟ می‌گویند قبل از مسیح نبوده است و بعد از مسیح شروع شده است. می‌گویم پس قبل از مسیح تمام کسانی که غسل تعمید نکرده‌اند، وارد بهشت نمی‌شوند. پس یا پیامبران پیشین دروغ گو بوده‌اند و خودشان وارد بهشت نشده‌اند، یا کلیسا دروغ گفته.

کلیسا برزخ می‌فروشد. می‌گویند کجای برزخ می‌خواهی بروی؟ پول بیشتری بدهید تا جای مناسبی بروید. خلاصه کلیسا برزخ فروشی می‌کند.

حالا جناب پاپ فداکار اعلام کردند برزخ نیست و وجود خارجی ندارد، ۷ - ۸ ماهی می‌شود که برزخ وجود ندارد. به نظر من این کار او فداکاری است، چون بابت برزخ پول می‌گرفتند و حالا که برزخ نیست پول نمی‌گیرند. کلیسای که یک بار پول می‌گیرد و یک بار دیگر می‌گوید برزخ وجود ندارد، چه اعتباری دارد؟

بحث عدالت

بحث دیگر بحث عدالت است. می گویم خوب از قول مسیح (ع) نقل می‌شود که اگر به تو سیلی زدند طرف دیگر صورتت را هم بیاور تا سیلی بزنند، لااقل آن تفسیری که از کلیسا مطرح می‌شود، مطلوب استعمار است؛ اگر بخشی از کشورت را اشغال کردند، بخش دیگر را پیش کش کن. اگر اموات را غارت کردند، بقیه آن را نیز ببخش. اما اسلام چه می‌گوید؟ امام علی (ع) فرمودند: کسی که ظلم را بپذیرد، شریک ظالم است. در آنجا این مطلب را یادداشت می‌کنند. کدام یک را می‌پسندید؟ کدام یک را به فرزند خود یاد می‌دهید؟ اگر به شما سیلی زدند آن طرف را نیز تقدیم کن. اسلام خواستار عدالت است، حق نداریم ظلم را بپذیریم، بلکه بنا بر سخن پیامبر اکرم (ص) که می‌فرمایند: یکی از علانم ایمان، حمایت مظلوم در مقابل ظالم خونریز است. ما نه تنها ظلم را نمی‌پذیریم، که یکی از مصداق‌های آن قطعنامه شورای امنیت است، بلکه در برابر ظلم به فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان نیز کوتاه نمی‌آییم. دفاع می‌کنیم هر چند در برابر ما ظالم قدار و خونریزی مثل آمریکا و اسرائیل باشد. سیاست خارجی ما مبنای دینی دارد. امام علی (ع) می‌فرمایند: اگر همه ثروت جهان را به من بدهند حاضر نیستم دانه‌ای از دهان مورچه‌ای بگیرم.

حال آنکه کلیسا همواره در کنار استکبار و استعمار و ظالمین بوده. کلیسا از هیتلر - از يك ظالم - حمایت کرد، از موسیلولنی حمایت کرد، در جنگ‌هایی که علیه آمریکای لاتین و آفریقا صورت گرفت علیه آنها فعالیت کرد، همین امروز هم سیاست‌های واتیکان از سیاست‌های کاخ سفید منشعب است. در غرب جدایی دین از سیاست در جایی که کلیسا حاکم بوده، عامل پیشرفت بوده، مسئله جدایی دین از سیاست در کشورهای اسلامی نقشه استعمار بوده، برای جلوگیری از پیشرفت کشورهای اسلامی و در واقع ظلم به آنهاست.

ارزش علم

کلیسا گالیله را محکوم کرد، برای آنکه گفت زمین کروی است، اسلام می‌گوید تحصیل علم اگر در راه حق باشد، عبادت است. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: جوهر قلم عالم از خون شهید بالاتر است. به آنها می‌گویم شما

یک جمله در وصف قلم بیاورید که از این بالاتر باشد و یک جمله بالاتر از این در مورد عقل از آن چه امام علی و بزرگان ما گفته‌اند ذکر کنید.

ترازوی احترام

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: کسی که فقیری را به خاطر فقرش تحقیر کند و یا ثروتمندی را به خاطر ثروتش تمجید کند، ... به آنها می‌گویم شما تکمیل کنید یکی می‌گوید کار بدی است، یکی می‌گوید گناه است، یکی می‌گوید خشم خدا را در بردارد، می‌گویم اینها درست و لی حدیث این طور تمام نشده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: این فرد در جنگ با خداست. هر کدام از این روایات که می‌گوییم مثل این است که برق آنها را می‌گیرد.

محیط زیست در اسلام

راجع به محیط زیست پیامبر (ص) فرموده‌اند که: شکستن شاخه درخت مثل شکستن بال فرشتگان است و می‌گویم این همه سازمان‌های محیط زیست وجود دارد، یک جمله در حفظ محیط زیست از این بالاتر بیان کنند. سفیر بولیوی می‌گفت من چندین جا سخنرانی کردم و همین جمله را گفتم، منتها بدون اینکه بگویم از زبان چه کسی است. من از نقاشان آن جا خواستم این جمله را نقاشی کنند. این پیشنهاد را برای ایران نیز دارم، برای سازمان تبلیغات و دیگران، مسابقه نقاشی برای این جمله یا جملات دیگر بگذارند.

عبادت در اسلام

این بحث عبادت را که مطرح می‌کردیم که عبادت در اسلام مستقیم است و همه به سمت مکه نماز می‌خوانیم. در مکه یک بنای مکعب شکل است که به آن کعبه می‌گویم. می‌دانید چه کسی آن را ساخته؟ حضرت ابراهیم. تعجب می‌کنند و با شگفتی درخواست می‌پرسند: موضوع چیست؟

شروع می‌کنیم قصه ابراهیم را بیان می‌کنم، که حضرت ابراهیم به امر خداوند همسر و کودکش را که چند ماهی از تولدش سپری نشده، در

کعبه که آن موقع بیابانی بوده، می‌گذارد و می‌رود. بچه تشنه می‌شود. هاجر، مادر اسماعیل و همسر ابراهیم، هفت بار بین صفا و مروه می‌رود و بر می‌گردد، می‌بیند که از زیر پای بچه، آب زمزم فوران می‌کند. بخشی از مراسم حج ما هفت بار بین صفا و مروه رفتن، مثل هاجر است. این چاه زمزم هنوز وجود دارد. قبر هاجر در دو متری کعبه فعلی است و موقعی که طواف می‌کنیم، نباید از روی آن قبر عبور کنیم.

موقعی که حضرت ابراهیم می‌خواست اسماعیل را ضحیح کند شیطان ظاهر شد و ایشان سنگ برداشت و به سمت شیطان پرتاب کرد، لذا در مراسم حج ما بنائی وجود دارد که سنبل شیطان است و همه باید به سمت این بناها مانند حضرت ابراهیم شلیک کنند. سعی کرد بچه‌اش را قربانی کند نشد، نتوانست. خدا پذیرفت چون او بر ذبح اسماعیل اقدام کرد، لذا در مراسم حج ما قربانی کردن گوسفند وجود دارد. **بسیار شیفته و غافلگیر می‌شوند** و ما متأسفانه یک فیلم مناسب که بتواند ارتباط حج را با تاریخ اعمال حضرت ابراهیم نشان بدهد که همه ادیان الهی حضرت ابراهیم را قبول دارند نداریم.

مسأله طلاق

گاهی مسأله طلاق را مطرح می‌کنند، چون در کاتولیک طلاق وجود ندارد، آنها ازدواج را بد ضروری می‌دانند برای بقای نسل. در حالی که ما ازدواج را خوب ضروری می‌دانیم، بر عکس طلاق که ما آن را بد مجاز می‌دانیم که عرش الهی می‌لرزاند، ولی بعضی اوقات ضروری است، می‌توانند جدا شوند ولی زن باید عده نگه دارد تا مشخص شود که بچه ندارد. اگر یائسه بود عده نیز نیاز ندارد، این برای آن است که پدر مادر و جامعه بدانند این بچه برای کیست؟ می‌پرسند زن و مرد می‌توانند طلاق بگیرند؟ می‌گویم بله، منتها باید هر دو راضی باشند، اما زن باید در حالتی باشد که بتواند نماز بخواند، چرا؟ چون وقتی نمی‌تواند نماز بخواند، عصبی است و در حالتی که عصبی هست، نمی‌تواند تقاضای طلاق بکند. این هم به نفع زن است، آمار و اطلاعات نشان می‌دهد زنانی که در این زمان تقاضای طلاق می‌کنند بعدها پشیمان می‌شوند. زنانی می‌دانند که در این زمان آنها عصبانی‌ترند، این یک قانون به نفع زنان است، چیزهای دیگری نیز هست ولی فرصت ما کم است.

تو را به خدا بگو تو پسر خدایی؟

یک انجیل به من دادند که در سوره متی آیه ۶۳ و ۶۴ آنجا می‌گویند بین بزرگان مسیح و مسیح سؤال و جواب می‌شود. از مسیح می‌پرسند تو را به خدا بگو تو پسر خدایی؟ ترجمه اسپانیایی این جواب را می‌گوید این را تو می‌گویی من می‌گویم که فرزند انسانم جایگاه من در ابرهاست من در کنار خدایم نزدیک به خدا هستم. آنجا به آنها می‌گویم چرا به مسیح می‌گویید فرزند خدا در حالی که خود می‌گویید فرزند انسانم. انجیل فارسی را پیدا کردم دیدم آن را تحریف کرده‌اند. اینجا می‌گوید بله هستم. در متن اسپانیایی آن «بله هستم» نبود، می‌گوید «این را تو می‌گویی من فرزند انسانم». چون می‌دانند اگر در فرهنگ اسلامی، ما می‌گوییم مسیح انسان و فرزند انسان است، خوب خود مسیح هم همین را می‌گوید. لذا در ترجمه فارسی به نظر من تحریف صورت گرفته است و پیشنهاد می‌کنم که انجیل متون اولیه آن را خودمان یک جایی ترجمه کنیم و این تضادها در آن فراوان است و این ترجمه نشان دهنده آن است که توانستند این تضاد رو شود. من سایتی دارم، ghadiri.ir گاهی مطالبی می‌گذارم من در ایران ندیدم جایی استفاده شود.

متن انگلیسی این مطلب را آنجا گذاشته‌ام. گفته بودند زانی که به ظاهرشان خیلی می‌رسند و نگران وضعیت ظاهری خودشان هستند، مقداری از توانایی ذهنی‌شان را از دست می‌دهند. این سازمان‌ها به سراغ این دانشمندان بروند ببینند تحقیقات او چه بوده است؟ کسی که خیلی نگران وضعیت ظاهری خود است توانایی ذهنی خود را از دست می‌دهد.

چند پیشنهاد

چند پیشنهاد دارم و آن این است که ما با افرادی مواجهیم که مسلمان شده‌اند و چندین برابر آنها تا قبول وحدانیت خداوند و پیامبری محمد مصطفی (ص) آمده‌اند ولی هنوز حاضر نیستند شهادتین را بگویند، پیشنهاد من این است که ما به یک سایت نیاز داریم به زبان‌های مختلف از جمله اسپانیایی، برای آنان که به اسلام نزدیک شده‌اند، ولی مسلمانان نشده‌اند، دوم سایتی نیاز داریم برای آنان که تازه وارد اسلام شده‌اند، حالا ۲ ماه تا ۲ ساعت اطلاعات زیادی ندارند، نماز می‌خواهند بخوانند، با غسل و وضو و غیره آشنا نیستند، سایت‌های موجود برای طلاب و فضلا است

و این افراد نمی‌توانند استفاده کنند. مثلاً تفسیر المیزان را فردی که تازه مسلمان شده نمی‌تواند بفهمد، باید برای این افراد سایت اختصاصی داشته باشیم و به مرور تحویل سایت‌های دیگر بدهند تا برسند به سایت‌های عمومی.

ما CD نیاز داریم برای افرادی که می‌خواهند نماز بخوانند، برای اینکه چگونه شروع کنند. این فرد که می‌خواهد شروع کند، قنوت و سجود و رکوع او فقط سبحان الله باشد که بتواند بگوید، از CD هم بشنود و بعد تکرار کند. ما در ایران باید افرادی را شناسایی کنیم که با اسلام آشنایند، زبان بلدند و فرهنگ مخاطب را می‌شناسند. این افراد تازه مسلمان را به آنان وصل کنیم، تا سوالات خود را از این فرد بپرسد، سایت راه انداختن خوب است، اما کافی نیست، من پیشنهاد می‌کنم يك سایت بزرگ پست الکترونیک هم ایجاد شود که تولیدات خود را به افراد مختلف زن و مرد، دانشجو و استاد دانشگاه و غیره عرضه کنیم. کار خوبی صورت گرفته که در اس ام اس ها می‌فرستند که امام علی (ع) چنین فرموده‌اند، ما این را می‌توانیم از ایران توسط ایمیل فراتر ببریم و می‌تواند به فیلم هم تبدیل شود. آن وقت صد نفر می‌توانند به یک میلیون نفر تبدیل شوند. مقام معظم رهبری صحبت از بعثت ملت کردند یعنی هر کدام از ما باید احساس رسالت بکنیم برای تبلیغ اسلام.

بازدید از مراکز ترجمه قرآن داشتیم. گفتم دوستان برای چاپ و انتشار کتاب هزینه نیاز دارند خوب چه اشکالی دارد یک فرم هایی پر شود که به مردم بگوییم چه کسی میل دارد در ترویج قرآن، هزینه چاپ و ارسال قرآن به زبان‌های دیگر را تقبل کند. در این فرمها مشخص شود چه ترجمه‌ای و برای چه مخاطبی، اگر مثلاً هزینه ارسال ۱۵ هزار تومان باشد یک نفر این هزینه را قبول کند. با بسیج مساجد هماهنگ شود، آنها این فرمها را به مساجد ببرند. حداقل این که برخی افراد نهج البلاغه و کتابهای کوچکتر را قبول کنند، یکی می‌خواهد ۵ هزار تومان، یکی ۱۰ هزار تومان، یکی ممکن است صد هزار تا از آنها را قبول کند. چرا خود ار به امکانات دولتی محدود کنیم. ما این امکان را به مردم بدهیم که آنها احساس کنند، می‌توانند در ترویج قرآن سهم شوند. الان نمی‌توانند مشارکت کنند. از این امکانات استفاده کنیم. راه برای تروج اسلام هست. هم سال نوآوری و شکوفایی است و این نام یک سری نوآوری است و هم

رهبر سخن از بعثت ملت فرمودند که من هم معتقدم که در این شرایط که افراد با ۲-۳ ساعت صحبت مسلمان می شوند می توان بیشتر تبلیغ کرد.

فردی متشخص آمده بود و می گفت می خواهم مسلمان شوم. گفتم عجله نکنید! کمی فکر کنید! اما او می گفت می خواهم مسلمان بشوم. همسرش به او گفت اگر مسلمان شوی نمی توانی شراب بخوری. گفت آن هم آرام آرام ترک می کنم. ولی می خواهم مسلمان بشوم.

قانون اسلام چیست؟ خداوند اگر قانونی وضع کرده است، اگر گفته گوشت خوک نخورید به نفع ما می گوید. ثابت شده که گوشت خوک نزدیکترین بافت گوشتی به گوشت انسان است. برای همین هنگامی که می خواستند دریچه قلب را عمل کنند از دریچه قلب گوشت خوک استفاده می کردند، چون آن را پس نمی زدند. خانمی هم که جراح پلاستیک بود در همان جلسه گفت ما هرگاه پوست بدن کم می آوریم از پوست خوک استفاده می کنیم. راحت جذب می شود. به آنها می گویم اگر دوست دارید بدانید گوشت انسان چه مزه ای دارد، گوشت خوک بخورید. حال آنها به هم می خورد هنگامی که می فهمند که گوشت خوک مانند گوشت انسان است. اگر خداوند می گوید مشروب نخورید، به خاطر شماسست، اگر شما گوشت خوک بخورید، شراب بخورید، گناه کنید، نماز نخوانید، به خدا لطمه نمی خورد.

خدا قادر متعال است و خیر ما را می خواهد. بنا بر این خدا می خواهد به احکام اسلام عمل کنیم. اما اگر احکام اسلام را اجرا نکرده از دین خارج نمی شوید. بهتر است انسان مسلمانی باشید که به احکام اسلام عمل می کند تا مسلمانی که به احکام عمل نمی کند. اما اگر مسلمانی باشد که به احکام اسلام عمل نمی کند بهتر از این است که مسلمان نباشد. می شود مسلمان گناهگار. مسلمان گناهگار بهتر از غیر مسلمان گناهگار است. اما اگر قرار است وارد اسلام شوید و بعد خارج شوید بهتر است هرگز وارد نشود. اما هنگامی که وارد شدید انسان بیشتر می تواند توضیح بدهد و آنها را جذب کند. به هر حال پیام من این است که در همه جای جهان زمینه برای قبول اسلام وجود دارد به شرط این که بتوانیم اسلام را آن طور که هست عرضه کنیم. این امید وجود دارد و ان شاء الله ما شاهد پیشرفت اسلام در همه جهان باشیم.

فصل پنجم

فساد در غرب

فحشا در آلمان شغلی از شغل‌ها

در آلمان ۴۰۰ هزار زن رسماً به عنوان "فاحشه" کار می‌کنند. این زنان با تن فروشی، روزانه در خدمت یک میلیون و دویست هزار مرد قرار می‌گیرند.

چند سالی است که در رسانه‌های عمومی این کشور، از فحشا به عنوان شغلی مانند دیگر شغل‌ها نام برده می‌شود و به آن "خدمات جنسی" اطلاق می‌شود. دلیل این امر این است که در ژانویه ۲۰۰۲، در آلمان قانون فحشا به تصویب نهایی رسید. این مصوبه بر پایه دو استدلال استوار بود: اولاً این که با تصویب این قانون فحشا شغل محسوب شده و به همین خاطر مشمول قانون کار می‌گردد. یعنی زنان تن فروش، در آلمان باید قرارداد کار دریافت کنند و از مزایایی مانند بیمه‌ی درمانی، بیمه‌ی بیکاری و حقوق بازنشستگی برخوردار شوند. دوماً به رسمیت شناختن تن فروشی و تثبیت آن در قانون، موجب می‌شد که تن فروشی دیگر به عنوان عملی "مناقض عفت" در نظر گرفته نشود.

سیاستمداران آلمان با تصویب این قانون، زنان را محکوم به ادامه این شغل می‌کنند. زیرا با رسمی شدن تن فروشی به عنوان شغل، فرد نمی‌تواند به راحتی کار خود را رها کند. به طور مثال اگر زنی در هر لحظه خواستار پایان دادن به تن فروشی باشد، بر طبق قانون کار، باید سه ماه دیگر ادامه دهد. در غیر این صورت، توقف ناگهانی شغل، به معنای لغو قرارداد و از دست دادن حقوق و مزایا خواهد بود.

طبق قانون کار، در صورتی که کارپذیری اخراج نشود و داوطلبانه شغل خود را رها کند، تا سه ماه از بیمه‌ی بیکاری محروم خواهد بود. و یا مانند موارد دیگر فردی که بیکار است می‌تواند از طرف اداره‌ی کار و یا اداره‌ی امور اجتماعی که به افراد بی‌بضاعت حقوق می‌دهد، دوباره به کار گمارده شود. اولویت نیز مسلماً در درجه‌ی اول با شغلی است که قبلاً در آن زمینه کار انجام شده.

طبق این قانون، حتی می‌توان هر زن بیکاری را برای کار به فاحشه‌خانه‌ها فرستاد. چرا که طبق قانون، افرادی که حقوق بیکاری و یا

کمک دولتی دریافت می‌کنند، حق امتناع از پذیرش کاری را ندارند، حتی اگر فاقد تجربه در این زمینه باشند .

قبل از تصویب این قانون، زن تن فروش می توانست به پلیس مراجعه کند و از صاحب فاحشه‌خانه و دلالان دیگر شکایت کند، اما اکنون چنین امکانی وجود ندارد. چرا که داشتن فاحشه‌خانه و یا خرید و فروش زنان، تحت عنوان آژانس کاریابی، قانونی محسوب می‌شود. خصوصاً اگر زنی به اجبار، قرارداد کار را امضاء کند، قادر نخواهد بود که ثابت کند که تحت فشار و تهدید مجبور به تن فروشی شده است. تازه این صاحب کار است که می‌تواند از او شکایت کند .

استدلال دوم تصویب این قانون همانطور که ذکر شد، این بود که دیگر این شغل "منافی عفت" محسوب نشود و زنان تن فروش جای خود را در اجتماع بیابند.

منبع: افسانه پایدار

وضعیت تکان دهنده فساد در مدارس غرب

انتشار اخبار مربوط به شیوع انواع فسادهای اخلاقی در بین جوانان آمریکایی و غربی هر روز بیشتر می‌شود.

نمونه بارز این فسادهای دامنه دار در مدرسه کینگ و از قول مربیان بهداشت این مدرسه نقل شده است. بر این اساس تاکنون دانش آموزان زیادی به مرکز بهداشت مدرسه مراجعه کرده اند که باردار شده اند.

مربیان بهداشت مدرسه که در مهار این فسادها ناتوان هستند در نهایت استیصال اعلام نموده اند که دانش آموزان دختر یک مدرسه راهنمایی در ایالت پورتلند آمریکا می‌توانند از این به بعد از دفتر سلامت مدرسه خود قرص های ضد بارداری دریافت کنند.

مفاسد اخلاقي و بي بند و باري شديد دانش آموزان مدرسه کينگ (King) واقع در شهر مين (Maine) باعث شده تا مسئولان اين مدرسه به فکر توزيع گسترده و رسمي قرصها و لوازم ضد بارداري بيفتند.

بنابراين گزارش، اين اقدام اولياي مدرسه کينگ که با موافقت مسئولان شهري و ايالتي همراه بوده است، در حالي صورت مي گيرد که سن دانش آموزان اين مدرسه بين ۱۱ تا ۱۳ سال است!

ديويا موهان، سخنگوي انجمن ملي رسيدگي به سلامت مدارس ضمن انتقاد از اين اقدام مدرسه کينگ، آن را عجيب دانست و تاکيد کرد که اين مسئله نتيجه بي بند و باري موجود در جامعه آمريکاست که گريزي از آن نيست ولي ما نبايد با اين گونه کارها به اقدامات غيراخلاقي مشروعت دهيم.

در جلسه شوراي اداري شهر "مين" که براي تصميم گيري د رمورد درخواست مدرسه مينگ تشکيل شد، تنها دو نفر به مخالفت با اين موضوع پرداختند و ساير اعضا با رايي قاطع به پخش قرصهاي ضد بارداري در مدرسه راهنمايي کينگ راي دادند.

در انگلستان و برخي کشورهاي اروپايي نيز مشابه چنين وضعيتي وجود دارد. بر اساس يک آمار موثق، يک نفر از هر ۶ دختر ۱۵ ساله بریتانیایی به رغم اینکه براي رابطه جنسي سن آنها پايين بوده است در سال گذشته از داروهاي ضد بارداري استفاده کرده است.

جدترين آمار نشان مي دهد که ۵۰ هزار نفر دختر ۱۵ ساله و ۳۱ هزار نفر از دختران ۱۳ و ۱۴ ساله بریتانیایی در سال ۲۰۰۷ - ۲۰۰۶ براي درمان هاي ضدبارداري به کلينیک هاي پزشکي مراجعه کرده اند.

تعداد دختراني که در دهه گذشته به دنبال چنين مسائلي بوده اند، افزايش يافته است. منبع: روزنامه رسالت، شماره ۶۲۸۶ به تاريخ ۱۶/۸/۸۶،

صفحه ۱۸ (زندگي) <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۱۰۱۰۲۹۶>

فساد در تمدن غرب

یکی از مجلات آمریکائی نوشته است:

سه عامل شیطانی وجود دارد که دنیای امروز ما را فرا گرفته و در افروختن آتش برای ساکنین زمین مؤثرند.

عامل اول ادبیات بی آبرو و دور از عفت است که بعد از جنگ جهانی با تمام وقاحت و بی‌عفتی و بی‌آبرویی بشکل عجیب و غریبی ترویج شد و دنیا را فرا گرفت!

عامل دوم فیلمهای سینمایی سوپر است که نه تنها غریزه شهوانی حیوانی را تحریک می‌کند بلکه در این خصوص، دروس علمی و عملی را برایشان تلقین می‌نماید.

عامل سوم پایین آمدن سطح اخلاق زنان است که در لباس، برهنگی، اعتیاد و اختلاط بدون قید و شرطشان با مردان بصورت آشکاری بچشم می‌خورد. این مفاسد سه گانه بمرور زمان رو به ازدیاد است و آخرین نتیجه آن زوال تمدن و ازبین رفتن مسیحیت است که اگر ما امروز از طغیان آنها جلوگیری نکنیم، بطور حتم تاریخ رومیها و کسانی که به پیروی از شهوت و غریزه جنسی رهسپار عدم گردیدند برای ما هم تکرار می‌شود زیرا آنها هم مانند ما در شراب، زن، رقص و موسیقی و لهو و لعب غرق شده بودند.

در این جامعه دیگر زن با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت و تهذیب و حجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن و قانع بودن به همسر خود، نشانه بی‌تمدنی! و بی‌فرهنگی و عدم پیشرفت به حساب می‌آید!

در غرب، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه‌های جنسی بکارگرفته شده در فیلمهای سینمایی، تئاترها و موسیقی‌ها و داستانهای فاسد، زن را عریان‌تر و برهنه‌تر معرفی بکند و بدین وسیله مشتریهای بیشتتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که فلان فیلم اینقدر فروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجه تسلط شهوات بر امور ملتهای غربی

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور ملتهای غربی و حضور بی قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این ملتها شده است. آثاری همچون:

- ۱- فساد نظام خانوادگی،
 - ۲- افزایش آمار طلاق
 - ۳- تعداد کم ازدواج (در فرانسه از هر هزار نفر، هفت یا هشت نفر ازدواج می‌کنند)
 - ۴- کثرت فرزندان نامشروع (در انگلستان از هر سه کودک یک نفر نامشروع است)،
 - ۵- کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال (در فرانسه، دادگاه زنی را که طفلش را خفه کرده بود و چون طفل هنوز نفس می‌کشید سر او را بدیوار کوبیده بود و کشته بود، مجرم ندانست! همچنین رقاصه‌ای که می‌خواست زبان کودکش را از حلقش درآورد! لذا سر طفلش را زخمی کرده و شاهرگش را قطع نموده و او را کشته بود، مجرم شناخته نشد!)
 - ۶- افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی دارد)،
 - ۷- کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه و بی‌اعتمادی به هم و مردن فضیلت‌های اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم،
 - ۸- از بین رفتن عاطفه و محبت،
 - ۹- شورش و طغیان مردم،
 - ۱۰- احساس پوچی در بین اکثر جوانان
- و... همه از معضلات جوامع غربی می‌باشند.»

تاریخ فحشاء

مؤلف کتب تاریخ فحشاء، آقای «جورج رائیلی اسکات» انگلیسی می‌نویسد:

مرتکب شدن به فسق و فجور و ولگردی در خیابانها و عدم عفت برای دوشیزه امروزی از جمله وسایل زندگی تجملی بشمار می‌رود. استعمال مواد مخدر، شرابه‌های ترش مزه، رنگ کردن ناخن و لبها به رنگ سرخ، مهارت داشتن در مورد مسائل جنسی و تدابیر ضد بارداری و سخن از فحشاء نیز از جمله ضروریات امروزی شدن و پیشرفت زندگی تجملی محسوب می‌شود. تا الان هم تعداد زنانی که پیش از ازدواج، روابط جنسی دارند رو به ازدیاد و افزایش است و آن را هیچ عیب و گناهی نمی‌دانند و وجود دختران باکره در هنگام عقد ازدواج در کلیسا بسیار نادر و کمیاب است.»

با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند

جوینس برایش، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»

فرار از خانواده ها

«براساس آمار معتبر: در آمریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده‌های خود فرار می‌کنند که نیمی از آن‌ها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی‌توانند شغلی داشته باشند، لذا به دزدی و مبادله مواد مخدر و فحشاروی می‌آورند.»

رواج گسترده افسردگی

همچنین بیماریهای مختلف روانی در میان ملتهای بی بندوبار در سطح بسیار وسیعی ظاهر می‌شود:

در سال ۲۰۰۲ افسردگی پس از بیماری‌های قلبی، گسترده‌ترین بیماری دامن گیر بشر خواهد بود. دکتر ارنست برنت و همکارانش از انسیتو تکنولوژی ماساچوست آمریکا برآورد کرده‌اند که هزینه‌های مربوط به بیماری افسردگی در آمریکا سالانه بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار یعنی تقریباً برابر هزینه‌های بیماری‌های عروقی است و این بدان معنا است که

هر آمریکایی سالانه ۶ هزار دلار بابت بیماری افسردگی پرداخت می‌کند.

هزینه‌های مربوط به درمان بیماری افسردگی به ۱۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شود و خودکشی مبتلایان به افسردگی ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به این رقم می‌افزاید که خسارت ناشی از دست رفتن نیروی انسانی در آن به حساب نیامده است.

سقط جنین فرزندان حرام

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال در آمریکا رخ می‌دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده آمریکایی است و ۷۰٪ این دختران حملات جنسی افراد و گروه‌های مستهجن و هرزه را تجربه می‌کنند!»

مشاهده تصاویر هزاران قتل

بنجامین اسپاک، پزشک آمریکایی:

«میزان قتل و تجاوز و بهره‌کشی جنسی و بهره‌کشی از فرزندان و همسران به طور تکان‌دهنده‌ای بالاست.» «بیشتر سالخورده‌گان - مگر این که ثروتمند باشند- آرزو دارند که فقط تحمل شوند.» «دیگر پدر در بسیاری از خانواده‌ها چهره بالابتهی ندارد... و در برنامه‌های تلویزیونی اغلب اوقات پدر به عنوان دل‌قک تصویر می‌شود، مادران هرچه کمتر و کمتر در مقام تربیت‌کنندگان قابل اتکا و قابل احترام دیده می‌شوند.» «هر بچه‌ای به طور متوسط تا قبل از پایان دوره ابتدایی تصویر «رسانه‌ای» حدود هشت هزار قتل را تماشا کرده است.»

۵۰۰ هزار نوجوان در کار فحشا در آمریکا

«کشیش پرس ریتر می‌گوید: در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

نا امنی در آمریکا برای زنان

نیویورک تایمز:

«تفریح آمریکاییان شکل زشت و شرم آوری پیدا کرده است. فیلم‌ها و ترانه‌ها، آوازه‌ها و نمایش‌ها به جای اینکه الهام‌بخش و پیام آور باشند، هراس آور و زننده شده‌اند.»

تجاوز جنسی، استعمال دخانیات، مواد مخدر، شیطان پرستی، خشونت و هرزگی و بی بند و باری در شهرهای مختلف آمریکا اوج گرفته است.

شهرهایی چون واشنگتن، نیویورک، شیکاگو، بوستون، لس‌آنجلس، سانفرانسیسکو و چند شهر دیگر به عنوان مناطق خطرناک قلمداد شده‌اند، زیرا هیچگونه تأمین جانی و ناموسی برای زنان وجود ندارد.»

حاملگی نوجوانان آمریکایی

نشریه آمریکایی ریدرز دایجست:

«هر ساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین بین پانزده تا نوزده سال دوره دبیرستان به سبب ارتباط‌های نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند و این آمار در دهه‌های اخیر سال به سال در حال افزایش است.»

نیمی از زنان آمریکا در معرض تجاوز

ویلسون، پزشک آمریکایی:

«در ایالات متحده از هر دو زن یکی در طول زندگی در معرض تهدید و تجاوز گروهی بوده که همراه با مصرف الکل و مواد مخدر می‌باشد.»

ناامنی تنها بیرون رفتن زنان در آمریکا

نیویورک تایمز:

«کارآگاهان شخصی هم قادر به مهار جنایات و تعرض به خانم‌های جوان و دختران نیستند! و تنها رفتن به بیرون از خانه از ساعت هشت شب برای زنان و دختران ۱۰۰٪ مخاطره آمیز است.»

تاسیس کلینیک‌های حاملگی در مدارس انگلیس

يك سازمان بهداشتي در انگليس به دولت اين کشور پيشنهاده داد به دليل افزايش موارد حاملگي در ميان دانش آموزان، 'کلينيك هاي حاملگي' را در مدارس اين کشور راه اندازي کند. تاسيس 'موسسه ملي سلامت و مزيت هاي کلينيك' انگليس اعلام کرد: تاسيس کلينيك هاي حاملگي در مدارس انگليس براي مراقبت از دانش آموزان باردار ضروري است.

تاسيس 'موسسه ملي سلامت و مزيت هاي کلينيك' انگليس اعلام کرد: تاسيس کلينيك هاي حاملگي در مدارس انگليس براي مراقبت از دانش آموزان باردار ضروري است.

اين موسسه افزود: بهداشتياريان بايد به مدارس بروند تا به دانش آموزان باردار توصيه هاي پزشکي لازم را ارايه کنند و از آنها آزمائش هاي بهداشتي مرتبط را بگيرند.

کارشناسان مسائل اجتماعي افزايش آمار حاملگي نوجوانان در انگليس را نشان دهنده سقوط اخلاقي، فراگير شدن بي بند و باري و سست شدن پايه هاي خانواده در اين کشور مي دانند.

منتقدان طرح 'موسسه ملي سلامت و مزيت هاي کلينيك' نيز معتقدند در صورت تاسيس کلينيك هاي حاملگي در مدارس، قبح حامله شدن دانش آموزان كاملا از بين مي رود و اين پديده به يك هنجار اجتماعي و امر معمول تبديل خواهد شد که خود مشکلات بيشتري را به دنبال خواهد داشت.

روزنامه گاردين روز چهارشنبه به نقل از 'رونا هاگز' کارشناس وزارت بهداشت انگليس نوشت: در زمان حاضر در مدارس انگليس، کلاس هايي درباره حاملگي براي دانش آموزان برگزار مي شود.

به نوشته گاردين، ۴۰ هزار دختر زير ۲۰ سال ساليانه در انگليس حامله مي شوند که تعداد زيادي از آنان مجبور به سقط جنين مي شوند.

انگليس يکي از بالاترين نرخ هاي حاملگي نوجوانان را در ميان کشورهای اروپايي به خود اختصاص داده است و از نظر آمار سقط جنين نيز در صدر کشورهای اين قاره قرار دارد.

آمار بالای تجاوز به زنان در فرانسه

روزنامه لوموند در سال ۱۳۸۸ به بهانه ۲۵ نوامبر روز بین المللی مبارزه با خشونت بر ضد زنان از آمار بالای تجاوز به زنان این کشور در سال خیر داده و از فرانسه بعنوان کشور ضد زن نام برده است.

مطابق آمار منتشر شده در نشریه لوموند که مربوط به سال ۲۰۰۰ است، در آن سال ۴۸ هزار زن در فرانسه مورد تجاوز واقع شده اند. رقمی که بدون تردید کاهش نیافته است.

این گزارش حاکی است تنها ۵ درصد از زنانی که مورد تجاوز واقع شده اند بطور رسمی شکایت کرده اند. لوموند علت اینکه افراد بیشتری شکایت نکرده اند می پرسد و در مورد اینکه تمایلی سیاسی برای مبارزه با چنین موضوعی وجود دارد ابراز تردید می کند.

این بحران همانگونه که گمان می رود منحصر به فرانسه نیست بلکه در دیگر کشورهای اروپایی نیز مصداق دارد.

لوموند می افزاید : به هر حال این مسائل نشان می دهد که فرانسه با ناتوانی کامل در ارائه تعریفی از ستم نسبت به زنان همچنان کشوری ضد زن است که مایل نیست چیز زیادی در این باره یاد بگیرد. در فرانسه مانند دیگر کشورهای غربی با شعار آزادی زن، در عرصه های مختلف مانند سینما، تلویزیون، تئاتر، آفیشهای تبلیغاتی و فروشگاهها از نماد جسم زن بعنوان وسیله ای برای نمایش، عرضه و فروش کوچکترین کالا استفاده می شود. <http://www.tabnak.com/nbody.php?id=۱۰۰۹۱>

بازار "زن فروشی" مدرن در اسرائیل!!!

در اقدامی آشکار از ترویج بی بند و باری و فساد اخلاقی در جامعه صهیونیستی، زنان برای فروش در ویتترین فروشگاه های زنجیره ای اسرائیل به معرض نمایش گذاشته می شوند.

به گزارش مشرق روزنامه صهیونیستی هآرتز نوشت؛ درحالی که فروشگاهها لباس های تن مانکن را برای فروش در ویتترین با برچسب قیمت به معرض نمایش می گذارند در اسرائیل اخیرا زنانی که از کشورهای مختلف قاچاق شده اند با برچسب قیمت برای تن فروشی در ویتترین به نمایش گذاشته شده اند.

به نوشته این روزنامه، در ویتترین فروشگاهی در ” مرکز خرید دیزین گوف” در تل اویو پایتخت اسرائیل تابلویی نصب شده که بر روی آن نوشته شده است “زنان برای فروش بر حسب سلیقه شخصی.”

در این فروشگاه، هفت زن جوان با حالتی زننده درحالیکه بر روی آنها اتیکت قیمت زده شده است، در ویتترین به نمایش گذاشته شده اند که نظر هر عابر پیاده ای را به خود جلب می کنند.

به نوشته قدسنا عابران در گفتگو با رسانه های اسرائیلی گفته اند که ما ابتدا فکر می کردیم این زنان مانکنهای چوبی هستند که برای نمایش لباسها در ویتترین قرار گرفته اند اما با جابجا شدن و پلک زدن آنها فهمیدیم که اینها انسان هستند. گفتیم شاید بجای مانکن های چوبی از این دخترخانم ها استفاده شده است پیگیر شدیم دیدیم خیر این ها برای فروش در ویتترین مغازه قرار گرفته اند.

هآرتز نوشت: بر روی اتیکت هر یک از زنان، سن، وزن، اندازه و کشور محل تولد آنها درج شده است. <http://ghadiri۱۴۰۴.blogfa.com/post-۲۷۰.aspx>

۲۰ میلیون زن آمریکایی قربانی تجاوز جنسی و خشونت در یک سال

در یک گزارش جدید درباره اوضاع حقوق بشر در آمریکا آمده است: حدود ۲۰ میلیون زن آمریکایی در سال ۲۰۱۰ قربانی تجاوز جنسی و خشونت شده اند و روزانه سه زن در این کشور کشته می شوند

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از سی ان ان، در گزارشی درباره اوضاع حقوق بشر در آمریکا در سال ۲۰۱۰ که روز یکشنبه منتشر شد، آمده است: در سال گذشته حدود ۲۰ میلیون زن آمریکایی قربانی تجاوزهای جنسی و خشونت ها شدند.

در این گزارش آمده است: همچنین ۹۲ درصد زنان آمریکایی یعنی از هر چهار زن یک نفر قربانی خشونت ها هستند و روزانه سه زن در این کشور کشته می شوند.
<http://ghadiri۱۰۴.blogfa.com/post-۳۸۰.aspx>

تجاوز زنان به مردان در ارتش صهیونیستی !!

رسانه های رژیم صهیونیستی طی چند روز اخیر در گزارشات خود از افزایش پدیده تجاوز جنسی زنان به مردان در ارتش صهیونیستی خبر داد.

در همین راستا روزنامه "یدیعوت آحارنوت" نوشت: بسیاری از سربازان زن در ارتش اسرائیل ابتدا به افسران مرد اجازه می دهند که با آنان ارتباط جنسی برقرار کنند و پس از انجام چنین کاری، با هدف باجگیری، از آنان شکایت می کنند.

این روزنامه افزود: گروهی از زنان ارتش نیز به پسران جوان زیر ۱۶ سال تجاوز می کنند.

گفتنی است این اتفاق تنها توسط زنان ارتش صهیونیستی صورت نمی گیرد بلکه در گذشته نیز اخبار بسیار زیادی در مورد تجاوز معلمان زن به دانش آموزان زیر ۱۶ سال در مدارس صهیونیستی منتشر شده بود.

در همین حال جدیدترین بررسی های انجام شده در دانشگاه های صهیونیستی نیز نشان می دهد بیش از ۲۹/۶ درصد از دانشجویان دختر

و پسر در معرض تجاوز اساتید و مسئولان دانشگاه هستند. این درصد سال به سال در حال افزایش است.

از سوی دیگر قابل ذکر است حتی اندیشه بسیاری از خاخام‌های دینی یهودیان در مورد مسائل جنسی در چند سال اخیر تغییر کرده و رو به فساد گرویده است به طوری که چندی پیش اعلام شد که قرار است مدرسه ای دینی برای تحصیل خاخام‌های همجنسگرا در سرزمین‌های اشغالی احداث شود.